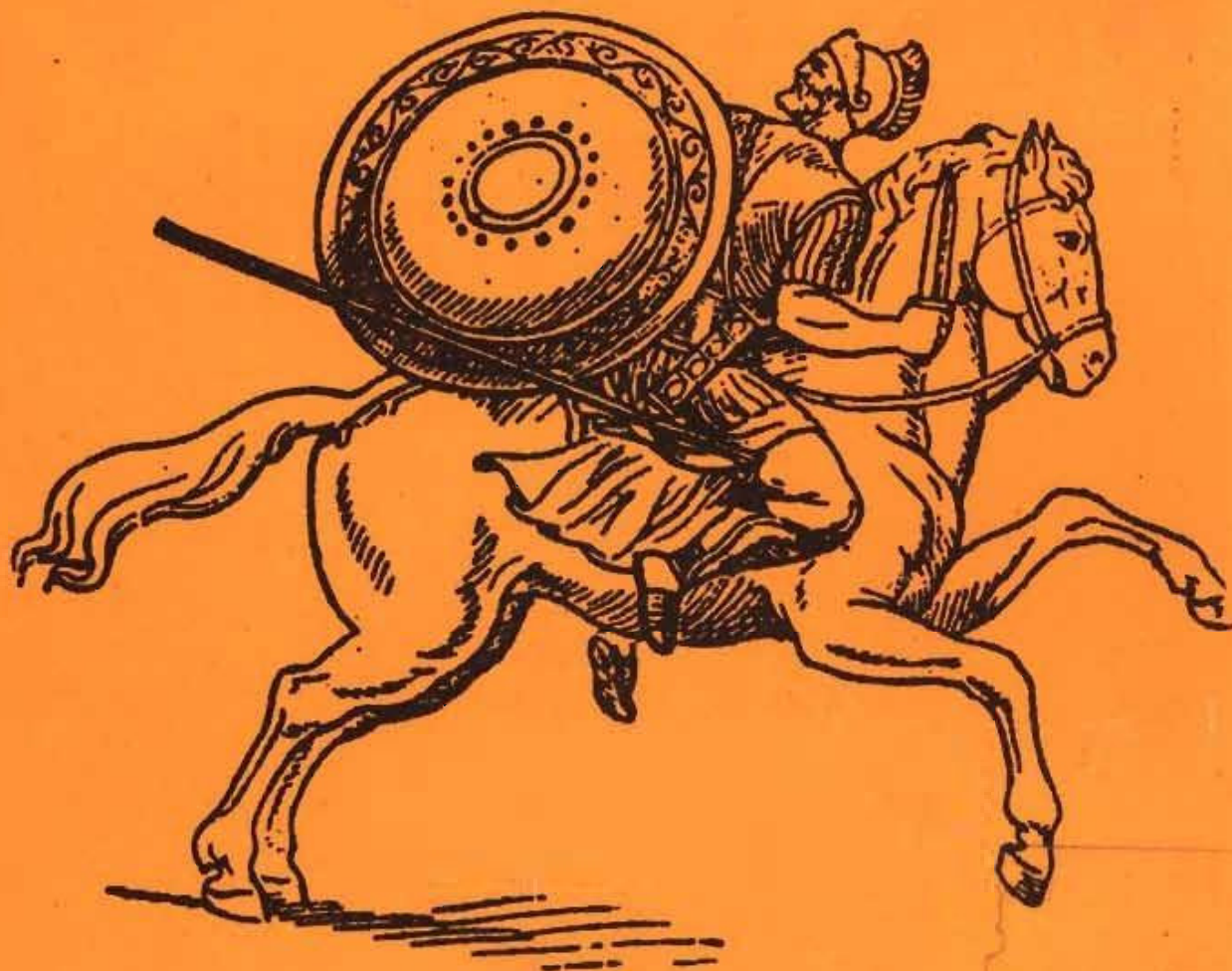


تاریخ روم باستان

فئودور . پ . کوروفکین



غلامحسین متین

کتابی که در دست شماست
 حاوی اطلاعات تاریخی
 از نظام اجتماعی، آداب
 و رسوم روم باستان است.
 نویسنده این کتاب آقای
 فتودور پتروویچ کوروفکین
 اهل مسکو، در سال ۱۹۰۳
 بدنیا آمد.

وی بعدها به دلیل لیاقتی
 که در ارائه روش های
 آموزشی از خود نشان
 داد نامزد دکترای علمی
 در "علوم متدهای آموزشی"
 شده و نشان رسمی "آموزگار
 شایسته" را دارا شد.



انتشارات محور

شابک: ۰۰۰۶۷۹۶-۹۶۲

قیمت: ۷۰۰ تومان

تاریخ روم باستان

ف. پ. کورفکین

غلامحسین متین

تاریخ روم باستان

ف. پ. کوروفکین

ترجمه
غلامحسین متین



انتشارات محور

بهمن ۱۳۷۹

کاروفکین، فنودور پتروویچ
Korovkin, Fedor Petrovich

تاریخ روم باستان / فنودور کوروفکین؛
ترجمه غلامحسین متین. - تهران: محور، ۱۳۷۸.
۱۶۷ ص.: مصور، نقشه، جدول.

ISBN 964 - 6796 - 06 - 0:

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

- ۱. روم - تاریخ. ۲. روم - تمدن. ۳. روم -
- تاریخ - پرسشها و پاسخها. ۴. روم - تمدن -
- پرسشها و پاسخها. الف. متین، غلامحسین، ۱۳۱۸ -
- ۱۳۷۵، مترجم. ب. عنوان. ۹۳۷/۰۱

DG۲۰۹ ت۲ ک

۱۳۷۸

۷۸-۲۰۴۲۹ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات محور

تهران صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۴۳۸ تلفن ۶۴۹۹۲۵۱

تاریخ روم باستان

فنودور. پ. کوروفکین

غلامحسین متین

چاپ اول ۱۳۷۹

تیراژ ۳۰۰۰

چاپخانه سپیده احرار

شابک ۰ - ۰۶ - ۶۷۹۶ - ۹۶۴

فهرست مطالب

- از این کتاب چگونه باید استفاده کرد ۷
 اشاره مترجم ۹

فصل اول. تشکیل دولت برده‌دار روم

- بند اول : پیدایش شهر رم ۱۳
 بند دوم : تشکیل جمهوری اشراف ۲۱

فصل دوم. جمهوری نیرومند روم

- بند سوم : آغاز مبارزه بین روم و کارتاژ ۲۸
 بند چهارم : دومین جنگ پانیک ۳۵
 بند پنجم : متصرفات و پیروزی‌های روم ۴۳
 بند ششم : برده‌داری در روم ۵۲
 بند هفتم : افلاس دهقانان و مبارزاتشان ۵۹
 بند هشتم : قیام اسپارتاکوس ۶۶

فصل سوم. سقوط جمهوری و آغاز دوره امپراطوری

- بند نهم : برقراری رژیم امپراطوری ۷۶
 بند دهم : امپراطوری در زمان اوکتاویان ۸۶

فصل چهارم. معیشت و فرهنگ روم

- بند یازدهم : طرز معیشت برده‌داران و فقیران ۹۲
 بند دوازدهم : تکنیک و هنر در روم ۱۰۱

فصل پنجم. انحطاط امپراطوری برده‌دار

- بند سیزدهم : آغاز انحطاط امپراطوری برده‌دار ۱۱۳
 بند چهاردهم : پیدایش مسیحیت ۱۱۹
 بند پانزدهم : بدتر شدن وضع امپراطوری ۱۲۴
 بند شانزدهم : ژرمن‌ها در نخستین قرن‌های میلادی ۱۳۲
 بند هفدهم : سقوط امپراطوری غربی روم ۱۴۱

- نتیجه‌ی بخش «روم باستان» ۱۴۹

سخنی با خواننده

برای خواننده محترم مخصوصاً نوجوانان عزیز این نکته بسیار آموزنده و شیرین است که بدانند بشری که امروز به پله‌های رفیعی از تکنولوژی و دانش رسیده است، از کجا و چگونه شروع به زندگی کرده و در ساختن و پرداختن خود و جهان پیرامون خویش چه قدم‌های را پیموده و در این رهگذر در می‌یابد که می‌شود تا به کجا رسید!؟

با انتشار تاریخ روم باستان سومین کتاب از مجموعه (تاریخ دنیای قدیم) تریلوژی تاریخی ما نیز به پایان می‌رسد. حتماً می‌دانید که کتاب اول از این مجموعه به تاریخ شرق باستان و کتاب دوم به تاریخ یونان باستان اختصاص دارد. لیکن برای آن عده از دوستان عزیزی که احتمالاً تاکنون موفق به مطالعه‌ی این دو جلد نشده‌اند، ضروری می‌دانیم چند کلمه‌ای شرح بدهیم.

در کتاب "تاریخ شرق باستان"، ابتدای نظام جماعتی نخستین (دام‌پروری و شکار، خانواده و پیدایش مذهب

و گاه شماری) و سپس کشورهای شرقی قدیم که شامل: مصر، میانرودان (بین النهرین)، هند و چین می باشد، مورد بررسی دقیق نویسنده قرار می گیرد.

دومین کتاب "تاریخ یونان باستان" است. به خاطر اهمیتی که یونان کهن در سرنوشت آتی بشر دارد، تنها به این کشور تخصص یافته، شما را در جریان وقایعی قرار می دهد که هنوز هم در گوشه و کنار جهان می توانید مشابهنش را پیدا کنید. این شباهت، یک پدیده ی غیر طبیعی است، زیرا که بعید است امروزه ما شاهد وقایعی باشیم که هزاران سال پیش از میلاد هم روی می داده است. و همین، تبدیل به اهرمی می شود برای تحرک فکری ما.

چرا باید در دنیای امروز، موارد مشابه زیادی با صدها قرن پیش، وجود داشته باشد؟ از این جاست که ما ریشه های عقب ماندگی را از زیر گرد و خاک قرون بیرون می کشیم، به آن عمیقاً می نگریم و درک می کنیم که چرا گروهی، از زمانشان پیشتر رفته اند و گروهی درجا زده اند، آن چنان در جایی که گویی نه در این عصر شکوفایی خرد و دانش انسان، بلکه در دوره ی نادانی و ناتوانی آدم، زندگی می کنند.

از مطالعه ی تاریخی که هدف نجیبانه ی لمس واقعیات زندگی را دنبال می کند، در می یابیم که برای ساختن آینده، شناختن گذشته ضروری است. در جریان این کار است که پدیده های نامطلوب و

غیرطبیعی را درک می‌کنیم.
 از خود می‌پرسیم که اگر آن دنیای کهن، با تمام رنج‌ها
 و بدبختی‌ها و زرق و برق‌هایش محکوم به نابودی بوده،
 پس چرا هنوز بقایای آن باقیست؟ آیا این امر طبیعی
 است که همه چیز یک باغ - هم درختان و جویبارانش و
 هم درودیوارهایش - از بین برود و فقط یک بوته‌ی
 خشک و خالی از آن باقی بماند؟

با مطالعه‌ی این تریلوژی ساده، ولی واقع‌گرا
 می‌فهمیم که آرمان‌های بشر دوستانه‌ای که امروزه دنیای
 ما را احاطه کرده‌اند، پدیده‌های نوی نیستند. این
 آرمان‌ها از چکیده‌ی تجارب انسان طی تمامی زندگیش
 در طول تاریخ ریشه می‌گیرند و رشد می‌کنند و تناور
 می‌شوند. و نیز درک می‌کنیم که انسان، از همان هنگامی
 که پا به عرصه وجود گذاشت، محکوم به پیشرفت و
 تکامل بود. و اگر غیر از این بود، اینک هیچ چیز وجود
 نداشت و برای استحکام هرچه بیشتر راه تکامل است
 که مطالعه‌ی عمیق تاریخ را یک امر حیاتی تلقی می‌کنیم:
 باید بدانیم که بودیم تا بتوانیم به آن که می‌خواهیم
 بشویم، برسیم.

مترجم

از این کتاب چگونه باید استفاده کرد؟

مطالب این کتاب به چند بخش، هر بخش به چند فصل و هر فصل به چند بند تقسیم شده است. «فهرست» کتاب را باز کنید، خواهید دید که کتاب در باره‌ی چه چیزهایی گفت و گو می‌کند و از چه قسمت‌هایی تشکیل یافته است. هر بند به چند ماده تقسیم شده، عنوان ماده‌ها نمودار خلاصه‌ی مطالب آنهاست.

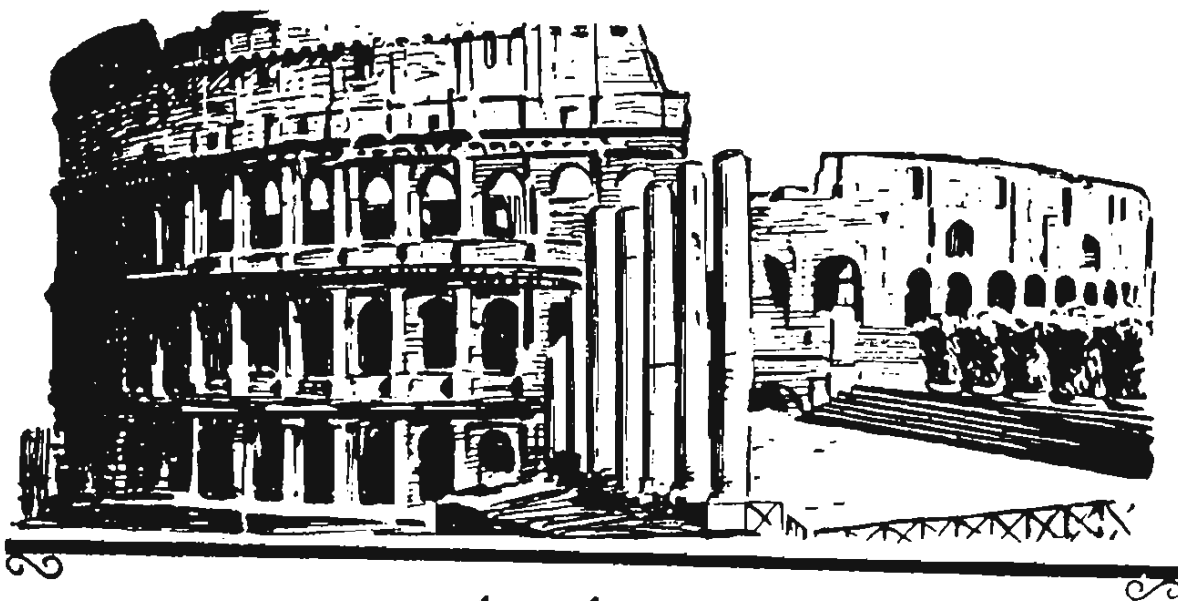
اگر بیش از هر بند سؤالی در کتاب هست، خودتان در باره‌اش فکر کنید و پاسخ آن را بیابید. این موضوع نه تنها باعث می‌شود که شما آنچه را قبلاً خوانده‌اید، به خاطر بیاورید، بلکه می‌تواند شما را در پی بردن به مطالب جدید راهنمایی کند.

هر بند را بطور کامل و با دقت بخوانید. اما به مطالبی که برجسته چاپ شده، توجه بیشتری بکنید. به تصویرهای کتاب هم به دقت نگاه کنید. دریاها، رودخانه‌ها، کشورها و حتی شهرهایی را که نامشان در کتاب هست، در روی نقشه پیدا نمایید.

پس از خواندن هر بند به سؤالاتی که در پایان آن نوشته شده، پاسخ بدهید. خود را امتحان کنید، ببینید آیا نتیجه‌گیریها و تعریف‌هایی را که خوانده‌اید، فهمیده‌اید؟

مطالب هر بند را با بیان خودتان شرح بدهید، ابتدا ماده‌ی اول را بخوانید و شرح بدهید. سپس در مورد هر ماده به ترتیب اینکار را انجام دهید. آنگاه تمام بند را به طور یکجا برای خود بازگو کنید.

هنگام خواندن کتاب، به پرسشها بطور کتبی پاسخ دهید و پاسخها را در دفترچه‌ای به ترتیب پاکنویس کنید تا پس از مطالعه بتوانید دریافتهای خود را از کتاب مورد ارزیابی قرار دهید.



روم باستان

فصل اول

تشکیل دولت بوده‌دار روم

بند اول

پیدایش شهر رم

۱- طبیعت شبه جزیره‌ی آپنین

در دریای مدیترانه، در غرب یونان، شبه جزیره‌ی آپنین واقع شده است. در امتداد تمامی شبه‌جزیره، سلسله‌جبال کوهی قرار گرفته که به‌سلسله‌جبال آپنین یا کوه‌های آپنین شهرت دارد. سلسله‌جبال آپنین، از کوه‌های صخره‌ای یونان کم‌شیب‌تر و قابلیت عبورش بیشتر

1- Apennine

روم باستان ۱۳

است. بین کوه‌ها و دریا، جلگه‌های ساحلی دامن گسترده و به همین جهت، حتی در ایام باستان نیز به آسانی ممکن می‌شد از يك بخش شبه جزیره، به بخش دیگر رفت.

در بخش مرکزی سلسله جبال آپنین، رودخانه‌ای به نام تیبر^۱ جریان دارد. رود از میان کوه‌ها سرچشمه می‌گیرد. تیبر ضمن جاری شدن از کوه، از طریق يك جلگه‌ی پست، آبهای تیره‌ی خود را بدریا فرومی‌ریزد. در سواحل غربی و جنوبی شبه جزیره، خلیجی قرار دارد که برای لنگر انداختن کشتی‌ها بسیار مناسب است. معذک در بستر دریاهائی که شبه جزیره‌ی آپنین را در احاطه دارند، جزایر کوچک قلیلی وجود دارد که این امر، در دورانهای باستان، توسعه‌ی کشتی‌رانی را با دشواری روبرو می‌ساخت.

کوه‌های سربفلك کشیده‌ی آلپ^۲، شبه جزیره‌ی آپنین را از بادهای سرد شمالی، در امان میدارد. بدین سبب شبه جزیره، دارای آب و هوای گرم است. در این جا بیش از یونان باران می‌بارد. خاک نواحی ساحلی و دامنه‌های کوهستانی، بسیار حاصل خیز است. در دامنه‌های آپنین، مراتع زیادی بچشم می‌خورد که سرشار و پوشیده از علف‌های انبوه بلند است.

جزیره‌ی سیسیل^۳ که آب و هوایش بازهم گرم‌تر است و از لحاظ سرسبزی غنی‌تر می‌باشد، ادامه‌ی شبه جزیره‌ی آپنین بشمار می‌رود.

۲- سکنه‌ی شبه جزیره

در اواسط هزاره‌ی اول قبل از میلاد، در شبه جزیره‌ی آپنین،

-
- 1- Tiber 2- Alps 3- Sicily

حداقل دوازده ملیت زندگی می کردند که به زبان های مختلف سخن می گفتند.

در نواحی ساحلی شبه جزیره و درخاور سیسیل، کولونی های یونانی واقع شده بود. (بخاطر آورید که درچه قرن هائی بود که اکثر کولونی های یونانی بنیاد گرفت؟ بند ۹، ماده ی ۳ و ۴، جلد دوم). یونانی ها، شبه جزیره را، ایتالیا^۱ مینامیدند. بعدها این نام به تمام شبه جزیره اطلاق شد.

در سواحل بخش سفلی رودخانه ی تیر، لاتین ها^۲ بسر می بردند. این قوم نقش بزرگی در تاریخ ایتالیای باستان ایفا نمود.

۳- شهر روم در قرن ششم قبل از میلاد

تقریباً در آغاز قرن ششم قبل از میلاد بود که در محل سکونت لاتین ها، شهر کی بوجود آمد بنام روم. روم در ساحل چپ رودخانه ی تیر قرار داشت و ۲۵ کیلومتر از مصب آن دور بود.

روی تپه ی تندشیبی که بالای رودخانه گردن کشیده بود، دژی بچشم می خورد که در موقع هجوم و یورش دشمنان، اهالی شهرک به پشت دیوارهای آن پناه می بردند و مخفی می شدند.

روی تپه ی همجوار، کلبه های گلی و چوبی ای قرار داشت که بامهایشان یا باحصیر و یا با سفال پوشیده شده بود. بین کلبه ها، معابر تنگ و پر از پیچ و خمی قرار داشتند. در جلگه ی بین تپه ها، میدانی بعنوان بازار وجود داشت که به زبان لاتینی فروم^۳ یا محل تجمع نامیده

1- Italia 2- Latin 3- Forum

می‌شد. مسگران و کفاشان و سایر پیشه‌وران، مستقیماً در گوشه و کنار
معابر و فروم بکار اشتغال داشتند.
اکثر اهالی این شهرک زارع و پیشه‌ور بودند.



تصویر شماره ۲

رومیان هنگام یورش دشمنان در این دژ پنهان می‌شدند، از بالای پرتگاه
سمت راست محکومین به مرگ را به پایین پرت می‌کردند.

۴- چه کسانی پاتریسین‌ها^۱ نامیده میشدند؟

در دوران باستان سکنه‌ی رم بصورت قبیله‌ای زندگی می‌کردند.
اراضی متعلق به قبایل «م-زرعه‌ی اشتراکی» نامیده می‌شد.
قبایل از چند خانواده و یا بزبان لاتینی از چند فامیل^۲ تشکیل
می‌شدند. فرزندان سکنه‌ی قدیم رم، خود را پاتریسین می‌نامیدند. این
عنوان از واژه‌ی لاتینی «پاتر»^۳ که به معنای پدر است، گرفته شده بود.
پاتریسین‌ها از این امر بخود می‌بالیدند که پدرانشان بنیادگذار شهر رم

1- patricina

2- Family

3- pater

بوده‌اند. هر يك از فامیل پاتریسین‌ها، قطعه‌زمینی در مزرعه‌ی اشتراکی برای خود داشت، ولی احشام خویش را برای چرا به «مرتع عمومی» می‌برد.

در مزارع متعلق به پاتریسین‌ها، بردگان بکار مشغول بودند، ولی تعداد آنها زیاد نبود. معمولاً خود پاتریسین‌ها نیز در صحرا و در خانه، به‌مراه بردگان خویش کار می‌کردند. مکرر اتفاق می‌افتاد که آقا و برده‌پشت يك میز غذا می‌خوردند. بردگان، عضو خانواده‌شمرده می‌شدند.

خانه‌ی پاتریسین‌ها بسیار ساده بود و آرایشی معمولی داشت. در هر يك از این خانه‌ها، يك اتاق بیشتر وجود نداشت. وسط اتاق، يك حوض آب واقع شده بود که در بالای آن، توی سقف، روزنه‌ای چهار ضلعی دیده می‌شد. از طریق این روزنه، آب باران از روی بام به‌درون حوض فرو می‌ریخت. این روزنه‌بمثابه وسیله‌ای برای روشن کردن خانه نیز محسوب می‌شد.

ریش سفیدان پاتریس، شورائی تشکیل می‌دادند که «شورای شیوخ» و یا بزبان لاتینی «سنا»^۱ نامیده می‌شد. شورای شیوخ برای بررسی و مذاکره پیرامون مسایل مهم‌تر، از مردان پاتریس دعوت می‌کرد تا مجلس ملی را تشکیل دهند.

۵ - پله‌یین‌ها^۲

سکنه‌ی رم پیوسته رو به‌افزایش داشت. اهالی سایر شهرها و

1- Senate 2- Plebeian

ایالات ایتالیا نیز در روم اقامت می کردند.
 رومی‌ها، شهرهای همجوار را تسخیر کرده و بخشی از اهالی
 این شهرها را در روم اسکان می دادند. در ضمن آنها بهترین اراضی
 همسایگان خویش را نیز تصرف می کردند و به «مزرعه‌ی اشتراکی»
 پیوند می زدند.

اهالی غیر بومی روم و فرزندانشان را «پله‌بین» مینامیدند. اکثر
 آن‌ها زارع و پیشه‌ور بودند. قطعات زمینی که به پله‌بین‌ها میرسید، بسیار
 کوچک بود. ولی در میان آنها نیز افراد ثروتمند و حود داشتند. آنها
 عبارت بودند از تجار و مالکان کشتی‌ها.

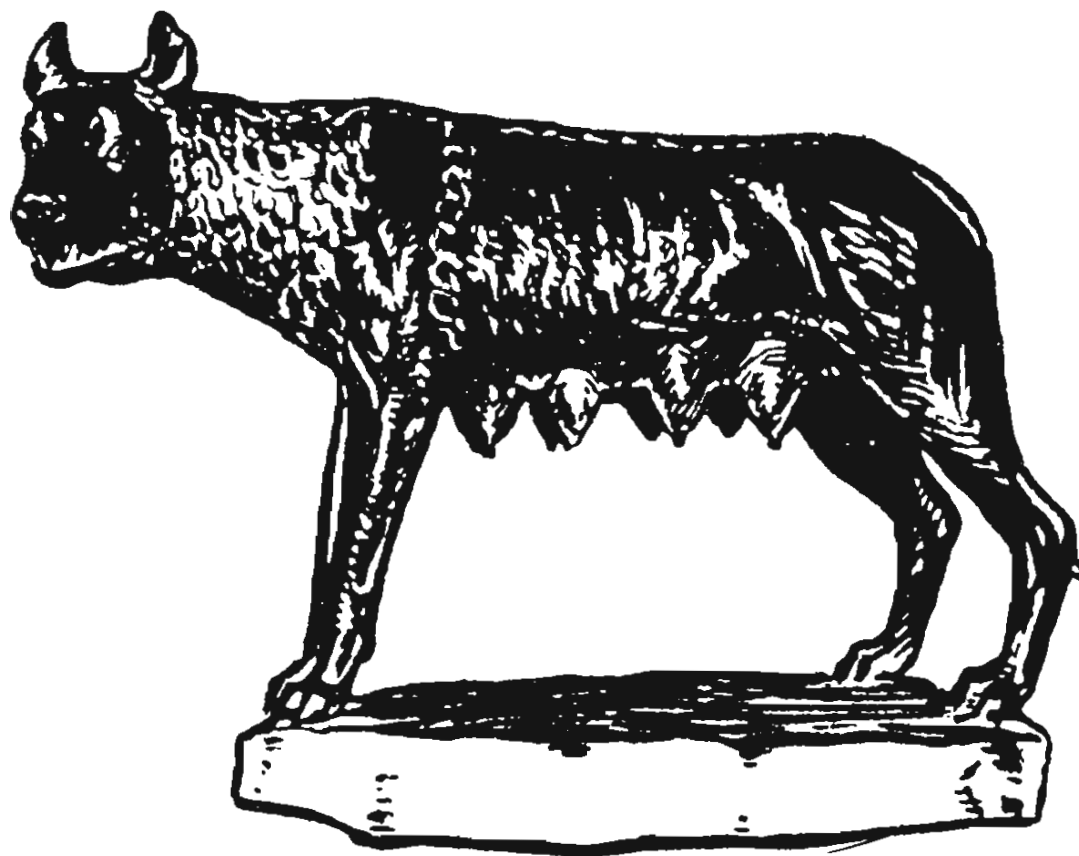
پله‌بین‌ها، کاملاً، از برخورداری از هر گونه حقوقی محروم
 بودند. آنها نصیبی از «مزرعه‌ی اشتراکی» نمی بردند. و در مجلس ملی
 نیز حق شرکت نداشتند. آن عده از پله‌بینهایی که مدیون بودند و
 بموقع دیون خود را نمی پرداختند، توسط پاتریسین‌ها به بردگی گرفته
 می شدند.

افسانه‌ی پیدایش شهر روم

زمانی دراز پس از پیدایش شهر روم، افسانه‌ای بوجود
 آمد مبنی بر اینکه این شهر چگونه و بوسیله‌ی چه کسی
 ساخته شد. بر طبق این افسانه، سزار یکی از شهرهای
 لاتینی دستور داد فرزندان خواهرزاده‌اش رومولوس^۱
 و رموس^۲ را به رودخانه‌ی تیبر افکنند. زیرا! از این می-
 ترسید که چون بزرگ شدند، وی را از تخت بزیر
 آورند. کودکان در نقطه‌ی کم‌آبی از رودخانه فرو

1- Romulus 2- Remus

افتادند و ماده گرگی آنها را نجات داده و با شیر خودایشان را سیرمی کرد. سپس چوپانی آندوکودک را یافت، بخانه برد و بزرگ کرد. برادران که بزرگ شدند، بجان هم افتادند، رومولو رما را کشت. و سپس شهر روم را در همانجائی که چوپان ایشان را یافته بود، بنا کرد و سزار آن شد.



تصویر شماره ی ۳

سمبل روم

ماده گرگ، مجسمه‌ای از برنز، متعلق به قرن ششم قبل از میلاد که در روم قرار داشت.

لابد رومولو و رما هیچ گاه وجود نداشته‌اند، لیکن رومیان این افسانه را باور کرده، حتی مبدأ تاریخ را از سالی حساب می‌کردند که

روم باستان ۱۹

گویا در آن رم ساخته شد.
این سال مطابق سال ۷۵۳ قبل از میلاد است. در رم مجسمه‌ی
گرگی به‌علامت سمبل شهر نصب شده بود.

پرسش و تمرین:

- ۱- بین طبیعت ایتالیا و یونان چه تفاوتی وجود داشت؟
- ۲- طبیعت ایتالیا چه تأثیری مساعدی در زمینه‌ی مشاغل سکنه داشت؟
- ۳- چگونه و چرا اهالی به‌گروه‌های پاتریس و پله‌بین تقسیم شدند؟
- ۴- چه چیز زندگی اشراف یونان در دوره‌ی هرمر با زندگی پاتریسین‌ها در
نخستین قرن‌های موجودیت رم، شباهت داشت؟
- ۵- سال افسانه‌ای پیدایش رم به‌چه قرنی و به‌کدام نیمه‌ی آن قرن مربوط
می‌شود؟ در واقع شهر رم در چه سالی بوجود آمد؟

بند دوم

تشکیل جمهوری اشراف در رم

بخاطر آورید: در یونان، به چه کسی تبعه گفته می‌شد؟ (بندهای ۷ و ۶، ماده ۹، جلد دوم). چه کسی آریستوکرات نامیده می‌شد؟ (بندهای ۷ و ۶، ماده ۵ جلد دوم).

۱- برقراری جمهوری

روایات باستانی حکایت از آن دارند که در اواخر قرن ششم پیش از میلاد، سزار خونخواری در رم حکومت می‌کرد. در سال ۵۰۹ قبل از میلاد، سزار بی‌رحم از شهر رانده شد و رژیمش نابود گردید.

حکومت رم، انتخاباتی شد. بدین ترتیب که مجلس ملی هر ساله دو تن از پاتریسین‌ها را بعنوان حاکم - کنسول^۱ - برمیگزید. کنسول‌ها

 1- Consul

روم باستان ۲۱

برساکنان روم حکمیت نموده، بموقع جنگ فرماندهی ارتش را بعهدہ می‌گرفتند و در زمان صلح مجبور بودند که در تمام امور با سنا مشورت کنند.

سنا نفوذ و قدرت عظیمی داشت. امور نظامی و خزانه‌ی حکومت را اداره می‌کرد، اعلام جنگ میداد، صلح مینمود. سنا مجلس ملی را دعوت به تشکیل می‌کرد و تصمیماتی را که قبلاً گرفته بود، به آن پیشنهاد می‌کرد. مجلس ملی تقریباً همیشه تصمیمات سنا را تأیید میکرد.

رومیان حکومت خود را «حکومت عموم مردم» مینامیدند که بزبان لاتینی «جمهوری» یا «رس پوبلیکا» خوانده می‌شد. («رس» یعنی امر، کار و «پوبلیک» یعنی همه‌ی خلق، عموم مردم). نام حکومت‌های جمهوری کنونی‌ای که توسط افرادی اداره می‌شوند که برای دوره‌ی معینی انتخاب شده‌اند نیز از همین واژه سرچشمه گرفته است.

۲- مبارزه پله‌بین‌ها با پاتریسین‌ها و پیروزی پله‌بین‌ها

در جمهوری روم، پله‌بین‌ها کلیه‌ی وظائف یک تبعه را انجام می‌دادند: یعنی هم در ارتش خدمت می‌کردند و هم مالیات می‌پرداختند. ولی بسان گذشته، بازهم از کلیه‌ی حقوق محروم بودند. آنها تقاضا داشتند که مثل پاتریسین‌ها شمرده شوند و مثل آنها، از حقوق واحدی برخوردار گردند.

آنها تهدید می‌کردند که اگر با پاتریسین‌ها حقوق مساوی نداشته

1- Respublica

باشند، از خدمت و وظیفه‌ی سربازی امتناع خواهند نمود و یا اینکه روم را ترک خواهند کرد. پاتریسین‌ها که از تضعیف سپاه می‌هراسیدند، ناگزیر برای ایشان امتیازاتی قایل شدند. ابتدا پله‌بین‌ها موفق گردیدند حق انتخاب مدافع خود را که تریبون خلق نامیده میشد، به دست آورند.



تصویر شماره‌ی ۴

یک تن از اشراف روم. لباس رسمی یک اشراف‌زاده‌ی رومی در آن زمان عبارت بود از پارچه‌ای یک تکه از پشم که در حالی که دست راست آزادانه از آن بیرون می‌آمد، به دور بدن پیچیده می‌شد.

رجل برجسته و ناطق پرشور 1- Tribun

روم باستان ۲۳

يك «تريون» می‌توانست دستور کنسول‌ها و سنا را که به - پله‌بین‌ها مربوط می‌شد، لغو کند. برای لغو دستور آنها کافی بود که واژه‌ی «وتوا» را بر زبان آورد، که به‌زبان لاتینی «منع می‌کنم» معنی می‌دهد. طی تمامی دوره‌ای که تریون به‌نماینده‌گی برگزیده می‌شد، می‌توانست از حق وتو استفاده کند. در خانه‌ی يك تریون، شب و روز باز بود تا پله‌بین‌ها بتوانند هر موقعی که لازم بود، با مدافع خود ملاقات کنند. قتل يك سخنور - تریون - مجازاتی بس سنگین بدنبال داشت. مبارزه‌ی پله‌بین‌ها با پاتریسین‌ها قریب ۲۰۰ سال طول کشید و سرانجام، با پیروزی کامل پله‌بین‌ها، تمام شد. در آغاز قرن سوم پیش از میلاد بود که پله‌بین‌ها از حقوق کامل يك تبعه‌ی روم برخوردار شدند: آنها با برابر شدن با پاتریسین‌ها، در اداره‌ی جمهوری روم شرکت می‌کردند و ازاراضی «مزرعه‌ی اشتراکی» استفاده می‌بردند. بردگی ایشان بخاطر دیون از بین‌رفت و لغو شد.

۳- بقدرت رسیدن آریستوکرات‌ها

پس از پیروزی پله‌بین‌ها گفته شد که هر يك از اتباع روم می‌- تواند برای هر پست دولتی، انتخاب شود. با وجود این در قبال تصدی پست‌های دولتی هیچ پولی، حقوقی پرداخت نمی‌شد. بدین سبب، تصدی پست‌های دولتی برای فقیران يك امر غیر قابل حصول بود. فقیری که در تمام مدت روز در مزرعه و یا در کارگاه مشغول بکار بود، حتی به‌دشواری وقت پیدا می‌کرد تا در

1- Veto

مجلس ملی شرکت جوید.

پاتریسین‌ها و پله‌بین‌هایی که از خود دارای ملک و برده بودند، پست‌های کنسولی و دیگر پست‌های دولتی را اشغال می‌کردند. در قرن سوم پیش از میلاد دیگر ثروتمندان رومی در املاک خویش کار نمی‌کردند. اراضی آنها را بردگانی عمل می‌آوردند که تعدادشان بتدریج بخاطر سرازیر شدن سیل آنها از سایر ایالات ایتالیا و کشورهای



تصویر شماره ۵
گارد محافظ سناتورها و
شخصیت‌های رومی

روم باستان ۲۵

آن سوی دریاها، فزونی یافته بود. تا قرن سوم پیش از میلاد، دیگر: چند ده فامیل پاتریسین و پله بین، که از فامیل‌های دیگر ثروتمندتر شده بودند، در جامعه مشخص‌تر گردیده، حکومت جمهوری را تیول خود می‌دانستند. سالیان سال افراد این هزار فامیل پست‌های دولتی را یکی بعد از دیگری به‌اشغال در آورده، دست به‌دست می‌کردند. نمایندگان سنا نیز از میان افراد این هزار فامیل انتخاب می‌شدند. برای رومی‌های دیگر بدست آوردن پست‌های کنسولی و یا سناتوری تقریباً غیرممکن شده بود. بدین ترتیب، طبقه‌ی اشراف - صاحبان ملک و دارائی و برده - بوجود آمده و حکومت را اداره می‌کرد. به‌همین جهت، جمهوری روم، به‌معنای حکومت برده‌داران و آریستوکرات‌ها بود.

۲- تسخیر ایتالیا توسط رم

آریستوکرات‌های رومی در پی آن بودند که اراضی جدیدی را به‌اشغال درآورند. بدین سبب دائماً با همسایگان خویش جنگ می‌کردند و دوسوم اراضی و مراتع مغلوبان را تصاحب مینمودند و بخش اعظم این اراضی را نیز آریستوکرات‌ها صاحب می‌شدند. جنگ رم بخاطر تسخیر ایتالیا بیش از دو‌یست سال بطول انجامید. در آغاز قرن سوم پیش از میلاد بود که رومی‌ها دیگر بر تمامی شبه جزیره‌ی آپنین مسلط شده بودند. سنای رم میکوشید میان ملت‌های به انقیاد در آمده، تفرقه اندازد. قانون سنای رم این بود: «تفرقه بیفکن و حکومت کن».

پرسش و تمرین:

- ۱- روی نقشه سرحدات دولت روم را در قرن چهارم قبل از میلاد و در اواسط قرن سوم قبل از میلاد نشان بدهید.
- ۲- در قرن ششم قبل از میلاد و تا قرن سوم قبل از میلاد چه تحولاتی در دولت روم صورت گرفت؟
- ۳- به چه نوع حکومتی «رسی پوبلیکا»؟ رژیم جمهوری چه تفاوتی با رژیم سلطنتی دارد؟
- ۴- آیا اصلاحات سالون در آتن زودتر صورت گرفت یا برقراری رژیم جمهوری در رم؟ فاصله‌ی زمانی این دو واقعه را معین کنید.

فصل دوم

تبدیل جمهوری روم به نیرومندترین دولت
برده‌دار ناحیه‌ی مدیترانه

بند سوم

آغاز مبارزه بین روم و کارتاژ بخاطر استیلا
بر مدیترانه‌ی غربی

۱- رقابت روم و کارتاژ

پس از آن که برده‌داران رومی شبه‌جزیره‌ی آبنین را به تسخیر در آوردند، تلاش آنها متوجه اشغال اراضی دیگری شد که در سواحل دریای مدیترانه قرار داشت. برای آنها تسخیر جزیره‌ی سیسیل، مخصوصاً يك موضوع وسوسه‌انگیز و جذاب بود. در سیسیل اراضی مرغوبی وجود داشت، انگور بعمل می‌آمد و سرشار از درختان پرتقال و زیتون بود و درنواحی ساحلی آن شهر کولونی‌های ثروتمند یونانی واقع

۲۸ روم باستان

شده بود.

برده‌داران کارتاژ - یعنی دولت نیرومندی که در ساحل جنوبی دریای مدیترانه قرار داشت - نیز در پی تسخیر غنایم سیسیل بودند.

۲- شهر کارتاژ و متصرفات آن

شهر کارتاژ در روی يك دماغه‌ی سنگی‌ای که تا مسافتی در دریا پیش میرفت، بنا شده بود و در قرن سوم پیش از میلاد، بندر اصلی تجارت در تمامی دریای مدیترانه‌ی غربی بشمار می‌آمد. در لنگرگاه عمیق و مناسب کارتاژ، کشتی‌هایی که از مصر، یونان، اسپانیا و سایر کشورهای واقع در حوضه‌ی مدیترانه می‌آمدند، تخلیه و بارگیری می‌شدند. در سواحل کارتاژ انبارهای بزرگی پر از کالاهای گوناگون و نیز تعمیرگاه‌های کشتی قرار داشت.

کارتاژ پر از برده بود. بردگان در کشتی‌ها پارو می‌زدند، کیسه‌ها و محمولات سنگین را تخلیه و بارگیری می‌کردند، و در حالیکه يك زنجیر چندتن از ایشان را بهم می‌پیوست، در مزارع و تاکستان‌ها، مشغول بکار بودند.

کارتاژ دارای نیرومندترین ناوگان دریای مدیترانه بود. دریانوردان کارتاژ به کشتی‌هایی که از آن حول و حوش می‌گذشتند، حمله می‌کردند و به روستاهای ساحلی یورش می‌بردند و مردم را برای فروش در بازار بردگان اسیر می‌کردند.

دیوارهایی محکم و سنگی که دارای برج‌هایی برای مراقبت بودند، شهر را از گزند دیگران محفوظ میداشتند. کارتاژ سپاه نیرومندی

در اختیار داشت که بطور کلی از افراد مزدور^۱ تشکیل میشد.



تصویر شماره ۶

دماغه‌ای که کارتاژ در دوران‌های باستان روی آن احداث شده بود.

اهالی کارتاژ املاک وسیعی را در نواحی ساحلی و در جزایر دریای مدیترانه تصاحب کرده بودند. (روی نقشه - تصویر شماره ۷ متصرفات کارتاژ را در نیمه‌ی اول قرن سوم پیش از میلاد، پیدا کنید). کارتاژ که ثروتی عظیم و سپاهی نیرومند در اختیار داشت، رقیب خطرناکی برای روم بشمار می‌آمد.

۳- سپاه روم در قرن سوم پیش از میلاد

ارتش روم، برخلاف نیروی نظامی کارتاژ، بطور کلی از

1- Mercenary

می‌شد. این واحدها نه تنها قادر بودند در زمین هموار، بلکه در کوه‌ها و جنگل‌ها و معابر شهرها نیز بجنگند (بخاطر آوردن فالانژهای یونانی درچه نقاطی قادر به جنگ بودند و درچه نقاطی قادر نبودند).

نبرد را سپاهیان سبک اسلحه (تصویر شماره ۸) آغاز مینمودند. آنها ضمن تیراندازی با کمان و پرتاب سنگ و نیزه بر روی دشمن، می‌کوشیدند صفوف آن را بهم بزنند. سپس عقب می‌نشستند، میدان را برای حمله‌ی سپاهیان سنگین اسلحه خالی می‌کردند.



سپاهیان جمهوری روم (از راست به چپ) ۱- سپاهی سبک اسلحه
۲- لژیونر سنگین اسلحه
۳- سواره نظام

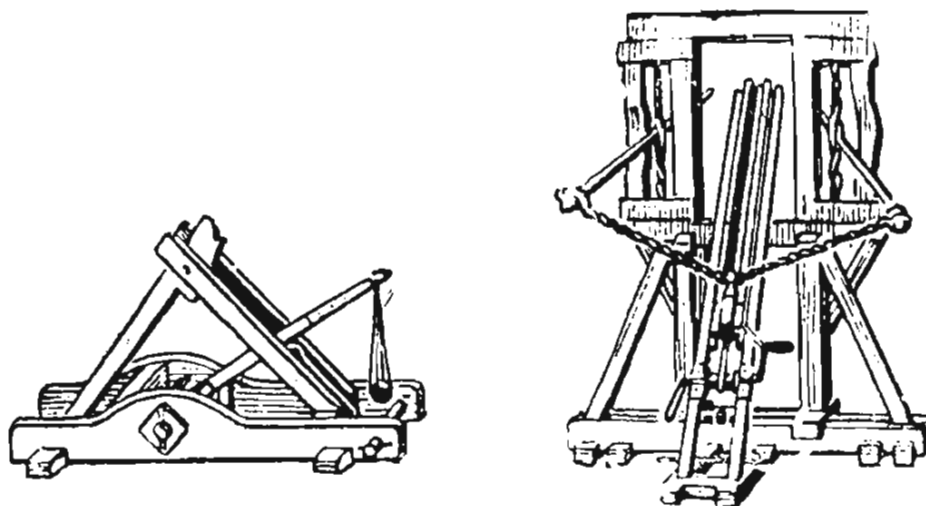
سربازان پیاده‌ی سنگین اسلحه - نیروی اصلی لژیون را تشکیل می‌دادند.

لژیونرها درحالیکه بارانی از نیزه بر روی دشمن میباریدند، سرعت با شمشیرهای آخته، به آن حمله می‌کردند. شمشیرهای کوتاه آنها در نبردهای تن به تن بلای مهلکی بود.

اسوارانها در موقع جنگ، پیاده نظام را از جناحین حفاظت می‌کردند و در موقع پیروزی، دشمن درهم شکسته‌ی پا به گریز را تعقیب

مینمودند.

رومیان دارای منجنیق‌هایی برای پرتاب سنگ و نیزه و تیر و سلاح‌های دیگری برای محاصره‌ی قلعه‌ها بودند. (تصویرهای شماره ۹ و ۱۲)



تصویر شماره‌ی ۹

منجنیق. از این وسیله در موقع دفاع و محاصره‌ی دژها استفاده می‌شد. آن‌ها را در کشتی‌ها نیز نصب می‌کردند. برای انتقال منجنیق‌ها از جایی به جای دیگر، از حیوانات که آن‌ها را می‌کشیدند، استفاده می‌شد.

۴- پیروزی در نخستین جنگ پانیک^۱

در سال ۲۶۴ قبل از میلاد بود که ارتش روم به سیسیل یورش برد. بین روم و کارتاژ جنگ شروع شد و کارتاژ شکست خورد. از آن جهت که رومی‌ها، اهالی کارتاژ را پانیک‌ها می‌نامیدند، این جنگ به نبرد پانیک مشهور شد.

لژیون‌های رومی، معمولاً در خشکی، سپاه کارتاژ را درهم

1- Punic

می شکستند، ولی کارتاژها در دریا مسلط بودند.
 رومی‌ها مخفیانه پل‌های متحرکی را که دارای قلاب‌های تیزی بودند، در کشتی‌های خود نصب میکردند. به اینگونه پل‌ها «راون» می‌گفتند. بدینسان رومی‌ها چون کشتی‌های دشمن نزدیک می‌شدند، پل‌ها را بسوی عرشه‌ی کشتی‌ها پرتاب کرده و قلاب پل به بدنه‌ی کشتی گیر میکرد و آنگاه سپاهیان رومی از طریق پل، بسرون کشتی‌های دشمن یورش می‌بردند. در عرشه‌ی کشتی خصم، جنگ تن به تن وحشتناکی در میگرفت. بدین ترتیب بود که کارتاژها در دریا نیز چندبار با شکست روبرو شدند.

رم در نخستین جنگ پانیک، که بیش از بیست سال طول کشید، پیروز شد و جزیره‌ی سیسیل و جزایر ساردین^۲ و کورسیکا^۳ را به اشغال درآورد، ولی نیروهای کارتاژ بطور قطعی درهم شکسته نشدند. هر دو دشمن درخفا خود را برای مصاف جدیدی آماده می‌کردند.

پرسش و تمرین:

- ۱- روی نقشه- تصویر شماره‌ی ۷، آن قسمت از اراضی‌ای که کارتاژ در نتیجه‌ی جنگ پانیک از دست داد، و نیز آن قسمت از اراضی‌ای را که پس از جنگ به اشغال درآورد، نشان بدهید.
- ۲- علل نخستین جنگ پانیک را بگویید؟
- ۳- ارتش کارتاژ چه تفاوتی با ارتش روم داشت؟
- ۴- تفاوت یک لژیون با یک فالانژ چه بود؟

بند چهارم

دومین جنگ پانیک

(به نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰ و نقشه - تصویر شماره‌ی ۱۴ توجه کنید).

۱- آغاز نبرد

کارتاژها ضمن تدارك نبرد با روم، ارتشی بزرگ در اسپانیا فراهم آوردند. هانیبال^۱ جوان - سردار سپاه-براین ارتش فرماندهی میکرد. او از همان دوران کودکی سوگند یاد کرده بود که همیشه نسبت به رم نفرت بورزد. استعداد نظامی ودلاوریش حتی زبانزد رومیان بود. (به تصویر و ضمیمه‌ی این بند توجه کنید). هانیبال مردی بود سنگدل و پراورژی. مزدوران را وادار میکرد که بدون چون و چرا از وی اطاعت کنند.

اشغال اراضی اسپانیا توسط کارتاز بهانه‌ای شد برای رومیان به منظور آغازیدن جنگ. در سال ۲۱۸ قبل از میلاد بود که نماینده‌ای در سنا، بنام رم، آغاز جنگ با کارتاز را اعلام کرد. بدینسان، دومین

1- Hannibal

روم باستان ۳۵

جنگ پانیک شروع شد.

۲- حمله‌ی هانیبال به ایتالیا

کنسول‌های رم خود را برای گسیل داشتن قوا به اسپانیا و آفریقا آماده کرده بودند. ولی هانیبال پیشدستی نمود و با یورش به ایتالیا، آنها را غافلگیر کرد.

سپاه کارتاژ موفق شد به هنگام پائیز از کوه‌های آلپ بگذرد، افراد مجبور بودند از کوره راه‌های یخ‌بسته‌ی کوهستانی عبور کنند. اسب‌ها و سپاهیان به پرتگاه‌ها سقوط می‌کردند. بدان‌سان که وقت عبور از آلپ، نیمی از سپاه کارتاژ نابود شد.

آنچه از سپاه هانیبال باقی ماند، به دشت حاصل‌خیز رودخانه‌ی «پو»^۱ در ایتالیای شمالی رسید.

در اینجا قوم گال^۲ زندگی می‌کرد که کمی پیش‌تر، به اطاعت از روم و اداری شده بود. پس گال‌ها به هانیبال پیوستند. و این امر موجب شد که سپاه ناتوان شده‌ی او، تقویت شود.

کارتاژ در چند نبرد خونین، لشکریان رم را که به مصافش فرستاده شده بودند، سرکوب کرد.

هانیبال با سپاهش تمام شمال ایتالیا را درنوردید، و در حالیکه با بی‌رحمی تمام اکثر نواحی را به ویرانه‌ای مبدل میکرد، به جنوب ایتالیا رسید. سپاه کارتاژ خانه‌ها را آتش می‌زد، باغ‌ها و تاکستان‌ها را ریشه کن می‌کرد، مزارع را لگدمال مینمود و احشام را با تیر از پای

1- Po 2- Gaul



تصویر شماره ی ۱۰

سانسیال

مجسمه - نیم تنه ی رومی

۳- جنگ کان^۱

در سال ۲۱۶ قبل از میلاد، در حومه‌ی روستائی بنام کان ارتش های خصم بهم رسیدند. ارتش رم از ۸۰ هزار پیاده و ۶ هزار سواره تشکیل می‌شد.

کارتاژها فقط ۴۰ هزار پیاده در اختیار داشتند، اما از لحاظ سواره نظام برتر بودند: ۱۴ هزار نفر.

کنسول‌های رم می‌خواستند با یک یورش سریع واحدهای بیشمار پیاده نظام خود، دشمن را درهم شکنند. آنها پیاده نظام خویش را بشکل مربع‌های عظیمی آرایش داده بودند و اسواران‌ها از جناحین پیاده دفاع می‌کردند. (جریان نبرد در نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰ ترسیم شده است).

هانیبال به حدس، نیت رومیان را دریافت. او میدانست که سپاهش نمی‌تواند در مقابل این یورش ایستادگی کند، ولی این را نیز میدانست که پیاده نظام رومی، اگر مجبور به دفاع از جناحین و پشت جبهه‌ی خود بشود، قادر به تجدید سازمان سریع نیست.

هانیبال نقشه‌ی جسورانه‌ای طرح کرد: محاصره‌ی ارتش رم. او تعدادی از افراد پیاده نظام خود را به‌مقابله با دشمن فرستاد، در جناحین بهترین واحدهای پیاده و سوار خود را مستقر نمود.

تمام توده‌ی عظیم پیاده نظام رم، بطور تهدید آمیزی پیش می‌آمد. گال‌ها که در مرکز سپاه کارتاز قرار گرفته بودند، تحت فشار پیاده نظام رم، مشغول عقب‌نشینی شدند. پیاده نظام رم سینه‌ی سپاه کارتاز را شکاف داد، و با این کار جناحین خود را خالی کرد. درهمین هنگام بود

1- Cannae

که واحدهای گزیده‌ی کارتاژ به پیاده‌نظام روم حمله کردند. ضمناً همزمان با این حمله، اسواران‌های کارتاژ نیز سواره‌نظام روم را پراکندند و از پشت جبهه به پیاده‌ی آن یورش آوردند. رومی‌ها مجبور به عقب‌نشینی شدند. صفوف منظم آن‌ها درهم ریخت، لشکر به توده‌ی به‌نظم و ترتیبی مبدل شد که در حلقه‌ی محاصره‌ی دشمن اسیر شده بود. قتل‌عام بی‌رحمانه‌ی رومیان آغاز شد. کارتاژ قریب ۷۰ هزار سپاهی را نیز اسیر کرد.

۴- جنگ فرساینده

پس از پیروزی سپاه کارتاژ در حومه‌ی کان، بخشی از شهرهای ایتالیا جانب کارتاژ را گرفت. وضع روم بسیار وخیم شد، لیکن هنوز نیروی عظیمی در اختیار داشت.

رومیان تمامی مردانی را که به‌درد خدمت می‌خوردند، به‌ارتش احضار کردند. قریب ۲۵۰ هزار سپاهی گرد آمد. دهقانان که از یورش بی‌رحمانه‌ی هانیبال رنج می‌کشیدند، با میل و رغبت میرفتند تا با کارتاژ بجنگند.

اینک سپاه کارتاژ به‌رم نزدیک شده بود ولی هانیبال آن‌چنان نیروئی در اختیار نداشت تا شهر را محاصره کند و به‌رم که با دژها و دیوارهای بلند در میان گرفته شده بود، یورش برد؛ پس بسوی جنوب ایتالیا عقب‌نشینی کرد.

هانیبال پیشنهاد کرد مذاکرات صلح بعمل آید، ولی سنای روم حتی حاضر نشد سخنان نماینده‌ی او را بشنود.

۵- نبرد نهائی

دوازده سال پس از جنگ کان، رومیان بقدری نیرومند شده بودند که تصمیم گرفتند ارتشی به آفریقا گسیل دارند. اگرچه هانیبال حتی با يك شکست هم روبرو نشده بود، ولی مجبور بود ایتالیا را ترك کرده و برای دفاع از کارتاژ بشتابد.

نزدیک شهر زاما جنگ بزرگی در گرفت. این رومیان بودند که از لحاظ سواره نظام برتری داشتند.

در موقع جنگ بین پیاده‌ی روم و کارتاژ، اسواران‌های رومی از پشت جبهه به کارتاژها یورش آورده و ارتش هانیبال درهم شکست. کارتاژ نتوانست قوای جدیدی برای ادامه‌ی نبرد گرد آورد. در سال ۲۰۱ قبل از میلاد جنگ بطور نهائی خاتمه یافت. کارتاژ مجبور شد ناوگان خود را بهرم بدهد، غرامت کلانی به آن بپردازد، و تقریباً از کلیه‌ی منصرفات خویش چشم‌پوشی کند.

دهقانان رومی که صفوف ارتش روم را پر میکردند، و مردانه با دشمن می‌جنگیدند، در پیروزی رم نقش قاطعی بعهده داشتند.

نظر يك مورخ باستانی روم راجع به هانیبال

مورخ رومی به کدام یک از صفات بد و خوب هانیبال اشاره می‌کند؟

به همان اندازه که هانیبال شجاع بود و تن به خطر می‌داد، به همان اندازه نیز در مواقع خطر محتاط بود. کاری وجود نداشت که بدان دست زند و از آن

1- Zama

روم باستان ۴۱

خسته شود و یا سرسری انجامش دهد. چه تابستان و چه زمستان يك تن پوش ساده میپوشید. از رختخواب نرم پرهیز میکرد و با همان لباس رزم، در میان سپاهیان نگهبان می خفت. اولین نفری بود که بمیدان نبرد می-رفت و آخرین نفری بود که میدان را ترك می گفت. سپاهیان تحت فرماندهی هیچ سردار دیگری بجز هانیبال نمی توانستند تا بدین حد اعتماد به نفس داشته باشند و از خود شجاعت بی نظیر نشان بدهند. ولی او خصال و حشمتناکی هم داشت: بیرحمی و قساوتش تا حد غیر انسانی اوج می گرفت و عهد شکنی اش، بی وفائی مشهور اهالی کارتاژ را تحت الشعاع قرار میداد.

پرسش و تمرین:

- ۱- روی نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰ راهی که سپاه هانیبال در سال ۲۱۶ - ۲۱۸ قبل از میلاد نمود و نیز محل دو نبرد اصلی جنگ دوم پانیک را مشخص کنید.
- ۲- علت پیروزی رم بر کارتاژ چه بود؟
- ۳- داستانی در مورد جنگ کان با استفاده از نقشه‌ی عملیات رزمی تهیه و تنظیم نمایید.
- ۴- دومین جنگ پانیک چند سال پیش شروع شد، چند سال پیش پایان یافت؟ قبلاً چه حوادثی صورت گرفته بود؟ دومین جنگ پانیک یا لشکرکشی اسکندر مقدونی به آسیا؟ فاصله‌ی زمانی این دو واقعه را بیان کنید.

بند پنجم

متصرفات و پیروزیهای روم در قرن دوم پیش از میلاد

بخاطر آورید: پس از سقوط حکومت اسکندر مقدونی چه دولت‌هایی بوجود آمدند؟ (بند ۱۹، ماده ۵. جلد دوم، نقشه شماره ۸).
پیاده نظام مقدونی چگونه مسلح می‌شد و در نبرد چگونه صف‌آرایی می‌کرد؟ (بند ۱۸، ماده ۵: جلد دوم).

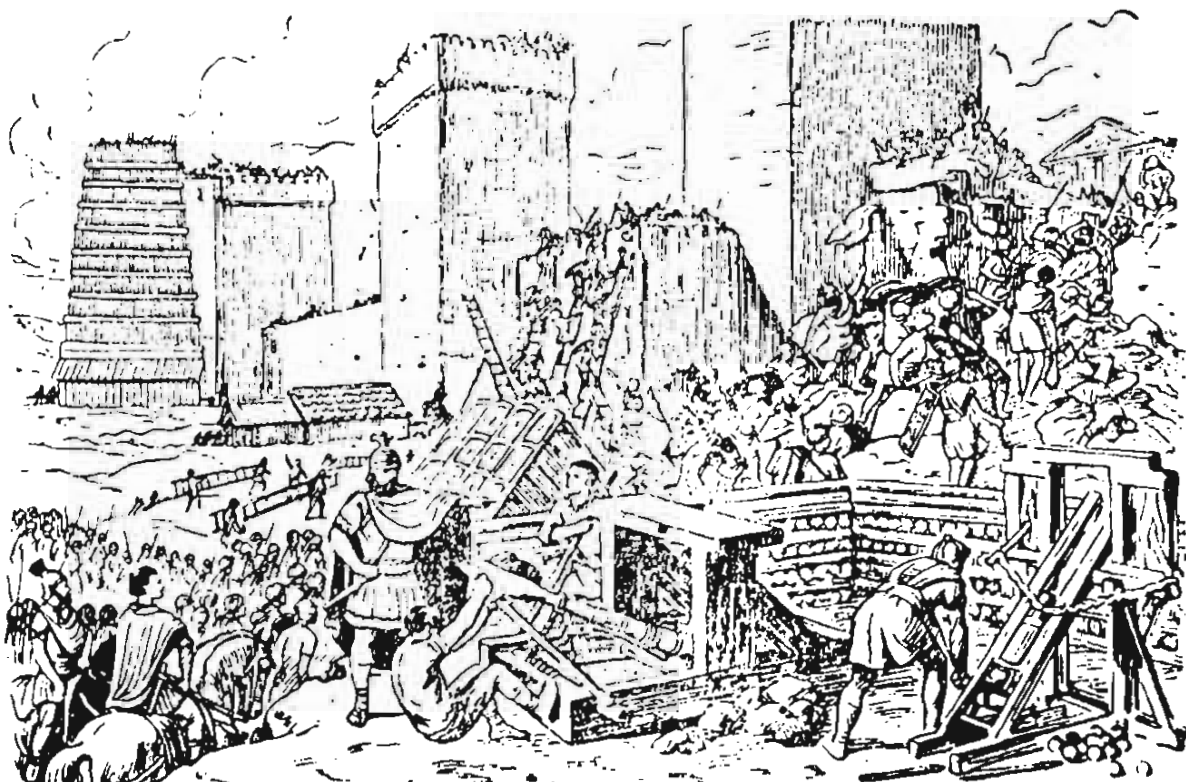
۱- ویرانی کارتاژ

پس از دومین جنگ پونیک، روم حاکمیت مطلق خویش را بر -
مدیترانه‌ی غربی استوار ساخت. دیگر کارتاژ قدرتی نبود که روم را
تهدید کند، چرا که هم ناوگانش را از کف داده بود و هم ارتشش را.
با وجود این کارتاژ همچنان دادرستد دریائی وسیعی داشت و بیشتر

روم باستان ۴۳

ثروتش را برای خود، حفظ کرده بود. آریستوکرات‌ها و تجار روم، بر آن بودند که شهر کارتاژ را که چشم دیدنش را نداشتند، نابود کنند و ثروتش را بالا کشند.

در اواسط قرن دوم پیش از میلاد بود که لشکرهای روم بار دیگر در آفریقا پیاده شدند و کارتاژ را به محاصره کشیدند. اگرچه نیروی



تصویر شماره‌ی ۱۲

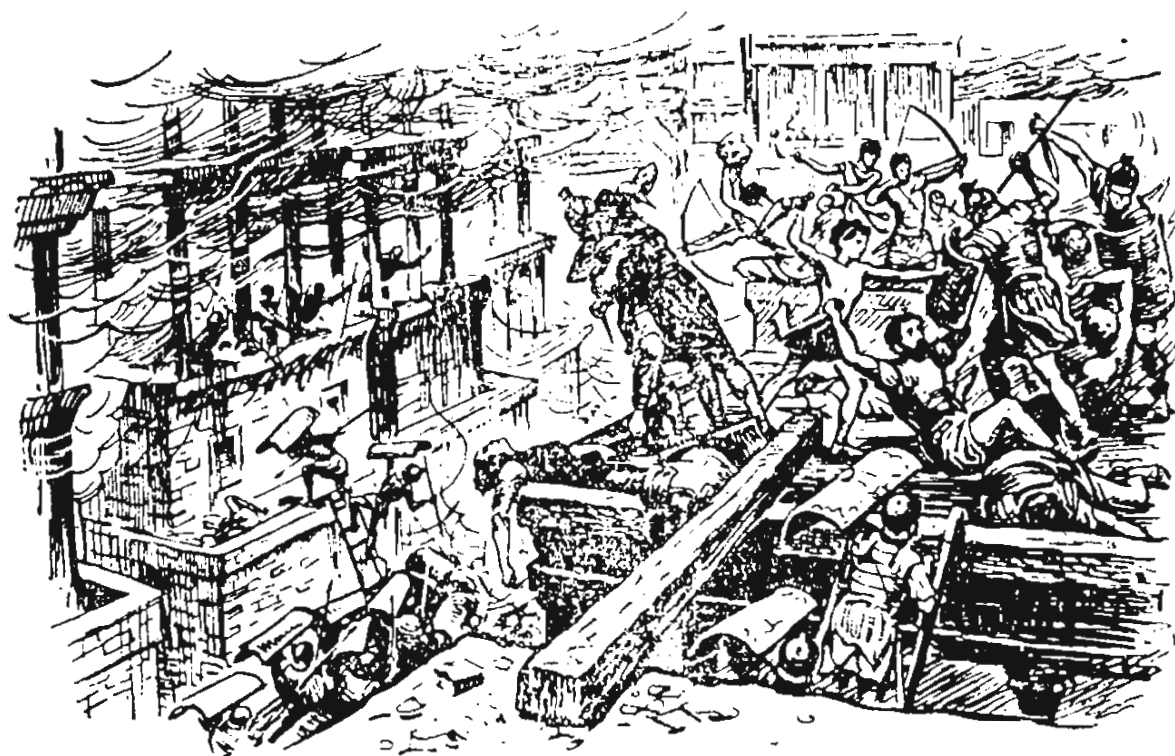
در قسمت جلو، منجنیق‌ها دیده می‌شوند. بخشی از دیوار دژ به وسیله‌ی منجنیق ویران شده. در شکاف دیوار، جنگ بی‌امانی جریان دارد. طرف چپ منجنیق‌ها، «لاک‌پشت‌شان» - سپاه‌یانی دیده می‌شوند که با سپرها دیواری در مقابل خود ساخته و دیگر افراد تحت حمایت ایشان، یورش می‌برند. محاصره‌کنندگان به وسیله‌ی منجنیق برج را ویران می‌کنند. از دور، یک برج مخصوص تخته‌ای که روی چرخ حرکت داده می‌شود و با ورقه‌های فلزی پوشیده شده، به چشم می‌خورد. این برج را به دیوار دژها نزدیک می‌کردند و به وسیله‌ی پل‌های متحرک می‌کوشیدند که بدان راه یابند.

کارتاژ بمراتب کمتر بود، ولی هرچه که بود، قاطعانه عزم داشت از زادوبوم خویش دفاع کند.

در دو جنگ نخستین پانیک، رم و کارتاز، هر دو خصیلتی اشغالگرانه داشتند: آنها می کوشیدند که اراضی دیگران را تصاحب کنند.

در سومین جنگ پانیک، اهالی کارتاز از میهن زادگاهی خویش، از استقلال خود دفاع می کردند. برای آنها، این جنگ - یک جنگ عادلانه بود.

پس محاصره‌ی کارتاز، سه سال طول کشید. اهالی محاصره



تصویر شماره‌ی ۱۳

در قسمت جلو، سمت راست، نبرد بر بام خانه‌ای ادامه دارد. خانه‌های شهر چنان تنگ بغل هم ساخته می شدند که رومی‌ها می توانستند از بامی به بام دیگر بپرند. طرف چپ، سپاهیان رومی به خانه‌ای یورش می برند. مدافعان خانه اگر چه شعله‌های حریق به آن‌ها نزدیک می شود باز هم دست از مقاومت بر نمی دارند.

روم باستان ۴۵

شده سلاح‌ها ساخته، دیوارهای دژ را تعمیر نموده، از دژ دفاع می‌کردند. زنها گیسوان بلند خویش را چیده بودند تا برای بکاربردن در منجنیق، مورد استفاده‌ی سپاهیان کارتاژ قرار گیرد.

تنها پس از آن که اهالی کارتاژ از شدت گرسنگی و بیماری ضعیف شدند، رومیان توانستند به دژ رخنه کنند. آن‌ها شهر را به آتش کشیدند. ولی مدافعان شهر، در پشت بام‌ها و در خیابان و معابر نیز که سرشار از دود حریق بود، به نبرد و مقاومت ادامه می‌دادند. نبرد در شهر تقریباً یک هفته دوام یافت. حتی شب‌ها نیز جنگ قطع نمی‌شد: دو دشمن، در نور تند بناهای شعله‌ور، به جنگ ادامه می‌دادند.

طبق تصویرنامه‌ی سنای رم، کارتاژ می‌بایست از عرصه‌ی خاک پاک شود: بدین جهت رومیان در موقع یورش به کارتاژ، بناها را نابود کرده و ۵۰ هزار نفر از اهالی شهر را به بردگی گرفتند.

۲- پیروزی و تصرفات روم در مدیترانه‌ی شرقی

رومیان که از حاکمیت مطلق خود بر مدیترانه‌ی غربی راضی نشده بودند، به شبه جزیره‌ی بالکان یورش آوردند.

لژیونهای رومی در یک نبرد سرنوست با فالانژهای مقدونسی درگیر شدند. شاهدان این نبرد، آن را «جانور وحشتناکی» توصیف کرده‌اند «که موی بدن انسان را سیخ می‌کرد.» فالانژها شروع به درهم فشردن لژیونهای رومی کردند. ولی در موقع حمله، آرایش آنها بهم ریخت و بدین ترتیب رومیان توانستند در صفوفشان رخنه کنند. نیزه‌های بلند مقدونی‌ها بلااستفاده ماند و فالانژها درهم شکسته شدند.

پس از این نبرد، رومیان دولت نیرومند مقدونی را خرد کردند و سپس، در اواسط قرن دوم پیش از میلاد، یونان را تصرف کردند.

پیشروی رومیان بسوی خاور، منجر به برخورد بین آنها و حکومت پادشاهی سوریه، که خود از بزرگترین دول مدیترانه‌ی شرقی بود، گردید. هنوز مقدونیه بطور کامل به تسخیر رومیان در نیامده بود که جنگ بین روم و سوریه در گرفت.

پادشاه سوریه ارتش عظیمی در اختیار داشت، که افرادش را ملل به انقیاد در آمده‌ی سوریه تشکیل می‌دادند. این ارتش کلان، ارتشی بود نامنظم که افرادش بزبان‌های گوناگون سخن می‌گفتند. سپاه سوریه در نبرد با رومیان، تارومار شد. شاه سوریه به موجودی مبدل شد که بدون اجازه‌ی رم آب هم نمی‌خورد. بزودی حکومت پادشاهی سوریه خرد گردید، و به چند حکومت کوچکتر تقسیم شد. در اواسط قرن دوم پیش از میلاد بود که رم حاکمیت خود را برسان مدیترانه‌ی غربی، برمدیترانه‌ی شرقی مستقر ساخت.

۳- غارت کشورهای شکست خورده

رومیان با بی‌رحمی تمام کشورهای شکست خورده را غارت میکردند. سردار سپاهی که شهری را می‌گرفت، معمولاً آن را برای چپاول در اختیار سپاهیان‌ش قرار میداد. بخشی از غنایم غارت شده به خزانه‌ی روم سرازیر می‌شد و مابقی بین فرماندهان و سپاهیان تقسیم می‌گردید.

روم باستان ۴۷

اسیران نیز غنیمت جنگی بحساب می آمدند. بدین سبب، بدنبال ارتش، تجار برده نیز وارد می شدند تا مردم اسیر را برای فروش در بازار برده فروشان، خریداری کنند. تنها پس از یکی از اردو کشی های رومیان، ۱۵۰ هزار اسیر، بعنوان برده، فروخته شدند.

کشورهائی که بوسیله ی رم اشغال میشدند، ایالت^۱ نام میگرفتند. این ایالات بوسیله ی حاکم^۲ اداره می شد، حکام نیز از میان اشراف رومی بوسیله سنای رم منصوب میگرددیدند. حکام در این ایالات از اختیارات نامحدود برخوردار بودند.

رومیان، معادن و مؤسسات استخراج نمک و تعمیر گاه های کشتی و جنگل ها و بهترین اراضی قابل شخم و مراتع ایالات را برای خود برمیداشتند. آنها سکنه ی ایالات را وادار می کردند که مالیات های کلانی پردازند.

کسانی که قادر به پرداخت مالیات نبودند، با تمامی افراد خانواده شان به بردگی رومیان گرفته میشدند.

۴- تری یومف^۳

غنایمی که از راه غارت حاصل میشد، بهنگام تری یومف در معابر رم به نمایش در می آمد، تری یومف به معنای ورود رسمی و با شکوه سرداری به رم، پس از پیروزی در جنگ بود. سردار پیروز، سوار بر ارابه ای که چهار اسب سفید آن را می کشیدند، وارد شهر می گردید. سردار لباسی سرخ برتن، تاج گلی بر سر و عصائی کوتاه

1- Province

2- Praetor

3- Triumph

بدست داشت که از عاج فیل درست شده و مجسمه‌ی کوچک عقابی سر آن را تزئین مینمود. پیشاپیش سردار پیروز، غنایم با ارزش‌تر را که در جنگ، از راه چپاول حاصل شده بود، حمل میکردند و اشراف-زادگان اسیر را در زنجیر، میبردند. در میان اسیران، زنها و کودکان نیز مشاهده می‌شدند.

دولت برده‌دار روم، که ارتش نیرومند و ناوگانی قوی در اختیار داشت، تقریباً در تمامی مدت موجودیت خود، سرگرم جنگهای اشغال گرانه - غارتگرانه بود. مخصوصاً این برده‌داران بودند که از جنگها نفع می‌بردند و با استفاده از سیلاب پیوسته جاری بردگان جدید، ثروت خود را فزون‌تر می‌کردند: گاهی از طریق استفاده از بردگان جدید بجای بردگان مرده و زمانی از طریق استفاده از آنها برای وسعت دادن مزارع و اقتصاد خویش.

شرح پلوتارخ در مورد تری یومف پس از پیروزی روم بر مقدونیه

بر مبنای شرح ذیل، هدف‌های رومیان را از عملیات جنگی چگونه ترسیم می‌نمایند؟

مردم، تمام معابر، هر جایی را که می‌شد از آنجا مراسم را دید، پر کرده بودند.
روز اول، از صبح تا غروب، مجسمه‌ها و تابلوهایی را بوسیله‌ی دو بست و پنجاه کالسکه می‌آوردند که به غنیمت گرفته شده بود.
روز بعد، ارابه‌های بیشماری در حرکت بودند که

زیباترین و گرانبهاترین سلاح‌های مقدونی را حمل
مینمودند. سلاحها که فقط از مس و آهن درست شده
بودند، میدرخشیدند. توده‌ی شمشیرها و نیزه‌های
مقدونی، موی تن انسان را سیخ میکرد. پس از عرابه -
های حامل سلاح، سه هزار نفر سکه‌های نقره را که
در هفتصد و پنجاه ظرف ریخته شده بود، حمل
مینمودند. هر ظرفی را چهار باربر بلند کرده بودند.
بدنبال این گروه، گروه دیگری جام‌ها و سبوهای
نقره‌ای را می‌بردند.

روز سوم، همینکه هوا روشن می‌شد، شیپورچی‌ها، در
حالی که آهنگهای رزم می‌نواختند، به خیابان و معابر
ریختند.

رومیان با همین آهنگها به جنگ می‌رفتند، بدنبال
شیپورچیان ۱۲۰ گاو نر را. که شاخ‌هایشان آراسته
بود، می‌بردند تا قربانی کنند. بعد در ۷۷ ظرف که
به بزرگی ظروف دیروز بود، سکه‌های طلا حمل میشد.
سپس مردانی عبور می‌کردند که ظروف طلائی در بار
مقدونیه - سبوهای ساخته شده از طلائی ناب را بروی
سرداشتند.

این سبوها با سنگهای قیمتی تزئین شده بودند. بعد
کالسکه‌ی خالی شاه، سلاح شخصی او برده میشد.
کمی دورتر از کالسکه، کودکان شاه - دو پسر بچه و یک
دختر کوچک و در حرکت بودند. بقدری آنها کوچک
بودند که هنوز مصیبت و حشتناکی را که بر ایشان نازل
شده بود، در نمی‌یافتند. پشت سر آنها خدو شاه، در
لباسی تیره، گام برمیداشت. از شدت غمی که سراپایش
را درنوردیده بود، گویی عقلش را از کف داده است.
بعد از شاه، چهارصد تاج طلا، که از طرف شهرهای
دیگر روم بمناسبت پیروزی سردار بوی همدیه شده

بود، حمل میگردید. خودسردار هم با يك ارا بهی با شکوه در حرکت بود و تمام افراد سپاهش، شاخه‌ی درخت غان بدست و ترانه خوان، بدنالش روان بودند.

پرسش و تمرین:

- ۱- به طور کلی، سومین جنگ پانیک چه تفاوتی با دو جنگ دیگر داشت؟ احساس خود را از خواندن شرح جنگ سوم بیان کنید. آیا احساس عمخواری می‌نمایید؟ چرا چنین احساسی دارید؟
- ۲- روی نقشه‌ی شماره ۱۰، اراضی اشغالی روم را تا سال ۷۳ قبل از میلاد پیدا نمایید. چرا روم این همه جنگ می‌کرد؟
- ۳- به چه چیزی ایالت می‌گفتند؟ وضع ایالات از چه قرار بود؟
- ۴- کدام یک از دولت‌ها که در موقع سقوط اسکندر مقدونی تشکیل شده بود، توسط رم از بین رفت و یا وابسته به آن شد.

بند نشم

برده‌داری در روم قرن دوم پیش از میلاد

بخاطر آورید: چگونه دریونان باستان مردم به برده تبدیل می‌شدند؟ (بند ۱۲، ماده ۲ جلد دوم). بردگان دریونان به چه کارهائی مشغول بودند؟ (بند ۱۲، ماده ۳ جلد دوم).

۱- ثروت‌مند شدن برده‌داران روم

قسمت اعظم ثروتی را که رومیان از راه غارت کشورهای شکست خورده بدست می‌آوردند، برده‌داران تصاحب می‌کردند. آنها اراضی ملت‌های شکست خورده و معادن آنها را تصرف می‌کردند. وقتی که سرداری از جنگ باز می‌گشت، ثروت‌مندی به تمام بود. حکام رم در ایالات می‌توانستند ظرف ۳-۴ سالی که سئوریت داشتند، ثروت کلانی از راه غارت، ذخیره کنند. تجار رومی نیز با تجارت برده جیب خود را می‌انباشتند، در بازار اصلی برده فروشان که در یکی

از جزایر دریای اژه واقع بود، روزانه تا ۱۰ هزار انسان، بفروش می‌رفت.

۲- کار بردگان شالوده‌ی اقتصاد روم

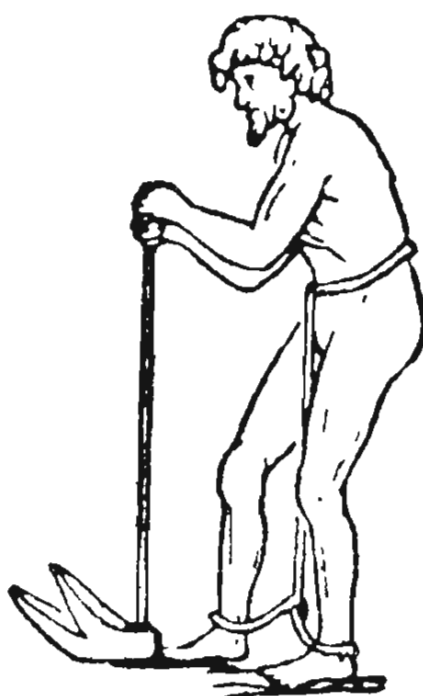
در قرن دوم پیش از میلاد، ابزار کار در معادن و مزارع و کشتی‌ها بسیار ابتدائی بود. آدم‌تعلیم‌نדיده‌ای نیز می‌توانست با این ابزار کار کند. این امر امکان می‌داد که بطور وسیعی از نیروی کار بردگان استفاده شود.

قریب ۵۰ هزار برده در معادن نقره بکار اشتغال داشتند. ۱۵۰ الی ۲۰۰ برده در هر یک از کشتی‌های بزرگ پارو می‌زدند. هر یک از پاروها را ۵ الی ۶ نفر به حرکت در می‌آورد. علاوه بر این، بردگان در فعالیت کارگاه‌ها و ساختمان‌ها و جاده‌سازیه‌ها نیز شرکت داشتند. در روم، برخلاف شرق و یونان باستان، تعداد بسیاری از بردگان به کار کشت و زرع مشغول بودند، بردگان زمین را با گاو آهن‌های سنگین شخم می‌زدند. با بیل و کلنگ کلاهخ را خرد می‌کردند و با آسیاهای دستی گندم را آرد می‌نمودند و شیره‌ی انگور را می‌گرفتند.

۳- زندگی بردگان

بردگان از صبح تا شب کار می‌کردند. اگر کاری برای انجام دادن نبود، مباشر ملک، مشغله‌ی دیگری برای آنها می‌تراشید تا فرصت نیابند با هم صحبت کنند. گاهی برگردن بردگانی که گندم

روم باستان ۵۳



تصویر شماره‌ی ۱۴

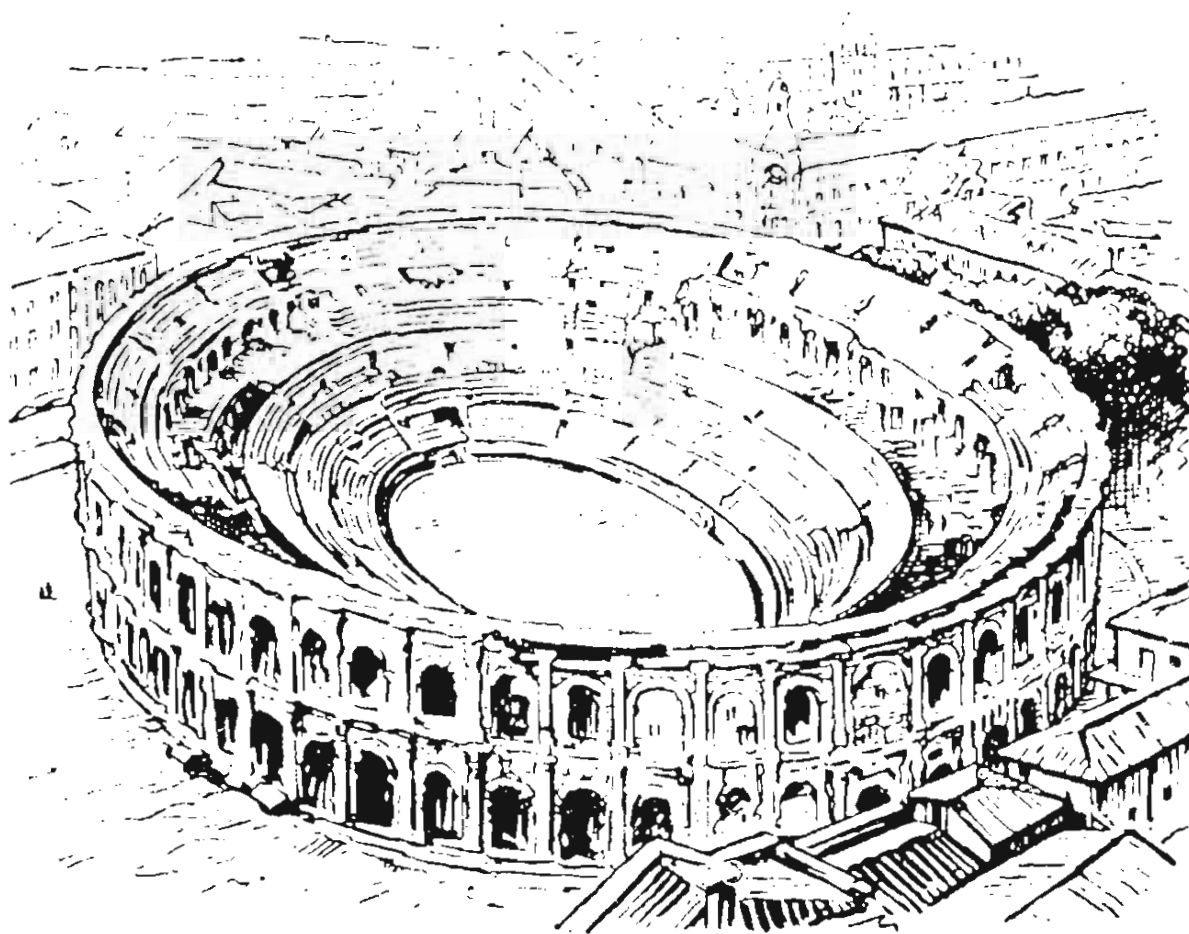
برده‌داری در مزرعه با کلنگ

را آرد می‌کردند، قلاده‌ای چوبی میزدند تا برده‌ی گرسنه نتواند دهان خود را به آرد گندم نزدیک کند. ارباب سالی یک تن پوش به برده میداد و تا موعد دادن یک تن پوش دیگر، تن پوش قبلی به کهنه پاره‌ای مبدل شده بود. ولی حتی این جل و پلاس هم به برده تعلق نداشت: از آن برای درست کردن لحاف چهل تکه، استفاده می‌شد.

شبها بردگان را در سیاه‌چال‌هایی که روزنه‌ای کوچک داشت و بلندی سقفش به قد یک آدم میرسید، زندانی می‌کردند. بسیاری از بردگان در غل و زنجیرهای سنگین کار کرده و می‌خفتند، غل و زنجیرهایی که پوست بدنشان را میسائید و زخمی می‌کرد.

بدان جهت که بردگان، بسیار ارزان فروخته می‌شدند، برده‌داران

تا سرحد مرگ از آنها کار می کشیدند. يك برده‌ی جوان و نیرومند پس از مدتی کار به موجودی مفلوك و چلاق و علیل مبدل می شد. بردگانی که از توان می افتادند و دیگر بدرد کار نمی خوردند، در يك جزیره‌ی خشك و بی آب و علف رها می شدند تا از گرسنگی بمیرند. برده‌داران بجای آنها، برده‌های جوان و نیرومند دیگری می خریدند. برده‌داران رومی برای ترساندن برده‌ها، برسدگان سرکش و نافرمان را بطور وحشتناکی شکنجه می دادند: شلاق می زدند، میسوزاندند، دست و پایشان را می شکستند.



تصویر شماره‌ی ۱۵

آمفی تئاتر

روم باستان ۵۵

۴- گلاادیاتورها

رومیان برای سرگرمی خود، بردگان را وادار می‌کردند که با یکدیگر و یا با حیوانات درنده به مبارزه و نبرد برخیزند.

چنین بردگانی را گلاادیاتور می‌نامیدند. رومیان طرز بکاربردن اسلحه را به آنها می‌آموختند و درزندان از آنها نگاه‌داری می‌کردند. برای مبارزات گلاادیاتوری میدانی درست کرده بودند که آمفی تئاتر^۱ نام داشت و شبیه سیرک‌های امروزی بود. ابتدا آمفی تئاترها از چوب ساخته می‌شدند، ولی بعد رومیان شروع کردند به ساختن آن از سنگ. در مرکز آمفی تئاتر یک میدان شنی قرار داشت که «آره‌نا»^۲ نامیده می‌شد و آره‌نا، یعنی صحنه. اطراف صحنه، پله‌هایی برای نشستن تماشاگران احداث می‌گردید.

گلاادیاتورها در روزهای جشن، در صحنه‌ی آمفی تئاتر به جنگ تن به تن مشغول میشدند و گاهی میدیدی که تعداد کثیری، جفت‌جفت در حال مبارزه با یکدیگرند. گلاادیاتورهایی را که از سردلسردی مبارزه می‌کردند و یا تمایلی به این کار نشان نمیدادند، به ضرب شلاق و نک نیزه، بمیدان مبارزه میراندند.

سرنوشت گلاادیاتور زنده، ولی شکست خورده را تماشاگران معین می‌کردند. اگر آنها دستشان را بالا میبردند، گلاادیاتور مغلوب، زنده میماند، اگر شست دستشان را پائین می‌آوردند، به معنای آن بود که مغلوب باید بدست گلاادیاتور پیروز نابود شود. اجساد گلاادیاتورهای مغلوب را با قلاب از صحنه‌ی آمفی تئاتر خارج می‌کردند.

گاهی نیز شیرها، ببرها و سایر حیوانات عظیم‌الجثه‌ی درنده‌را

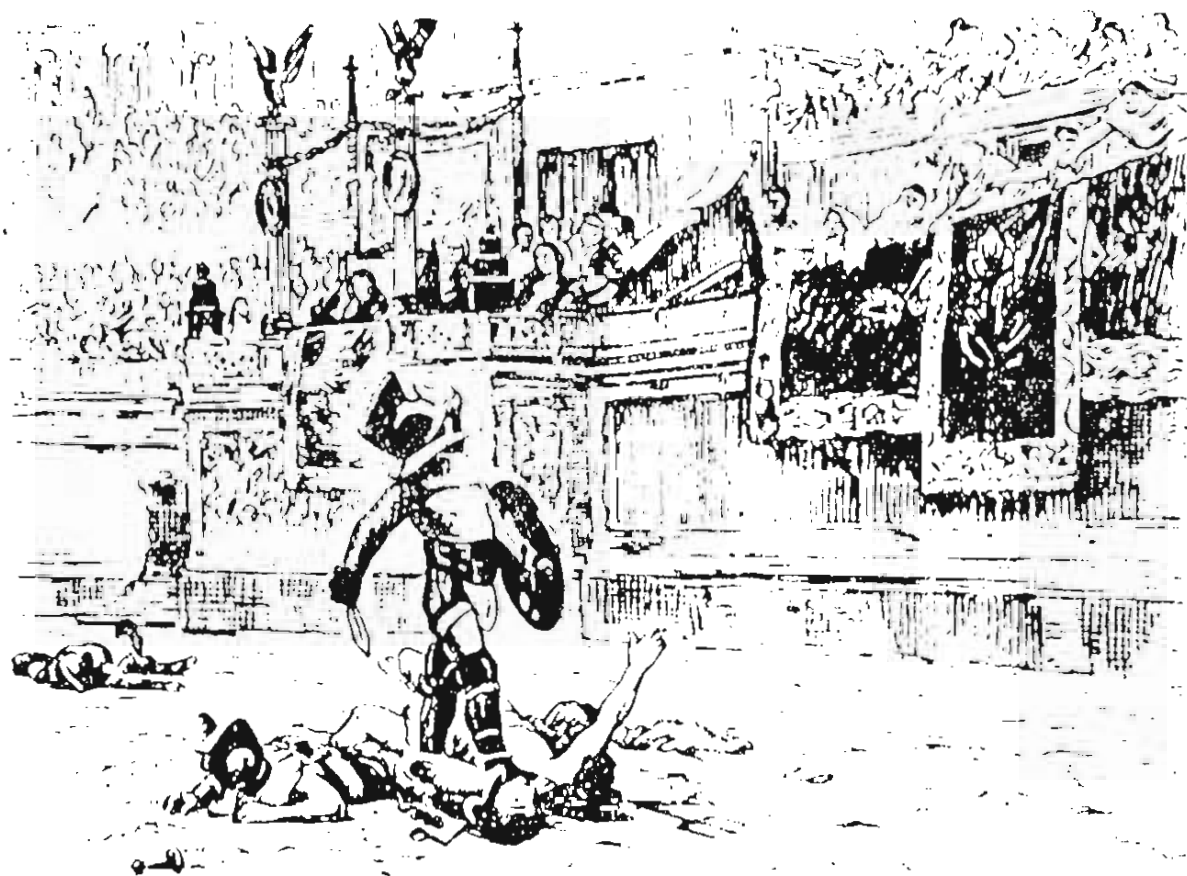
1- Amphitehatre

2- Arena

بجان گلا دیاتورها می افکنند.

۵- «برده يك شئی زبان دار است».

برده داران رم، بردگان را آدم نمی دانستند. میگفتند که: برده «وسیله - ابزاری است که سخن میگوید» کسی که به بردگی می افتاد،



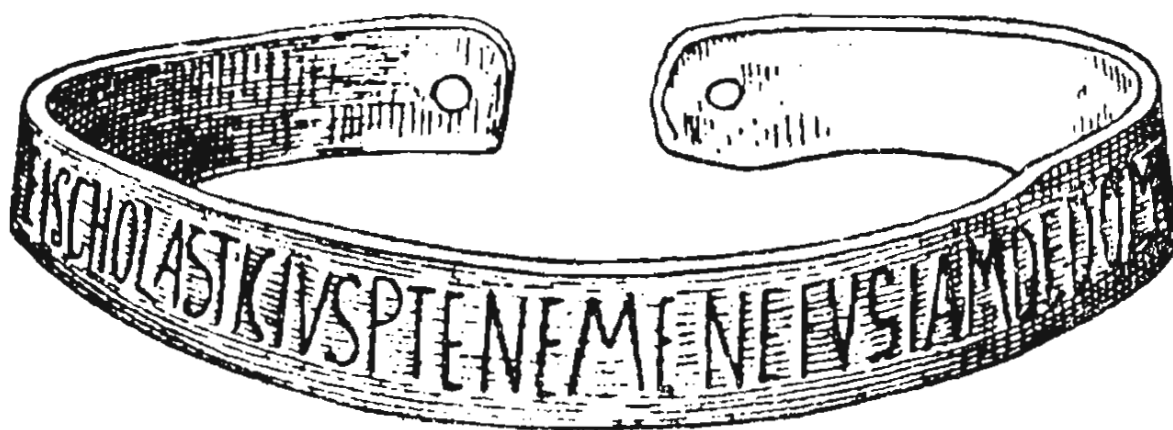
تصویر شماری ۱۶

برده گلا دیاتورها در آهنی نشان

اینک برد تن بدنی بین گلا دیاتورها خانمه یافته. گلا دیاتور مغلوب دست التماس به سوی تماشاگران بلند کرده و گلا دیاتور بیروز در حالی که پایش را به روی گردن او می فشارد، منتظر تصمیم تماشاگران است. اکثر تماشاگران مرک معذب را طلب می کنند. تا بجز اصلی به قرون اول و دوم میلادی نعلز دارد. حاکم رم در نژ اصلی شسته است.

روم باستان ۵۷

نامش را نیز از کف میداد. نام مستعاری به او میدادند که اغلب مفهوم تحقیر آمیزی داشت و یا همینطوری «پرس» و یا «مصری» صدایش میزدند.



تصویر شماره‌ی ۱۷

قلاده‌ی بردگان

به گردن برده قلاده‌ای می بستند که رویش چنین نوشته شده بود: «مرا ببند تا فرار نکنم». در هیچ یک از کشورهای جهان باستان، تابدین حد به بردگان ظلم و ستم نمی شد و هیچگاه تعداد آنها به فزونی تعدادشان در روم نبود. رژیم برده دار روم رشد و توسعه‌ی زیادی حاصل کرده بود.

پرسش و تمرین:

- ۱- چه کسی از متصرفات روم سود می برد؟
- ۲- چرا دولت برده دار روم، نسبت به دول یونان و شرق باستان، وسعت بیشتری حاصل کرد؟
- ۳- از قول یک برده‌ی رومی داستانی در مورد زندگیش تنظیم کنید.

بند هفتم

افلاس دهقانان ایتالیا و مبارزاتشان در راه زمین

بخاطر آورید: چه کسانی می‌توانستند در ارتش روم خدمت کنند؟ (بند ۳، ماده ۳). يك تریبون خلق چه حقوق و وظایفی داشت؟ (بند ۲، ماده ۲).

۱- افلاس دهقانان

سرازیر شدن سیل عظیم بردگان به ایتالیا، غارت ایالات توسط حکام رم، برده‌داران را ثروتمندتر، ولی دهقانان را ورشکست نمود. عمل آوردن اراضی بانیروی بردگان، ارزان‌تر تمام میشد. علاوه بر این، غلات ارزان قیمتی را نیز از ایالات وارد ایتالیامی کردند. بدین جهت قیمت غله پائین آمده بود.

دهقانانی که به کار کشت غله اشتغال داشتند، ابتدا فقیر و سپس ورشکست میشدند. برده‌داران ثروتمند، اراضی آنها را با قیمت‌های

نازلی می‌خریدند.

افلاس دهقانان، آن‌ها را مجبور می‌ساخت که برای یافتن کار از روستای زادبومی خود به‌رم و سایر شهرهای ایتالیا مهاجرت کنند. ولی آن‌ها نه در رم کاری می‌یافتند و نه در شهر دیگری، زیرا که تقریباً تمام کارها را بردگان انجام می‌دادند. در رم ده‌ها هزار بیکار و بی‌خانمان گرد آمده بودند.

۲- اضطراب و نگرانی برده‌داران

دهقانانی که به‌خاطر افلاس، زمین خود را از کف داده بودند، نمی‌توانستند در ارتش خدمت کنند. روز بروز تعداد افرادی که برای خدمت در ارتش واجد شرایط بودند، کمتر می‌شد. ارتش روم رو به ضعف و فتور می‌رفت و این نگرانی برده‌داران را برانگیخته بود.

افزایش تعداد بردگان در املاک و معادن، بردگانی که چشم دیدن ستم‌گران را نداشتند، نیز آن‌ها را مضطرب می‌ساخت. قیام بزرگ بردگان در سیسیل مخصوصاً آن‌ها را بشدت ترسانده بود. این قیام در سال ۱۳۷ قبل از میلاد زبانه کشید. بسیاری از برده‌داران کشته شدند، اموال و ثروتشان توسط شورشیان مصادره و بین آنها تقسیم گردید.

رومیان با دشواری توانستند این قیام را سرکوب کنند. معذک فقط تعداد قلیلی از برده‌داران توانسته بودند این امر را درک کنند که ورشکستگی دهقانان تاچه حد می‌تواند برای آنها خطرناک باشد. تیبیریوس^۱ و گایوس گراسوس^۲ که اشراف‌زاده‌ی پله‌بین بودند،

1- Tiberius

2- Gaius Gracchus

با شجاعت و به آشکار این موضوع را گوشزد می کردند.

۳- قانون ارضی تیبریوس گراسوس

تیبریوس - برادر ارشد - بخاطر شجاعتی که در حمله به کارتاژ از خود نشان داده بود، مشهور بود. او نخستین کسی بود که به باروی دژ یورش آورد. پاکی وجدان او که بندرت در این طبقه یافت می شد، باز هم بر شهرتش افزوده بود. مجلس ملی تیبریوس را بعنوان تریبون خلق برای سال ۱۳۳ قبل از میلاد برگزید.

در روم قانونی دایر بود که بر طبق آن هر یک از اتباع روم نمی توانست در مزرعه‌ی عمومی بیش از ۱۲۵ هکتار زمین داشته باشد. معذک اشراف برده‌دار روم، بطور غیر قانونی قطعات بسیار بزرگی از اراضی را به تصاحب خود در آورده بودند. تیبریوس پیشنهاد کرد که قانون رعایت گردد و اراضی اضافی مسترد شود. ضمناً او پیشنهاد نمود که اراضی مسترد شده را بدون حق فروش به دهقانان واگذار نموده، بین آنها تقسیم کنند.

تیبریوس با فصاحت تمام از قانون پیشنهادی خود دفاع کرد (به ضمیمه‌ی همین بخش رجوع شود). ولی سنای رم، که اعضای آن را برده‌داران ثروتمند تشکیل می دادند، به تمسخر با پیشنهاد تیبریوس روبرو شده و آن را رد کرد.

تیبریوس یک تن بیشتر نبود و یک تنه هم قدرت مقابله با سنای نیرومند رم را نداشت، ولی از حمایت توده‌های خلق برخوردار بود. همه جا، روی دیوارخانه‌ها، روی ستون‌ها و حتی روی سنگهای مزار نوشته‌هایی

بچشم می خورد که فترا، بدینوسیله، تریبون خلق را دعوت می کردند که با قاطعیت عمل کند و وعده می دادند که از وی حمایت خواهند کرد. مجلس کثیرالعددی ملی که به وسیلهی تیبریوس دعوت به تشکیل گردید، قانون ارضی او را تصویب کرد. کمیسیونی بریاست خود تیبریوس مشغول استرداد اراضی اضافی شد و این زمینها را بین دهقانان تقسیم کرد. سنای رم، که از خشم و برآشفستگی توده های خلق می ترسید، جرأت نیافت مستقیماً ارادهی ملت را نادیده بگیرد و قانون را نقض کند.

۴- قتل تیبریوس و گایوس گراسوس

پس دشمنان تیبریوس این دروغ را پراکنند که «او میخواهد سزار رم شود». آنها در مجلس ملی، بدون اینکه به تیبریوس امکان دهند از خود دفاع کند، هیاهوی کرکننده ای برآوردند. سناتورها، در نزدیکی فروم که مجلس ملی اجلاس کرده بود، در معبدی گردهم آمدند. آنها با استفاده از بهتانی که به تیبریوس وارد آمده بود، بر آن شدند تا حسابهای کهنه ی خود را با وی تسویه نمایند. پس یکی از ارشدترین آنها، از بقیه خواست که «به نجات جمهوری برخیزند». بدین ترتیب، همه به فروم ریخته، با تخته پاره هائی که از شکستن نیمکتها بدست آوردند، تیبریوس بی سلاح و ۳۰۰ نفر از هواداران او را به قتل رساندند و اجساد کشته شدگان را به درون رودخانهی تیبر فرو افکندند، یعنی همان کاری را کردند که معمولاً با اجساد جنایتکاران انجام می دادند.

گایوس گراسوس کوشیدتا را برادر را ادامه دهد. او نیز بعنوان تریبون خلق برگزیده شد. سنای رم که هنوز خود را آسوده نمییافت، به قوای انتظامی و برده‌داران مسلح دستور داد طرفداران گایوس را از میان بردارند. برای سرخود گایوس به اندازه‌ی وزنش سکه‌های طلا بعنوان جایزه تعیین شده بود. روزی در یک قتل‌عام وحشتناک خیابانی، ۳ هزار نفر از اهالی رم کشته شدند. گایوس گراسوس نیز در میان مقتولین بود.

تقسیم اراضی قطع شد. ولی پیش از آن، هشتاد هزار نفر از فقرا توانسته بودند بزمین برسند. معذک بزودی قانون جدیدی تصویب شد که اجازه می‌داد اراضی را برای مزرعه‌ی عمومی «خریداری کرد». بدین ترتیب زمین متعلق به دهقانان، یکبار دیگر بسان گذشته، به چنگ ثروتمندان افتاد.

۵- گذار بسوی ارتش مزدور

سرداران نظامی برای پر کردن صفوف ارتش مجبور شدند آن عده از فقیرانی را که قبلاً به ارتش پذیرفته نمی‌شدند، به مزدوری بگیرند. در میان افراد فقیر، تعداد کسانی که می‌خواستند بخاطر پول وارد ارتش بشوند، کم نبود.

در اواخر قرن دوم و آغاز قرن اول پیش از میلاد، ارتش روم بار دیگر منظم و مرتب شد. ولی اینک ترکیب آن دیگر عوض شده بود و بطور کلی از مزدورانی تشکیل می‌شد که حاضر بودند به هر کسی که سخاوت بیشتری نشان دهد، خدمت کنند.

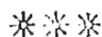


از منابع تاریخی

چه چیز اشراف‌زاده‌ای چون تیبریوس را مجبور کرد تا پیشنهاد کند اراضی

بین دهقانان تقسیم شود.

هیچ کس به‌گفتار تیبریوس در این مورد که بردگان
بدرد خدمت در ارتش نمی‌خورند و همیشه در
مناسباتشان با اربابان، اشخاص غیر قابل اعتمادی هستند،
توجه نکرد. او خاطر نشان ساخت که قبلاً اربابان از
دست بردگان در سیسیل چه مصایبی متحمل شده و
چگونه مدتهای مدید رومیان مجبور شدند با آنها
بجنگند و این نبرد چقدر طول کشید و تا چه حد
خطرناک بود



تیبریوس از نظر پلوتارخ

تیبریوس، هنگامیکه در حضور مردم، مردمی که تریبون
را احاطه کرده بودند، بدفاع از بیچارگان می‌پرداخت،
به‌مردی بس خطرناک و انعطاف‌ناپذیر تبدیل میشد.
میگفت: «حتی حیوانات درنده‌ای که در ایتالیا ول
می‌گردند نیز برای خود لانه‌ای دارند تا شب را در
آن بسر آورند. ولی آن مردمانی که در راه سرزمین
ما می‌جنگند و جان‌نثار میکنند، فقط از هوا و نور

بر خوردارند. آن‌ها فاقد يك مسكن دایمی هستند و با زنان و کودکانشان زندگی آواره و در بدری را میگذرانند. سربازانی که برای کسب قدرت و تصاحب ثروت بیگمانگان جان میبازند، سربازانی که اربابان زمین و زمان نام گرفته‌اند، خود فاقد يك قطعه زمین شخصی می‌باشند.

پرسش و تمرین

- ۱- چرا پیروزی‌ها و متصرفات روم، ارتش آن را ضعیف کرد؟
- ۲- چرا با وجود فشار و کازشکنی سنای روم، قانون ارضی تصویب شد؟
- ۳- چرا کوشش برادران گراسوس برای تحکیم وضع دهقانان ایتالیا شکست خورد؟
- ۴- چگونگی تغییر ترکیب سپاه روم را در قرن دوم پیش از میلاد، شرح دهید.
- ۵- چند سال از آغاز دومین جنگ پانیک سپری شده بود که تیبریوس به‌عنوان تریبون خلق انتخاب شد؟

بند هشتم

قیام اسپارتا کوس

بخاطر آورید: بردگان در یونان چگونه با برده‌داران مبارزه می‌کردند؟ (بند ۱۲، جلد دوم ماده‌ی ۵).

۱- علل و آغاز قیام بردگان

در قرن اول پیش از میلاد، تعداد بندگان ایتالیا روز بروز فزون‌تر می‌شد و وضع زندگی آنها، بدتر از پیش می‌گردید. این امر منجر به آن شد که یکی از بزرگترین قیام‌های بندگان در تاریخ، جامه‌ی عمل بپوشد. فرماندهی این قیام را اسپارتا کوس بعهده داشت. اهرم قیام بوسیله‌ی گلادیاتورهای به‌سرکت درآمد کسه از سیاه‌چال‌های شهر کاپوا^۱، فرار کرده بودند. گلادیاتورها، مخفیانه

1- Capua

خود را برای برافروختن شعله‌های این قیام آماده می‌کردند. لیکن فقط چند ده نفر از آنها موفق شدند درهای سیاه‌چال خود را بشکنند و بگریزند. آنها در میان قله‌های صخره‌ای کوه وزو^۱ که با تاکستانهای انبوه وحشی پوشیده بود، پنهان شدند.

فراریان، اسپارتا کوس را بفرماندهی خود انتخاب کردند. او از تبار مردم شبه‌جزیره‌ی بالکان بود و بدست رومیان اسیر شده بود و بخاطر کوششی که همیشه برای فرار می‌کرد، گلا دیاتورش کرده بودند.

نیروی عظیم جسمانی و هوش و شجاعتش، اسپارتا کوس را از دیگران متمایز می‌نمود.

ابتدای امر، گلا دیاتورها سلاحی جز چوب و کارد آشپزخانه نداشتند. این افراد شجاع، به املاک برده‌داران رومی حمله می‌کردند، سلاح‌های آنها را مصادره می‌نمودند و با آن مسلح می‌شدند. بتدریج بردگانی که در املاک واقع در نواحی شهر بسر می‌بردند، می‌گریختند و به اسپارتا کوس می‌پیوستند.

روزی يك واحد نیرومند سپاه رم، بردگان شورشی را محاصره کرد. ابن واحد یگانه کوره راهی را که از میان صخره‌های گذشت و به دامنه‌ی کوه راه مییافت، اشغال نمود.

رومیان تصور می‌کردند که گرسنگی، بردگان شورشی را وادار به تسلیم خواهد کرد. ولی بردگان باشاخه‌های درخت تاك پلکانی ساختند و شبانه از شکاف بزرگ و بلند کوه گذشتند. رومیان که فکر می‌کردند عبور از این شکاف ممکن نیست، نگهبانی در آنجا نگماشته

1- Vesius



تصویر شماره‌ی ۱۸

گلادیاتورها

بودند. شورشی‌ها غفلتاً به‌واحد رومی حمله کردند و آن را نابود ساختند.

۲- ارتش بردگان - نیروی مهیب تهدید

اخبار مربوط به پیروزی بردگان در تمام کشور منتشر شد. بردگانی که نمی‌خواستند با زندگی جهنمی خود بسازند، از تمام ایالات ایتالیا می‌گریختند و به اسپارتا کوس ملحق می‌شدند.

تا پائیز سال ۷۳ قبل از میلاد اسپارتا کوس برچند ده هزار نفر برده، فرماندهی میکرد. در میان بندگان اهالی بسیاری از کشورها - گول‌ها، سوری‌ها، مقدونی‌ها و ملیت‌های دیگر مشاهده می‌شدند. اسپارتا کوس از این توده‌ای که بزبان‌های مختلف سخن میگفت و اغلب اوقات افراد زبان یکدیگر را درک نمی‌کردند، سپاهی به شیوه‌ی ارتش روم

۶۸ روم باستان

تشکیل داد. آهنگران سپاه، شب و روز در اردو گاه شورشیان به ساختن اسلحه مشغول بودند. اسپارتا کوس غارت کردن دهقانان را ممنوع کرده بود و دیسپلینی شدید در میان افراد سپاه خود برقرار ساخته بود. سپاه شورشیان، اینک بیک نیروی مهیب تهدید کننده، مبدل شده بود.

۳- در آستانه‌ی آزادی

اسپارتا کوس می‌خواست بر دگان را از ایتالیا خارج سازد تا بتوانند به میهن خود باز گردند. پس سپاه خود را بسوی شمال رهبری کرد. در راه، بر دگان املاک برده‌داران را غارت می‌کردند و به آتش می‌کشیدند.

سنای رم دو کنسول را به همراه دو سپاه، بسده‌تقابله با شورشیان فرستاد. کنسول‌ها بر آن بودند تا بر دگان را محاصره کرده، از میان بردارند. ولی اسپارتا کوس به سپاهیان رومی امکان نداد بهم برسند و حلقه‌ی محاصره را تنگ کنند. پس هر یک از سپاه‌ها را جدا گانه، در هم کوبید.

شورشیان با جنگ و گریز سرتاسر ایتالیا را پیموده، از جنوب، به شمال آمدند و در دشت رودخانه‌ی «پو» چادر زدند. اینک فقط کوه آلپ بر دگان را از آزادی جدا میکرد. ولی در اردوی اسپارتا کوس نفاق افتاد. بسیاری از بر دگان مایل به ترک ایتالیا نبودند. آن‌ها می‌خواستند که به رم لشکر کشی کنند. اسپارتا کوس، ناچار راه بازگشت را در پیش گرفت.

۴- قیامیان در دام

خبر باز گشت ارتش بردگان، برده‌داران را غرق در وحشت کرد. پس باشتاب ارتش بزرگی فراهم کردند. بسیاری از برده‌داران می‌رفتند تا خود با بردگان بجنگند. کراسوس بفرماندهی این ارتش بزرگ منصوب شد. علاوه بر این، سنای رم سپاه ایتالیا را از اسپانیا و شبه‌جزیره‌ی بالکان، فراخواند. اسپارتاکوس که میدید نیروئی درخور محاصره‌ی رم ندارد، سپاه خویش را به جنوب هدایت کرد. کراسوس راه را بر او بست. ولی بردگان دو لژیونی را که راهشان را سد کرده بود، از میان برداشتند. در بین رومیان چنان ترس و وحشتی از بردگان دامن گرفت که گاهی يك واحد بزرگ رومی بانزدیک شدن چندده سپاهی شورشی، پا بفرار می‌گذاشت.

اسپارتاکوس با سپاه خود وارد دماغه‌ی جنوب غربی شبه‌جزیره‌ی آپنین شد. او می‌خواست به سیسیل برود و بردگان سیسیل را به قیام وادارد. پیرات‌ها وعده دادند که قیامیان را از طریق تنگه، به سیسیل برسانند، ولی وعده‌ی آنها فریبی بیش نبود. خود بردگان کلک‌هائی درست کردند و به آب انداختند. ولی توفان دریا آنها را درهم شکست. با وجود آنکه تاسیسیل راه چندانی نمانده بود، شورشیان نتوانستند خود را به جزیره برسانند.

کراسوس تصمیم نداشت به سپاه اسپارتاکوس حمله کند. ولی برزخی را که دماغه‌ی فوق را با سایر بخش‌های ایتالیا مربوط می‌ساخت،

اشغال کرد. بردگان به تله افتادند. در میان آنها قحطی و گرسنگی پدید آمد.

۵- «مرگ با زخم شمشیر بهتر از مرگ از گرسنگی است»

اسپارتا کوس، سپاهیان خود را به گردهم آئی فراخواند و شروع کرد به سخنرانی. گفت: بهتر آن است که از زخم شمشیر بمیریم تا از گرسنگی. و بدینسان جرأت افراد را احیاء کرد، امیدشان را برانگیخت. در یک شب بورانی زمستان، سپاه اسپارتا کوس به ارتش کراسوس حمله کرد. بردگان، در یک ناحیه خط محاصره‌ی کراسوس را شکافته، خاکریزی را به اشغال در آورده و از دام جستند.

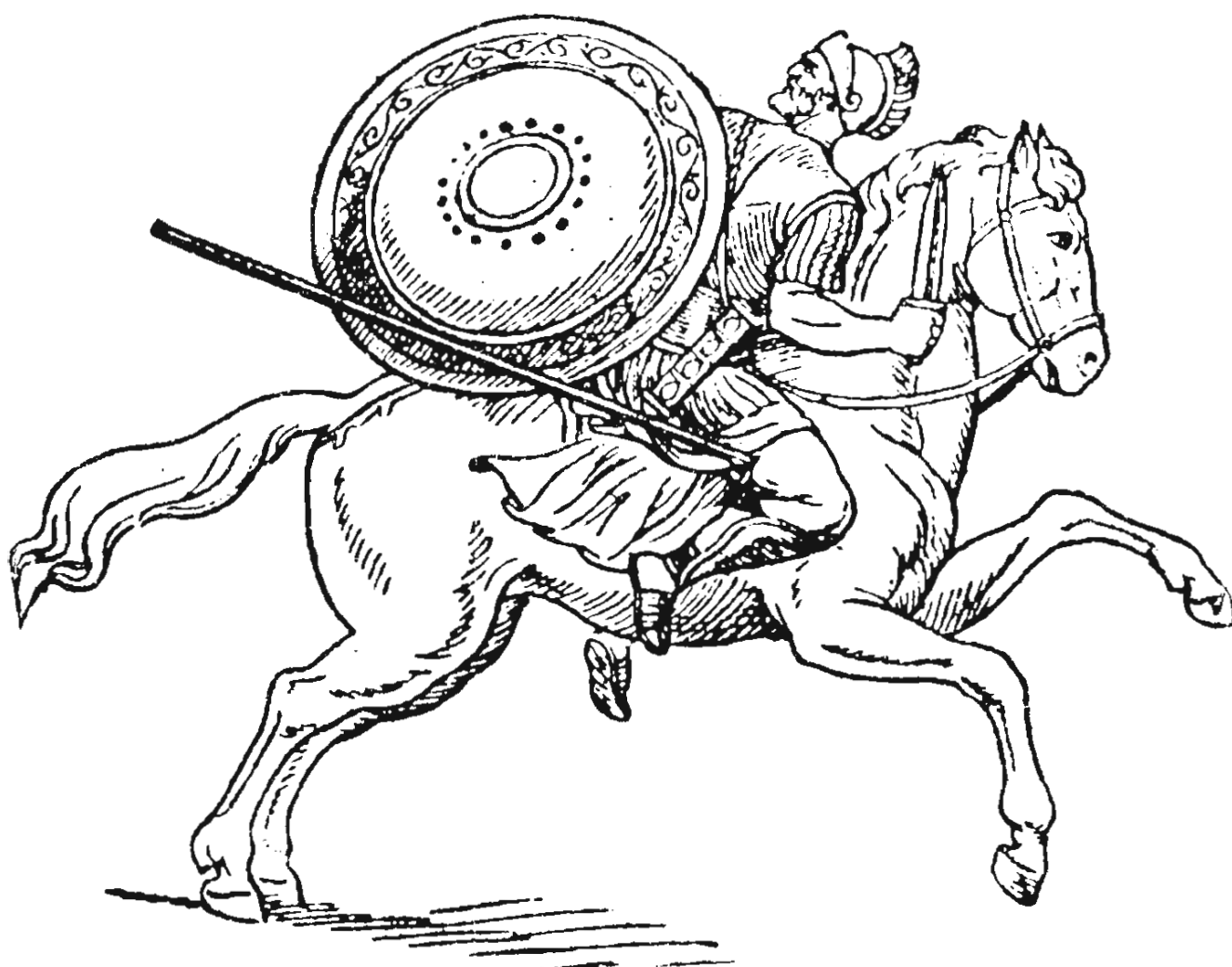
در میان بردگان باز اختلاف شدیدی بروز کرد. تعدادی از آنها - ز دستور اسپارتا کوس مبنی بر غارت نکردن دهقانان، ناراضی بودند پس این عده از سپاه اسپارتا کوس جدا شدند. کراسوس به این گروه‌های مجزا شده، غافل گیرانه حمله می‌کرد و آنها را نابود می‌ساخت. در این زمان لژیون‌هایی که از شبه جزیره‌ی بالکان احضار شده بودند، به ایتالیا رسیدند. سپاه تحت فرماندهی پمپی^۱ نیز که در اسپانیا اقامت داشت، از راه رسید، اسپارتا کوس به منظور اینکه مانع الحاق سپاه روم بشود، به کراسوس حمله کرد.

۶- آخرین نبرد

در سال ۷۱ قبل از میلاد بود که آخرین نبرد اسپارتا کوس با رومیان

1- Pompey

صورت گرفت. در این نبرد اسپارتا کوس میکوشید که شخصاً با کراسوس روبرو شده، او را بکشد تا رومیان از داشتن فرمانده، محروم شوند. او دو تن فرمانده رومی را کشت، ولی نتوانست به کراسوس برسد. یک رومی که ظاهراً جرأت نداشت از روبرو با اسپارتا کوس بجنگد، از پشت نیزه‌ای به‌ران او کوبید. ولی اسپارتا کوس زخمی، بازهم از نبرد بازماند، روی یک پامی جنگید.



تصویر شماره‌ی ۱۹

اسپارتا کوس زخمی نقاشی روی دیوار پمپی

طبق شهادت رومیان، بردگان شورشی با مردانگی بسی نظیری جنگیدند، ولی دشمن که از لحاظ نیرو برتری داشت، بر سپاه بردگان که از تفرقه و انشعاب ضعیف شده بود، پیروز گردید. رومیان اسپارتا کوس را محاصره کردند و وی را قطعه قطعه نمودند. حتی جسدش هم پیدا نشد. مابقی سپاه پراکنده شدند.

لژیون‌های پمپی که با شتاب خود را رسانده بودند، بردگانی را که هنوز مقاومت میکردند، از دم تیغ گذراندند، اسیرشان کردند و اسیران را به صلیب کشیدند. شش هزار صلیب، در حالیکه اسیران بالای آن جان داده بودند، شهر کوپو آ را بهرم متصل میکرد.

دولت برده‌دار روم، اگرچه با دشواری، ولسی وظیفه‌ی اصلی خود را که عبارت بود از سرکوبی بردگان، انجام داد. زیرا در این زمان هنوز نیروی عظیمی در اختیار داشت.

در روم که رژیم برده‌داری وسعت بیشتری حاصل کرد، مبارزه‌ی بردگان نیز دامنه‌ی وسیع‌تری یافت و مخصوصاً سیمائی بی‌امان و مقاوم کسب نمود.

آزادی خواهان برای قیام اسپارتا کوس و خود اوارزش بسزائی قایلند و. اولیانوف میگوید:

«اسپارتا کوس یکی از برجسته‌ترین قهرمانان بزرگترین قیام بردگان بود».

اگرچه قیام اسپارتا کوس با شکست مواجه شد، اما پایه‌های برده‌داری را بلرزه در آورد. برده‌داران حتی پس از گذشت سالیان متمادی از سرکوبی قیام، بازهم با بیم و هراس، اسپارتا کوس و افرادش

را بخاطر می آوردند و پیوسته، از ترس قیام‌های جدید، بخود می -
 لرزیدند. آنها پس از قیام اسپارتا کوس بود که میکوشیدند دولت روم
 استحکام بیشتری حاصل کند تا بتواند آنها را از بلای قیام‌های جدید،
 در امان دارد.

پرسش و تمرین: (۱)

- ۱- علت قیام بردگان را ذکر کنید. اهم این قیام از کجا به حرکت در آمد؟
- ۲- روی نقشه مسیر لشکرکشی اسپارتا کوس چه گفته است؟
- ۳- و. اولیانوف در باره‌ی اسپارتا کوس چه گفته است؟
- ۴- نمونه‌هایی مثال بزنید که بیانگر مردانگی شورشیان و صفات برجسته‌ی
 اسپارتا کوس - فرمانده قیام - باشد.
- ۵- چرا قیام شکست خورد؟
- ۶- چند سال از پایان جنگ دوم پانیک گذشته بود که اسپارتا کوس قیام کرد؟

پرسش و تمرین: (۲)

- ۱- در آغاز قرن سوم پیش از میلاد و در اواسط قرن اول پیش از میلاد، چه تحولاتی در روم صورت گرفت؟
- الف) چگونه خاک جمهوری روم وسعت یافت؟
- روی نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰ خاک روم را در آغاز جنگ‌های پانیک و سپس در آغاز قرن اول پیش از میلاد پیدا کنید.
- ب) چگونه تعداد و وضع بردگان ایتالیا تغییر کرد؟
- مبارزه‌ی بردگان با برده‌داران از چه قرار بود؟
- ج) چگونه تغییر وضع دهقانان ایتالیا را بیان نمایید. چه چیزی باعث این تغییرات بود؟
- د) دگرگونی ارتش روم را شرح دهید؟ چرا ارتش روم تغییر کرد؟
- ۲- شما کدام یک از حوادث روم را از آغاز جنگ‌های پانیک تا اواسط قرن اول پیش از میلاد مهم‌تر می‌شمارید؟ چرا مهم‌تر می‌شمارید؟

فصل سوم

سقوط جمهوری روم امپراطوری روم و دوره‌ی نیرومندی آن

بند نهم

برقراری رژیم امپراطوری در روم

۱- افزایش نقش نظامیان رومی

با قیام بردگان در سالهای ۷۳ و ۷۱ قبل از میلاد، چیزی نمانده بود که حکومت برده‌داران رومی ساقط شود. تنها سرداران نظامی که ارتش‌های نیرومندی در اختیار داشتند، موفق شدند رم را نجات داده، قیام را سرکوب کنند.

برده‌داران، در مبارزه با بردگان، نقطه‌ی اتکای اصلی خود را در وجود يك ارتش نیرومند مشاهده می‌کردند. در قرن اول پیش از

میلاد، در ارتش‌های روم، سرداران نظامی‌ای وجود داشتند که در نبردها افتخاراتی بدست آورده بودند و سخاوت بیشتری نسبت به سپاهیان خود روا میداشتند و نفوذشان به‌همان اندازه‌ی نفوذ کنسول‌ها و سناتورها بود.



تصویر شماره‌ی ۲۰

یک سردار رومی در قرن اول پیش از میلاد

سپاهیان مزدور فقط از فرماندهان خود، که حقوقشان را می‌پرداختند و بخشی از غنایم غارت شده را به آنها می‌دادند، اطاعت میکردند. یک سردار نظامی می‌توانست نه تنها با سپاهیان‌ش به همسایگان روم، بلکه برای مبارزه با دشمنان خود در جمهوری روم، به‌خود جمهوری نیز حمله کند.

بسیاری از برده‌داران مایل بودند که یک فرمانده نظامی نیرومند

زمام حکومت روم را بدست گیرد. آنها امیدوار بودند که چنین فرمانده پرتحرک و نیرومندی بهتر از یک کنسول و یایک سناتور خواهد توانست سیادت آنها را برستم دیدگان، حفظ کند. پمپی که در سال ۷۱ قبل از میلاد، در کار سرکوب بردگان قضاوتی به تمام از خود نشان داده بود، خیلی بدرد اینکار می خورد.

۲- اعتلای سزار

ژولی سزار نیز دررم طالب قدرت بود. او ازفامیل های اشراف پاتریسین بود و ازهمان دوران جوانی در آرزوی کسب قدرت و افتخار، پروبال میزد. سخنرانی هایش بسیار آشکار و قانع کننده بود.

اگرچه سزار اشرافزاده - سزار هزار فامیل - فقرای روم را خوار می شمرد، لیکن برای انجام اهدافش به آنها نیاز داشت. سزار ضمن کوشش برای خوش خدمتی به فقرا، برای آنها نبردهای گلا دیاتوری ترتیب میداد، و از حکومت میخواست که به آنها مجاناً نان بدهد. او بعنوان کنسول منصوب شده و پس از یکسال به حکومت سرزمین گولها رسید.

سرزمین گولها شامل اراضی ایتالیای شمالی و فرانسه کنونی میگردید. در آن زمانی که سزار بعنوان حاکم آن منصوب شد، رم هنوز نتوانسته بود تمامی این سرزمین را تصرف کند. فقط جنوب آن را در اشغال داشت.

سزار جنگ با گولها را آغاز کرد تا تمامی سرزمین ایشان را

1- Gaul فرانسه کنونی



تصویر شماره‌ی ۲۱

یک فرمانده جزء رومی در
قرن اول پیش از میلاد

تسخیر کند. این جنگ هشت سال طول کشید، اما ای گول با رشادت در راه حفظ آزادی و استقلال خود جنگیدند. ولی بدان سبب که آنها به قبایل بی‌شمار تقسیم می‌شدند، نتوانستند برای مبارزه با اشغالگران، یک جبهه‌ی واحد مبارزه تشکیل دهند.

رومیان تمامی گول را گرفته، صدها هزار نفر از افراد قبیله‌ها را به بردگی اسیر کردند. آن‌ها اما کن مقدس گول‌ها را که در آن‌طاهای هدیه شده بخدایان حفظ می‌شد، غارت کردند.

سزار به حساب غنایم حاصله، حقوق سپاهان خود را دو برابر کرد و بردگانی نیز به ایشان هدیه نمود.



تصویر شماره‌ی ۲۲

لژیون رومی در قرن اول پیش
از میلاد

۳- سزار به حکومت میرسد.

سزار پس از پیروزی بر سرزمین گول‌ها، دارای ارتشی نیرومندتر و ثروتی سرشارتر گردید.

سزار در سال ۴۹ قبل از میلاد با سپهیانش بسوی رم حرکت کرد. سنا از این امر ترسید، غافلگیر شد. پس فرماندهی کل قسوای جمهوری روم را به پمپی سپرد.

تعداد لژیون‌های تحت فرماندهی پمپی بمراتب بیشتر بود، ولی سپاهیان او در ایالات مختلف پراکنده شده بودند. پس با شتاب از رم خارج شد تا در شبه‌جزیره‌ی بالکان نیروها را گرد آورد.

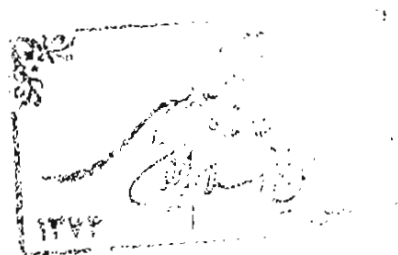
فقرای رومی که امیدوار بودند سزار وضع زندگی آنها را

بهرتر خواهد کرد، جانب او را گرفتند. سزار ظرف دو ماه، تقریباً بدون روبرو شدن با مقاومتی، وارد رم شد، حکومتش را در رم و تمامی نقاط ایتالیا مستقر ساخت.

پمپی موفق گردید که در شبه جزیره‌ی بالکان سپاه بزرگی فراهم کند، ولی لژیون‌های سزار، که در جنگ‌های بی‌شمار آبدیده شده بودند، در برخورد با سپاه پمپی طی مدت زمان کوتاهی لژیون‌های او را درهم کوبیدند. پمپی گریخت. ولی بزودی به قتل رسید. اما سزار، دشمنان دیگری هم داشت، جنگ با آنها نیز سه سال دوام یافت.

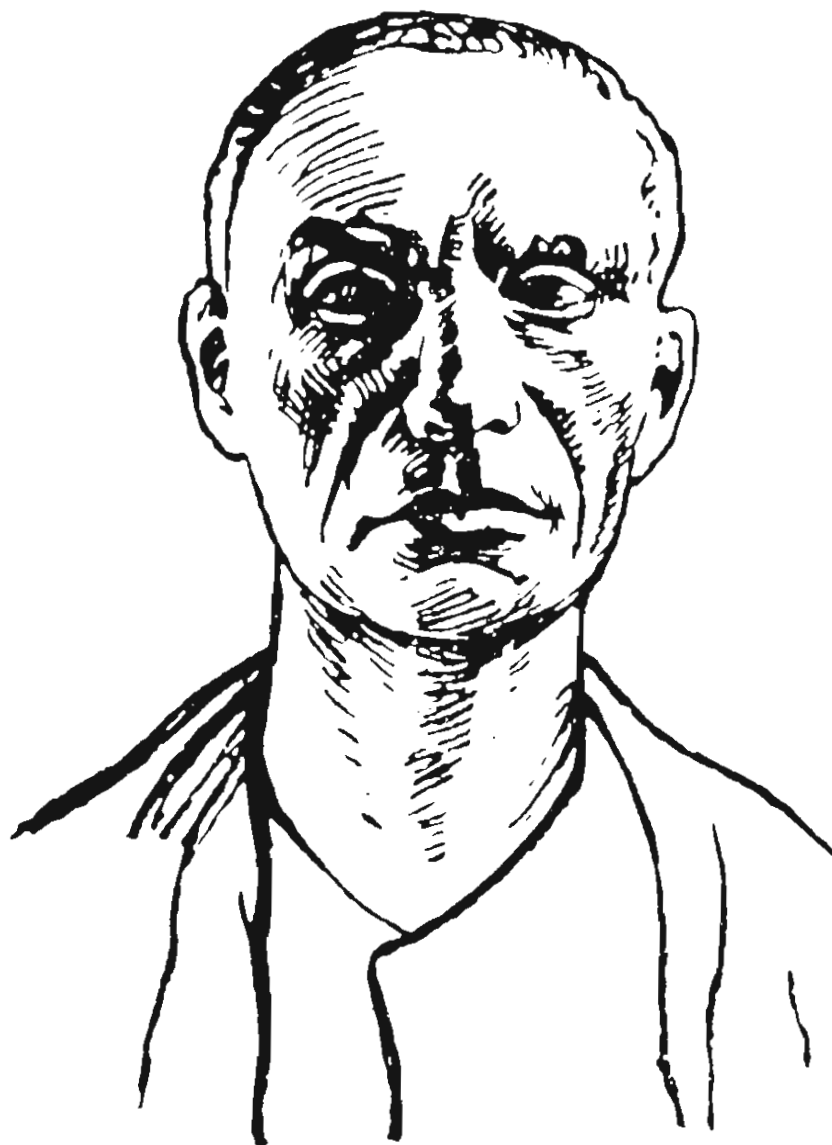
۴- سزار - فرمانروای روم

سزار پس از پیروزی بردشمنان، به رم باز گشت. او از اختیارات نامحدود برخوردار بود. سنای رم، گوش فرمان، از دستورات سردار بزرگ اطاعت میکرد. سزار خود را امپراتور نام داد. واژه‌ی امپراتور که بزبان لاتینی «فرمانروا» معنی می‌دهد، به آن عده از سردارانی گفته می‌شد که به جنگ می‌رفتند و فقط در موقع جنگ امپراتور خوانده می‌شدند. سزار این عنوان را نه بطور موقت، بلکه بطور دائمی بخود اختصاص داد. او اکنون مثل پادشاهان زندگی می‌کرد. بر تختی از عاج و طلا تکیه می‌زد، که شبیه تخت پادشاهان بود. روی سکه‌ها چهره‌اش حک می‌شد و مجسمه‌هایش را در ردیف مجسمه‌ی خدایان نصب میکردند.



۵- مرگ سزار

بعضی از سناتورها از حکومت مطلقه‌ی سزار ناراضی بودند. آنها بر علیه وی توطئه کردند. و پروتوس^۱ در رأس توطئه‌گران قرار داشت، که از اشراف و ثروتمندان برده‌دار روم بود.



تصویر شماره‌ی ۲۳
زولی سزار
مجسمه‌ی نیم تنه‌ی رومی

1- Brutus

در سال ۴۴ قبل از میلاد، وقتی که سنای رم اجلاسیهی خود را تشکیل داده بود، توطئه گران سزار را محاصره کرده و با شمشیرهایی که در زیر لباسشان پنهان کرده بودند، به او حمله نمودند. بیش از بیست ضربه‌ی شمشیر سزار را از پای در آورد، همان‌جا جان داد. توطئه گران اعلام کردند که بار دیگر قوانین و رسوم جمهوری روم برقرار شده است. این بار کوشش برای برقراری حکومت مطلقه در روم، باشکست رو برو شد.

سزار از دید پلو تارخ

هنگامیکه سزار به رم می‌آمد، مجبور بود از رودخانه‌ی کوچکی بنام رویکون^۱ بگذرد که سرحد گول و جمهوری روم بشمار می‌رفت. عبور سپاه از مرز با جنگ آشکار علیه جمهوری آغاز شد. طبق معمول که سزار در مواقع حساس عرابه‌ی خود را متوقف می‌کرد و مدتی مدید در اندیشه فرومیرفت، راه‌حل‌های مختلف را می‌سنجید و سرانجام دست از تفکر می‌شست و با شجاعت به استقبال آینده میشتافت و فریاد میزد: «تصمیم قطعی گرفته شد!» این بار نیز چنین کرد و دستور داد از معبر بگذرند



ژولی سزار که در آسیای صغیر با سرعت به آسانی بر یکی از دشمنان خود پیروز شده بود، در مورد این پیروزی سه کلمه نوشت و ارسال داشت: «آمدم، دیدم، پیروز

1- Rubicon

شدم، که بزبان لاتینی از این قرار است «وهانی،
ویدی، ویستی».

(در کجا کوتاه سخن گفته میشود؟ کوتاه سخن گفتن را چه مینامند؟)

پرسش و تمرین:

- ۱- چرا برده‌داران مایل بودند یک فرد نظامی حکومت روم را اداره کند؟
- ۲- چه تحولاتی در قرن دوم پیش از میلاد سزار را به حکومت روم رساند؟
- ۳- چه چیزی، حکومت سزار را پس از پیروزی بر دشمنانش از حکومت کنسول‌ها متمایز می‌کرد؟
- ۴- چند سال از پایان قیام اسپارتاکوس گذشته بود که سزار به حکومت رم رسید؟



تصویر شماره‌ی ۲۴
اوکتاویان اوگوست در ظاهر خدای
رعد و برق ژوپیتر. مجسمه‌ی نیم تنه‌ی رومی

بند دهم

امپراطوری روم در زمان اوکتاویان اوگوستا و جانشینانش

بخاطر آورید: چه رژیمی جمهوری خوانده میشد؟ (بند ۲. مادهی ۱)، رژیم پادشاهی را توضیح دهید (بند ۱۸، مادهی ۵ جلد دوم).

۱- شکست جمهوری خواهان

توطئه گرانی که سزار را به قتل رساندند، مورد حمایت مردم روم قرار نگرفتند. تعداد افراد حامی جمهوری اندک بود، زیرا که جمهوری را هزار فامیل اداره میکرد. لژیونهای سزار میخواستند توطئه گران را قطعه قطعه کنند.

1- Octav Augustus

پس توطئه گران به شرق گریختند. آنها سپاهی در مقدونیه فراهم و خود را آماده می‌کردند که به ایتالیا لشکر کشی کنند.

اکنون لژیونهای سزار فرماندهان تازه‌ای یافته بودند. یکی از آنها آنتونی^۱ بود، که فرماندهی مجرب، مردی بلند بالا و قوی هیکل بشمار می‌رفت و در گذشته پست معاونت سزار را داشت. فرمانده دیگر - او کتاویان جوان بود که قوم و خویش سزار محسوب می‌شد. او کتاویان موجودی بود علیل مزاج و ناتوان. او استعداد يك رهبر نظامی را نداشت، ولی حيله گر و محتاط بود و می‌دانست چگونه معاونان زیرک و با استعدادی برای خود انتخاب کند.

آنتونی و او کتاویان چشم دیدن یکدیگر را نداشتند، لیکن برای مبارزه با جمهوری خواهان، متحد شده بودند. آنها سپاه خود را بهرم هدایت کردند و بابتی رحمی تمام، دشمنان خویش را سر کوب و پراکنده ساختند.

طبق دستور آنها چندین هزار نفر قتل عام شدند. سپاه آنتونی و او کتاویان به مقدونیه گسیل شد. جمهوری خواهان در نبرد شکست خوردند، بقایای سپاه آنها به دشمن محلق شدند. بروتوس با شمشیر به زندگی خویش خاتمه داد.

۲- مبارزه‌ی آنتونی و اوکتایان بخاطر قدرت

آنتونی و او کتاویان اداره‌ی جمهوری روم را بین خود تقسیم کردند. آنتونی برای ایالات شرقی حکومت می‌کرد و در اسکندریه، در

1- Antony

کاخ‌های سلطنتی اقامت داشت. او کتاویان بخش غربی جمهوری را رهبری می‌نمود و در رم میزیست. آنتونی سودای سلطنت در سرداشت. او کتاویان میکوشید حکومت مطلقه در رم مستقر سازد، بدین ترتیب هر دو آن‌ها برای جنگ با یکدیگر آماده می‌شدند. در سال ۳۱ قبل از میلاد آنتونی ارتش خود را در ساحل غربی شبه‌جزیره‌ی بالکان، در جوار دماغه‌ی آکتیوم^۱ متمرکز کرد. ناوگان دریائی او نیز به آنجا آمد.

در نبرد دریائی، ناوگان او کتاویان پیروز شد. آنتونی سپاه خود را ترك کرد، با کشتی به اسکندریه باز گشت. سپاه او که بدون فرمانده باقی مانده بود، تسلیم شد.

ارتش او کتاویان تقریباً بدون روبرو شدن با مقاومتی مصر را گرفت و آنتونی بزندگی خویش خاتمه داد. مصر بیکی از ایالات روم تبدیل گردید.

۳- برقراری رژیم امپراطوری در روم

او کتاویان از این در بيم بود که با تغییر سنت‌های موجود در روم نارضائی مردم را برانگیزد. به همین جهت تمامی سنن و آداب‌ی را که در جمهوری معمول بود، حفظ کرد. معذک با اتکاء به نیروی نظامی از سال ۳۰ قبل از میلاد عملاً "حاکم مطلق روم بشمار می‌رفت. او کتاویان سناتورهای مخالف خود را از سنا بیرون می‌کرد و هنگامیکه یکی از اهالی رم برخلاف اراده‌ی او میخواست کنسول

1- Actium

شود، او را زندانی می‌کرد و آنقدر در زندان نگاه می‌داشت تا بمیرد. هیچ کس جرأت نداشت برخلاف تمایل او و مخالف او نظر بدهد، اعضای مجلس ملی از افراد گوش فرمان انتخاب می‌شدند. کنسول‌ها و تریبون‌های خلق بدون ترس و شرط مجری او امر او بودند، در سنا، اول از همه او رأی می‌داد و سناتورهای رم، بنده‌وار تصمیماتی را که به نفع او بود، تصویب می‌کردند.

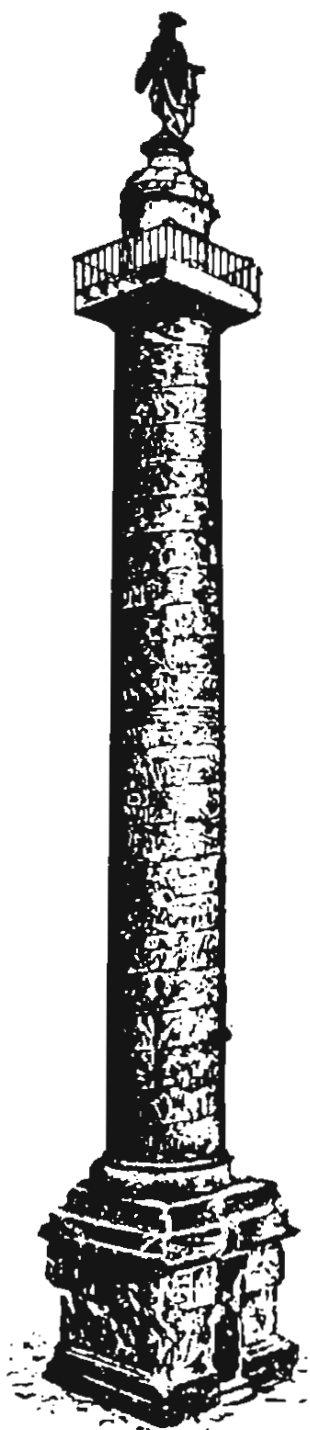
او کتاویان - خود را امپراتور مینامید. سنای رم نیز برسبیل چاپلوسی لقب افتخاری «اوگوست» را که به معنای «مقدس» است، به او اعطاء کرد.

اگرچه در موقع حکومت او گوست، مؤسسات جمهوری حفظ شد، لیکن در واقع رژیم جمهوری نابود گردیده، جای آن را رژیم سلطنتی گرفت. رژیم سلطنتی روم را امپراتوری و پادشاه را امپراتور مینامیدند.

نظم و ترتیب اداره‌ی حکومت که بوسیله‌ی او کتاویان بوجود آمده بود، بعد از مرگش نیز حفظ شد. رم بوسیله امپراتوران، یکی بعد از دیگری اداره می‌شد و یا اینکه حکومت بشکل وراثت به دیگران میرسید یا دیگران حکومت را به‌زور بدست می‌آوردند.

نه تنها برده‌داران روم، بلکه برده‌داران ایالات دیگر نیز از حکومت امپراتوری حمایت می‌کردند. آنها به‌عینه میدیدند که يك امپراتور نیرومند، بشکل اطمینان‌بخش‌تری سیادت آنها را بر بردگان و فقیران تأمین می‌کند.

۲- آخرین پیروزی‌های امپراطوری روم



تصویر شماره‌ی ۲۵

ستون یادبود امپراطور ترایان، که به افتخار پیروزی او ساخته شد، ارتفاع ستون مساوی با یک بنای ۷ طبقه است. در بالای ستون، مجسمه‌ی ترایان نصب شده است.

1- Traian

استقرار امپراطوری، دولت برده‌دار روم را تحکیم بخشید. امپراطوران که سپاهیان کثیری در اختیار داشتند، قیام ستم‌دیدگان را در خود امپراطوری سرکوب می‌کردند و جنگ‌های اشغال‌گرانه‌ی تازه‌ای براه می‌انداختند.

(روی نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰، اراضی متصرفی امپراطوری روم را پیدا کنید).

در سال ۱۱۵ و ۱۱۶ میلادی* بود که سپاه امپراطور ترایان میان دورود (بین‌النهرین) را تسخیر کرد و وارد خلیج فارس شد. در گذشته هیچ‌گاه لژیون‌های رومی تا بدین حد بطرف شرق پیشروی نکرده بودند.

ترایان برای حمله به هند تدارک می‌دید. لیکن پشت‌جبهه‌ی او ملت‌هایی که به زنجیر انقیاد کشیده

* بعد از میلاد

۹۰ روم باستان

شده بودند، قیام کردند.

عدم موفقیت لشکرکشی ترایان به آسیا، به پیروزیهای نظامی امپراطوری روم خاتمه داد. امپراطور دیگری که بعد از ترایان به - حکومت رسید، مجبور شد تقریباً از کلیه متصرفات آسیائی ایتالیا صرفنظر کند. زیرا برای حفظ این متصرفات سپاه روم کفایت نمیکرد، معذک هنوز آنقدر از قدرت کافی برای سیادت برملت‌هایی که قبلاً در اروپا، آسیا و آفریقا به تسلط درآمده بودند، برخوردار بود.

پرسش و تمرین:

- ۱- ابتدا واژه‌ی امپراطور چه معنایی داشت، بعد چه معنایی یافت؟
- ۲- چگونه رژیم امپراطوری از دوران او کتاویان در روم برقرار شد؟
- ۳- چرا برده‌داران از امپراطوری حمایت می‌کردند؟
- ۴- روی نقشه‌ی شماره‌ی ۱۰، اراضی الحاقی به روم را در زمان امپراطوری مشخص کنید، چه زمانی خاک امپراطوری روم وسعت گرفت؟
- ۵- او کتاویان چند سال به عنوان حاکم مطلق، حکومت کرد؟ حکومت او چند سال پیش شروع و چند سال پیش خاتمه یافت؟

فصل چهارم

معیشت و فرهنگ روم در آغاز امپراطوری

بند یازدهم

طرز معیشت برده‌داران و فقیران در روم طی قرون
اول و دوم میلادی

بخاطر آورید: طرز معیشت پاتریسین‌ها در نخستین قرن‌های
موجودیت روم از چه قرار بود؟ (بند ۷، ماده‌ی ۴)، چرا دهقانان ایتالیا
ورشکست شدند؟ (بند ۷، ماده‌ی ۱).

۱- معیشت برده‌داران در قرون اول و دوم میلادی

روی تپه‌های رم کاخ‌های برده‌داران، که با پارک‌ها احاطه شده
بود، قرار داشت.
در این کاخ‌ها، اتاق‌های زیادی وجود داشت. روی دیوار اتاقها

تصاویری ترسیم شده بود. سقف کاخ را ستون‌هایی از سنگ مرمر برپا می‌داشتند و محسمه‌هایی از برنز، عاج فیل و مرمر، کاخ را زینت می‌دادند. کف اتاق‌ها بوسیله‌ی موزائیک* پوشیده شده بود. وسط تالارهای بزرگ، در میان حوض فواره‌های آب بچشم می‌خورد.

برده‌داران برای برگزاری ضیافت‌هایشان از ایالات دور دست روم، ماهی تازه که در تغارهای پراز آب نگاهداری میشد و میوه‌های وحشی از آفریقا به ایتالیا می‌آوردند.

بخش اعظم اوقات آنها در حمام‌های مجلل - یعنی در ترمائی- گذشت (تصویر شماره‌ی ۲۶).

یک ثروتمند صدها برده در اختیار داشت. بردگان در خیابانها ثروتمندان را روی تخت‌روان (تصویر رنگی شماره‌ی ۶) حمل می‌کردند. بجای سگ نگهبان نیز از بردگان استفاده می‌شد: زنجیری به گردن برده می‌بستند، به دیوار میکوبیدند و دم درخانه‌ی اشراف به نگهبانی و امیداشتند. در میان بردگان، پزشکان، موسیقی‌دان‌ها و نقاشان هنرمندی بافت می‌شدند.

اغلب اوقات بسیاری از بردگان یونانی با سوادتر از اربابان رومی خود بودند.

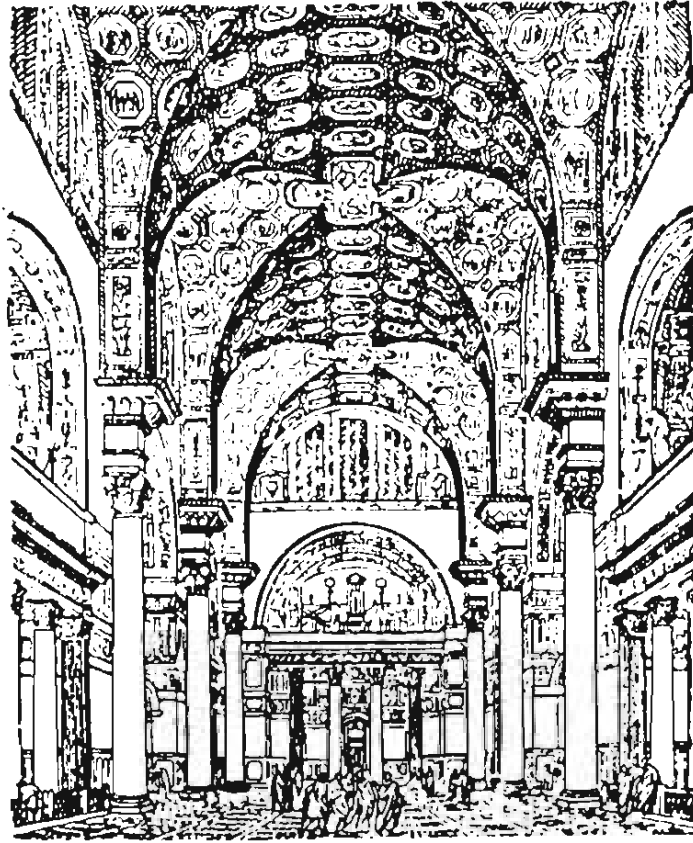
۲- تأثیر یونانی‌ها بر روم

فرهنگ یونان تأثیر زیادی بر طرز معیشت برده‌داران رومی و

* موزائیک - تصاویر و نقش و نگاره‌هایی که با سنگ‌های ریزالوان ترسیم و ساخته می‌شد.

1- Thermae

روم باستان ۹۳



تصویر شماره‌ی ۲۶

ترما - گرمابه‌ای در رم. تجدید بنا شده. این گونه بناها استخرهایی داشتند که از سنگ مرمر بود و دارای آب سرد و گرم بودند. تالارهایی نیز برای برای ورزش و قرائت در آنها وجود داشت.

بر تمامی فرهنگ روم، بجای گذاشته بود.

در کولونی‌های یونانی واقع در جنوب ایتالیا، رومیان با زبان و فرهنگ و هنر یونانیان آشنا می‌شدند. آنها با اخذ خط یونانی، الفبای خود را که الفبای لاتین نامیده می‌شد، تنظیم نمودند. رومیان شروع به پرستش خدایان المپ کردند، لیکن فقط اسامی آنها را تغییر داده بودند. آنها به زئوس - ژوپیتر می‌گفتند (کدامیک از خدایان را رومی‌ها ولکان Vulcanus می‌نامیدند؟).

مخصوصاً پس از اشغال یونان توسط روم در قرن دوم پیش از میلاد بود که تأثیر یونان بر روم فزونی گرفت. رومیان پیروز، در کنار یونانیان شکست خورده تحصیل می‌کردند و به ایشان تاسی می‌جستند. رومیان تعداد زیادی از تندیس‌ها، تصاویر و سایر آثار هنری یونان را به ایتالیا برده بودند. معماران یونانی، مجسمه‌سازان و نقاشان این کشور بر طبق سفارش اشراف و ثروتمندان روم، آثار هنری خود را بوجودی آوردند. در رم، آثار نویسندگان یونانی بسزبان لاتین برگردانده می‌شد. جوانان اشراف‌زاده‌ی رومی، در بهترین مدارس یونان تحصیل می‌کردند.

۳- نمایش در روم

در بسیاری از شهرهای رومی تئاترهای بسبک تئاتر یونانی ساخته شده بود. ولی نمایش مورد علاقه‌ی رومیان، نبردهای گلادیاتوری و مسابقات اسب‌دوانی بود. در زمان حکومت امپراطوری، این نبردها نسبت به دوره‌ی جمهوری دامنه‌ی زیادتر و وسیع‌تری کسب کرده بودند. طبق دستور اوگوست در ناحیه‌ی رم، دریاچه‌ای احداث شده بود که در آن ۳۰ کشتی بزرگ و تعدادی کوچک، جای داده شده بود. در دریاچه نبردهای دریائی‌ای صورت می‌گرفت که در آن قریب ۳ هزار نفر شرکت می‌کردند. در نیمه‌ی دوم قرن اول میلادی، بدستور امپراطور آمفی تئاتر

بزرگی بنام کولیزیوم در رم ساخته شد. در کولیزیوم ۹۰ هزار تماشاگر جای می گرفت.

ترایان پس از یکی از اردو کشی های موفقیت آمیز خود، جشنی برپا کرد که ۱۲۳ روز طول کشید. طی روزهای جشن ۱۰ هزار نفر در نبردهای گلادیاتوری شرکت کردند و ۱۱ هزار جانور در صحنه ای آمفی تئاتر رها شدند.



تصویر شماره ۲۷

نقشه ی شهر رم

برای مسابقات اسب دوانی سیرک هایی ساخته شده بود. برای دور زدن صحنه ی سیرک بزرگ رم، می بایست قریب یک کیلومتر طی شود. اطراف صحنه، پله هایی احداث شده بود برای نشستن تماشاگران.

1- Colizium

در میدان چهاراسب تندپوی به حرکت در می آمدند که صاحب خود را در اراهی کوچکی بدنبال میکشیدند. مسابقه دهندگان لباس های الوانی به تن میکردند. بندرت مسابقه ای بدون بروز حادثه ای مصیبت باری صورت می گرفت که بهمرگ عده ای از اراهرانها نیازجامد.

۲- «نان و نمایش»

بموازات شکوه و جلال پرزرق و برق اشرافی در رم، سیمای فقر و مسکنت شدید مردم نیز نمایان بود. افلاس دهقانان، که از همان دوران جمهوری شروع شده بود، در زمان امپراطوری نیز ادامه یافت. پیشهوران نیز به ورشکستگی کشیده شده بودند. از تمام خاک ایتالیا فقرا بهرم هجوم می آوردند. در ناحیهی شهر، خانه های پنج - شش طبقه ای ساخته شده بود که فقرا در آن زندگی می کردند. معابر بین این خانه ها بقدری تنگ بود که نور آفتاب هم بدان راه نمی یافت. اهالی فقیر، فضولات خود رامستقیماً در این معابر خالی می کردند و از درون خانه ها بوی گند و تعفن شدیدی بمشام میخورد. خانه ها بطرز بدی ساخته شده و بندرت آب و جارو می شدند و اغلب در آنها حریق رخ می داد و سکنه، یا در زیر آوار و یا در میان شعله های آتش، جان می سپردند. باتمام این احوال، فقیران زیادی وجود داشتند که حتی از دارا بودن چنین مساکنی نیز محروم بودند. آنها شبهای خود را در خیابانها و میدانهای شهر به صبح می آوردند. برای اینکه موج خشم و توفان فقیران بلند نشود، امپراطورها

روم باستان ۹۷

مقداری نان بین ایشان تقسیم می کردند. در قرن اول میلادی در رم بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مردم، صدقه بگیر محسوب می شدند. صدها تن از فقرا، دم کاخ‌های ثروتمندان جمع می شدند بامید اینکه لقمه‌ی نانی به صدقه، دریافت کنند.

فقیر رومی که به یک بیکار اجباری و صدقه‌بگیر حرفه‌ای مبدل شده بود، دیگر میلی هم به کار کردن نداشت. نه تنها برده‌داران، حتی صدقه‌بگیران نیز کار را مال بردگان میدانستند. تنها چیزی که از امپراتوران میخواستند «نان و نمایش» بود.

کار بردگان، که در نتیجه‌ی آن ثروت برده‌داران کلان تر شده بود، به افلاس دهقانان و پیشه‌وران منجر شد. در ایتالیا تعداد دهقانان بی‌زمین و بی‌خانمان، که نیم گرسنه بحساب صدقه‌ی امپراتوران و ثروتمندان رومی میزیستند، پیوسته افزایش مییافت.

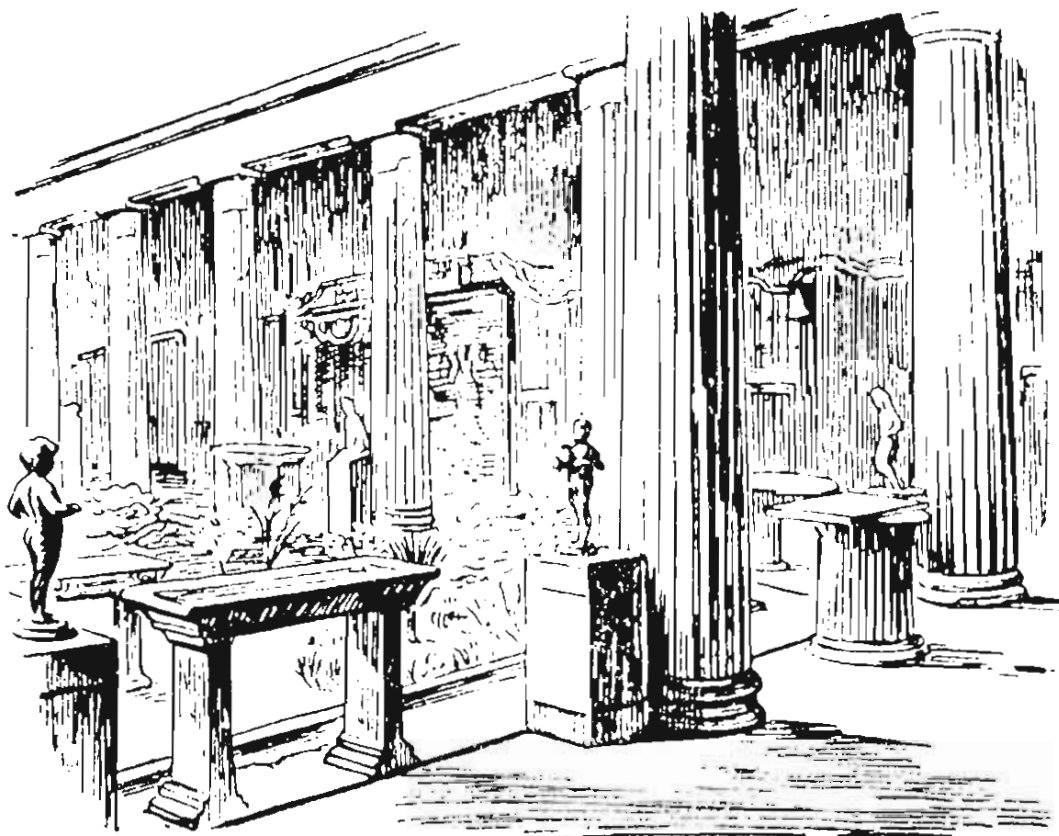
(متن کلاسیکی که در صفحات بعد درج می‌شود، شما را بهتر با وضع صدقه‌بگیران آشنایی سازد).

حفاری شهر پمپی

برای بررسی و مطالعه‌ی طرز معیشت مردم و فرهنگ ایتالیا، حفاری شهر رومی پمپی، اهمیت زیادی داشت. این شهر کمی دورتر از آتشفشان وزو، که غیر فعال شمرده میشد، قرار گرفته بود. در نیمه‌ی دوم قرن اول میلادی بناگاه آتشفشان زبانه کشید و از دهانه‌ی آن

مقدار زیادی مواد مذاب به اطراف بیرون ریخت. شهر پمپی در زیر قشری از خاکستر که تقریباً ۱۰ متر قطر داشت، دفن شد. اکثر سکنه‌ی شهر موفق به فرار شدند. مردمی که نتوانستند بگریزند، مردند. غلامان نیز که در زیر زمین‌ها بزنجیر کشیده شده بودند، هلاک گردیدند.

پلینی دانشمند مشهور رومی نیز که از جای امنی مشغول نظاره‌ی مواد مذاب و زو بود، در زیر خاکستر مدفون شد. در قرن هیجدهم میلادی حفاری شهر پمپی آغاز شد، اکنون بخش اعظم شهر از زیر خاک و خاکستر



تصویر شماره‌ی ۲۸

منظره‌ی داخلی خانه‌ی یک ثروتمند رومی در پمپی. اطراف خانه، ستون‌ها و مجسمه‌های یونانی و رومی به چشم می‌خورد.

1- Pliny

روم باستان ۹۹

بیرون آورده شده است، معابر و بناهای مسکونی و آبنمای تئاتر و گرمابه‌ها و معابد نیز حفاری شدند. روی دیوار خانه‌ها، یادداشت‌هایی بچشم می‌نوردد که تاریخ برنامه‌های تئاتری و مبارزات گلازیانوری را به اهالی اطلاع می‌دادند. در داخل منازل ثروتمندان، کف‌های موزائیک، ظروف و تصاویر روی دیوارها، حفظ شده بود. در خانه‌ی یک رباخوار ثروتمند، فهرستی یافت شد که اسمی بیش از یکصد نفر مقروض، در آن نوشته شده بود. محصول اجساد آدم‌ها و جانوران سوخته و خاکستر شده بودند لیکن اثر آنها بر خاکستر همچنان باقی بود. باستان‌شناسان از این آثار با کج قالب‌گیری کردند و اندازه‌ی دقیق اجساد و اشیاء را بدست آوردند.

مسافری که اکنون به شهر پمپی می‌رود، می‌تواند خود را در شهری در قرن اول میلادی، که گویی خالی از سکنه شده است، احساس کند. طبق یافته‌های باستان‌شناسی، یک نقاش زندگی در شهر پمپی را ترسیم کرده است که در تصویر رنگی شماره ۶ مشاهده می‌کنید.

پرسش و تمرین:

- ۱- زندگی اشراف روم در زمان امپراطوری چه تفاوتی با زندگی پانرسین‌ها در نخستین قرن‌های موجودیت شهر رم داشت؟
- ۲- چرا تعداد بیکاران رم تا بدین حد زیاد بود؟ مفهوم «نان و نمایش» را توضیح دهید. به خاطر آورید که فقیران در زمان تیبریوس و گایوس چه می‌خواستند؟
- ۳- نمایش مورد علاقه‌ی رومیان را نام ببرید، در مابینات روم و یونان چه وجه اشتراکی وجود دارد؟ تفاوتشان در چیست.
- ۴- چگونه یونان بر روم تأثیر گذاشت؟

بند دوازدهم

تکنیک و هنر در رم

۱- آب لوله کشی رم

در قرنهای اول و دوم میلادی قریب يك میلیون نفر در رم زندگی می کردند. رم و سایر شهرهای بزرگ امپراطوری به آب فراوان احتیاج داشت.

رومیان در کوهها به جست و جوی منابع آب پرداختند. آنها از میان کوهها لوله‌ی آبی کشیدند که با شیب ملایمی بسوی شهر می آمد. برای ایجاد چنین شیبی لوله‌ها را در نقاط مرتفع روی زمین قرار میدادند و در نقاط پست روی پله‌هایی که از سنگ احداث می شد (تصویر شماره‌ی ۲۹). آب در اوله‌ها و ناودان‌ها خود بخود به جریان می افتاد و به شهر میرسید. بیش از ده‌ها لوله، آب مسورد نیاز مردم رم را تأمین میکرد. بعضی از این لوله‌ها تا ۷۰ کیلومتر طول داشتند.

روم باستان ۱۰۱

۲- وسایل فنی ساختمانی

رومیان توانسته بودند بتون را اختراع کنند. با کمک بتون طاقهای قوسی فوق العاده محکمی ساخته می شد (تصویر شماره ی ۲۹). طاقها شبیه کمانی کشیده بودند. به همین جهت آنها را «آرکوس»^۱ مینامیدند که بزبان لاتینی «کمان» معنی می دهد.

طاقهای قوسی و یا کمانی رواج وسیعی در رم داشت، به هنگام احداث لوله کشی آب، بناها، پل های عبور از روی رودخانه ها، مورد استفاده قرار می گرفت. بعضی از پلهائی که در رم ساخته شدند، اینک پس از گذشت دوهزار سال بازهم باقی مانده اند.

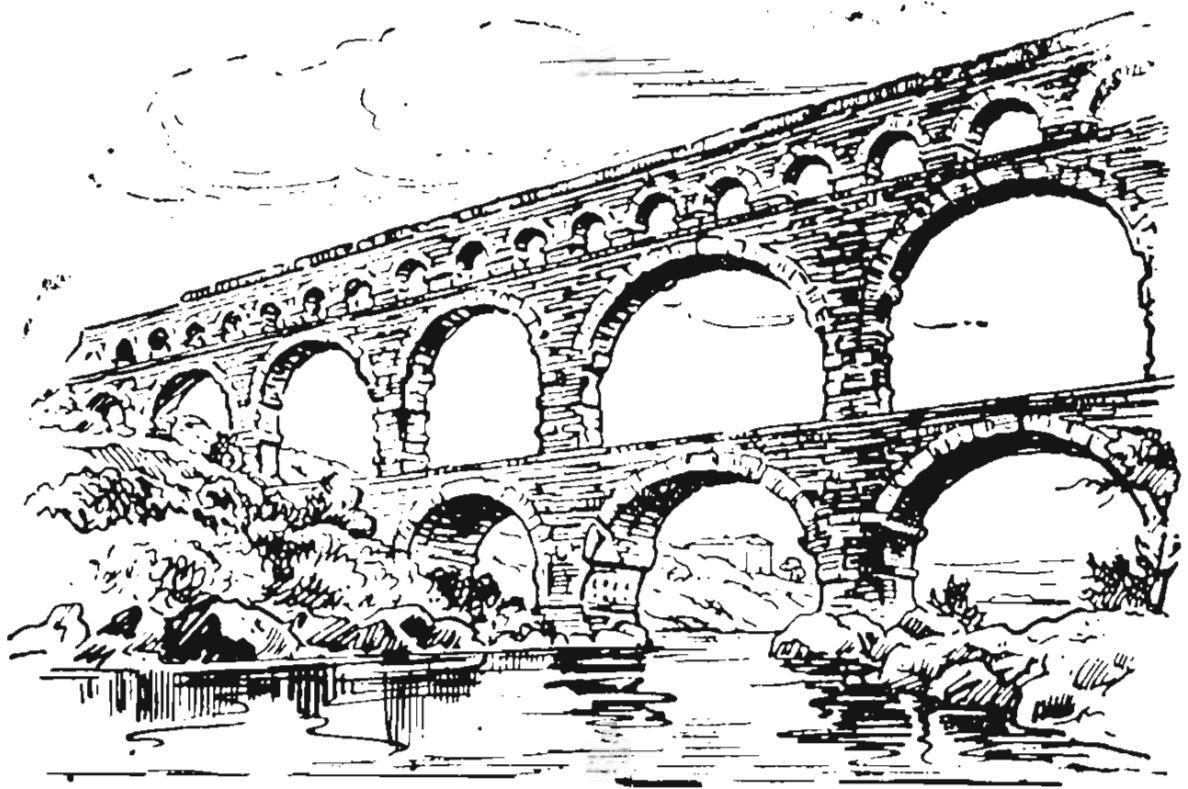
امپراتوران دستور میدادند که به افتخار پیروزیهایشان طاق نصرت های بزرگی ساخته شود، درموقع مراسم تری یومف امپراتور از زیرطاق نصرت عبور میکرد.

رومیان توانسته بودند سالن های بزرگ سرپوشیده ای بسازند که شبیه يك جام وارونه بود و «کوپولا»^۲ یعنی گنبد، نام داشت. نمونه ی آنها - معبد «پانتئون»^۳ رم است که تا زمان حاضر نیز باقی مانده (تصویر شماره ی ۳۰).

۳- مجسمه سازی رومی

بناهای روم را با مجسمه ها و نقوش برجسته ای که بخشی از آن را از یونان آورده بودند و تعدادی را درخود رم ساخته بودند، تزئین می کردند.

-
- 1- Arcus 2- Cupola 3- Pantheon



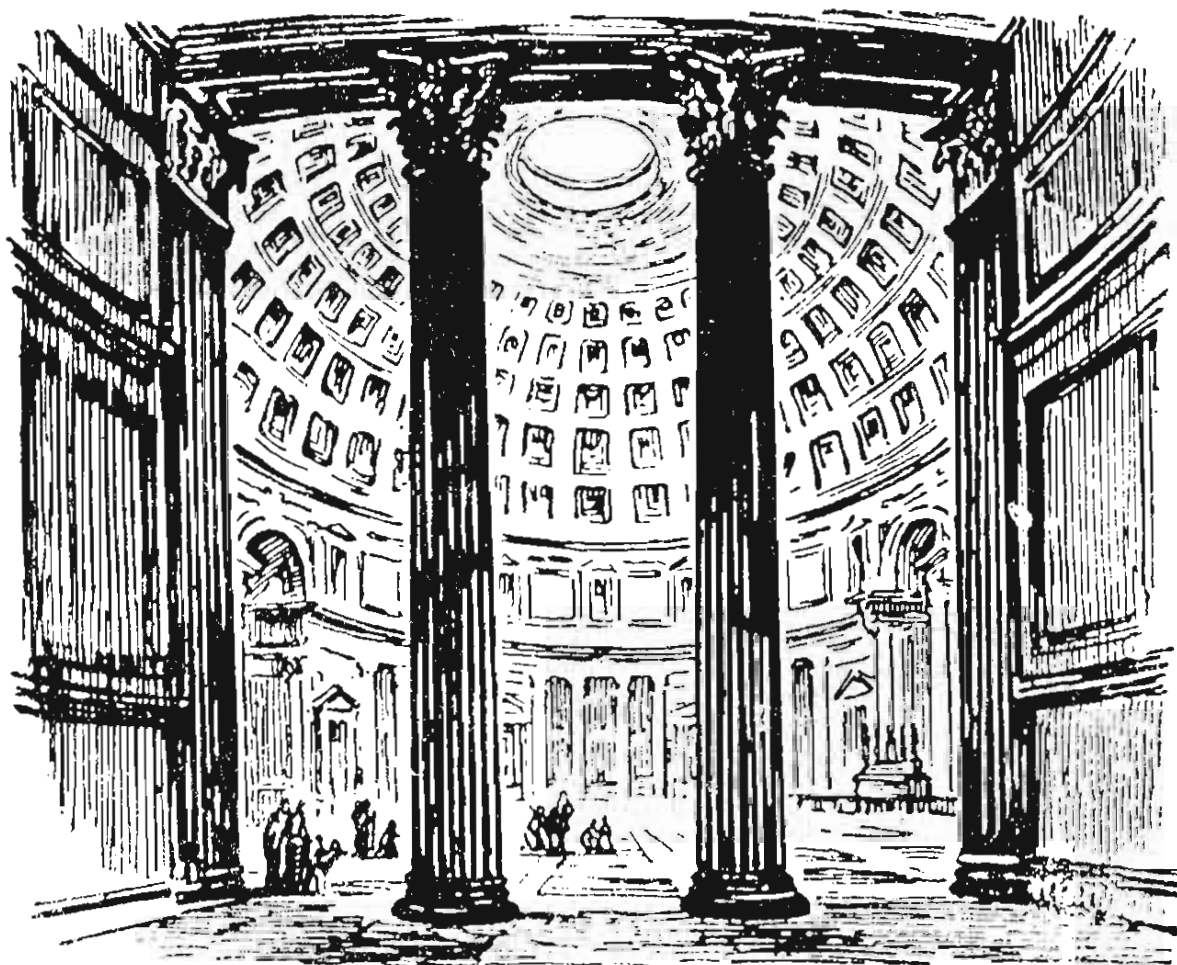
تصویر شماره‌ی ۲۹

یک پل قوسی رومی در جنوب فرانسه‌ی کنونی. از روی این پل، لوله‌ی آب عبور می‌کرد. آب در یک ناودان روباز جریان می‌یافت. ارتفاع پل نسبت به سطح رودخانه تقریباً ۵۰ متر است.

رومیان در زمینه‌ی مجسم‌ساختن صورت انسان بوسیله‌ی مجسمه‌سازی به اوج قدرت هنری نایل شده بودند. نیم‌تنه‌ها و تندیس‌های رومی بیانگر هنرمندانه‌ی سیمای اشخاص است. مجسمه‌ساز بادقت فوق‌العاده زیادی سیمای آدمیزاد و زمانی نیز خصال و صفات او را مجسم می‌کرد. (به تصویرهای شماره ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ توجه کنید).

مثلاً در نیم‌تنه‌ی رباخوار، که در پمپی یافت شد، مجسمه‌ساز در نهایت هنر، حرص و آز و بی‌عاطفگی انسانی را مجسم کرده که

روم باستان ۱۰۳



تصویر شماره‌ی ۳۰

نمای داخلی پانتئون

در حال حاضر از پانتئون به‌عنوان گورستان افراد برجسته‌ی ایتالیا استفاده می‌شود. معنوی پانتئون با روزنه‌ی بزرگ مدوری که در میان گسده قرار دارد، ره‌شیر می‌شود.

زندگی خویش را وقف سودپرستی نموده است.

امپراتوران روم میکوشیدند از هنر نیز به‌نفع تحکیم پایه‌های حکومت خود استفاده کنند. در میدان‌ها و خیابان‌های شهر و محل برگزاری اجلاس‌های مجلس ملی - فروم - مجسمه‌ی آنها نصب میشد. مجسمه‌سازان، امپراتوران را در حال پیروزی بردشمن نشان میدادند.

۱۰۴ روم باستان



تصویر شماره‌ی ۳۱

ریاخواری از پمپئی

گاهی امپراطوران به شکل خدایان در مجسمه‌ها تجلی میکردند
(تصویر شماره‌ی ۲۴) مخصوصاً فروم - پر از تندیس‌های مختلف بود
(تصویر شماره‌ی ۳۵).



تصویر شماره‌ی ۳۲

یک زن اشراقی روم

روم باستان ۱۰۵

ترایان دستور داده بود به افتخار پیروزیهایش ستون یادبود مرتفعی به اندازه‌ی يك خانه‌ی هفت طبقه بسازند (تصویر شماره‌ی ۲۵). نقوش برجسته روی مرمر، بسان نواری، از بالا تا پائین این ستون را در بر گرفته بود.



تصویر شماره‌ی ۳۳
پیرمردی از روم

موضوع نقوش برجسته را صحنه‌هایی از نبردها، عبور سپاه از رودخانه‌ها، گرفتن اسرا و غیره تشکیل میداد.

۴- ادبیات

آغاز دوره‌ی امپراطوری روم، باشکوفائی شعر و نظم آن‌همزمان بود. درخانه‌ی برده‌دار ثروتمندی بنام میسه‌ناس^۱ که دوست او گموست بود، عده‌ای از شاعران و نویسندگان رومی گرد می‌آمدند. ویرگیل^۲ وهوراس^۳ شاعران برجسته نیز بدین محفل کوچک، انس داشتند. میسه‌ناس به‌هریک از آن‌ها ملکی داده و هدایای دیگری نیز اعطاء

1- Maecenas

2- Virgil

3- Horace

مینمود. واژهٔ میسه‌ناس به معنای «حامی هنر» مشهور شده بود.
 ویرگیل منظومه‌ای نگاشته بود بنام «اینه‌اید»^۱. این منظومه به شیوه‌ی اشعار ایلید و اودیسه نوشته شده بود. در منظومه از ماجرای لژیونری بنام اینه‌ناس^۲ سخن می‌رفت که از ترویا دفاع می‌کرد و فرزند الهه‌ای بود و در موقع نابودی شهر، نجات حاصل کرد و به ایتالیا آمد. ویرگیل در منظومه‌ی خود می‌گفت که رم باید آقای جهان شود:

«ای رومی!
 بخاطر بسپار که تو، باید
 ملت‌ها را رهبر باشی،
 صبح را
 برقرار سازی،
 به شکست خوردگان
 رحم آوری،
 و با جنگ،
 سرکشان را به اطاعت واداری...»

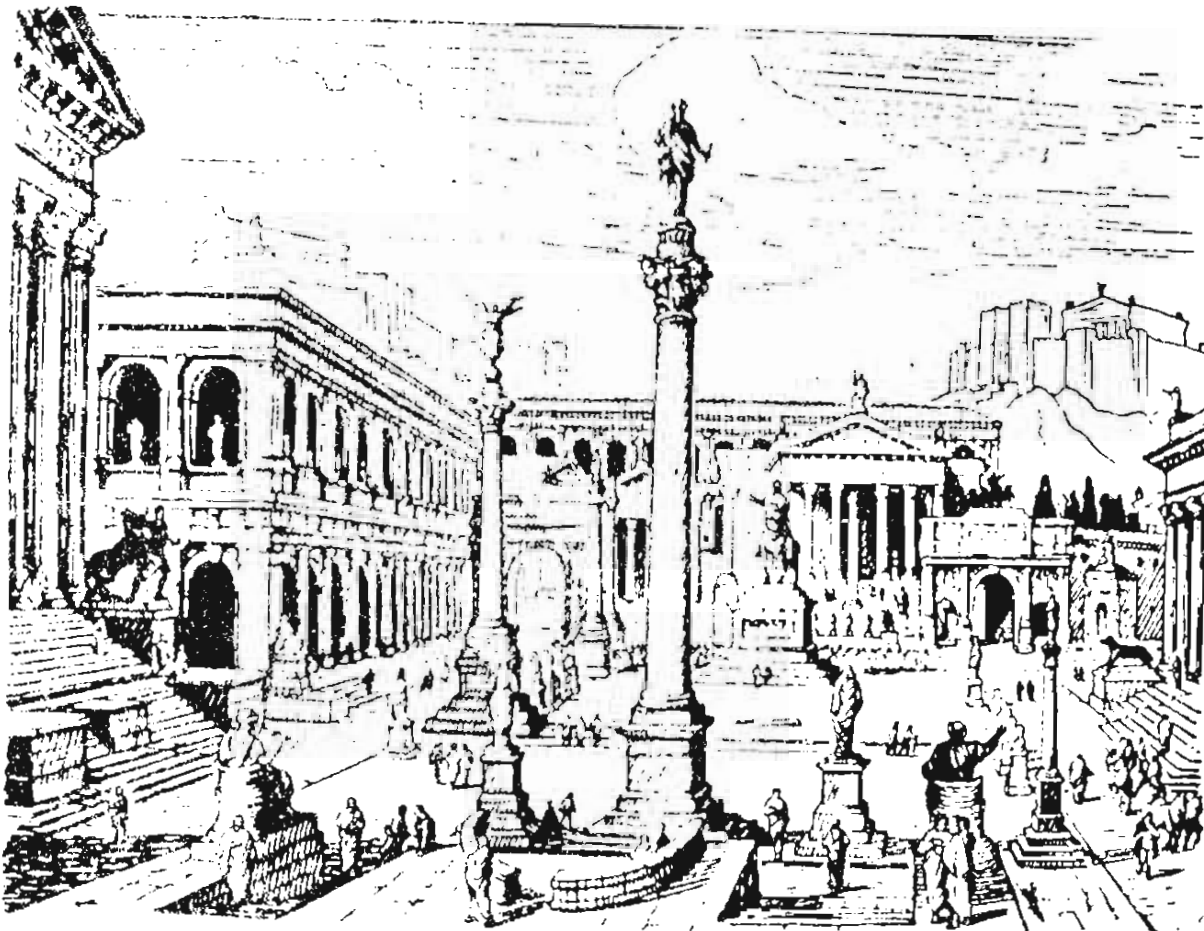
ویرگیل مداح او گوشت بود و میگفت که او عصر سعادت را برای زمین به ارمغان آورده است.
 هوراس هنوز نوجوان بود که ژولی سزار به قتل رسید. پس به سپاه سروتوس پیوست و به همراه او در نبرد، بزرگ شد. او بعدها «ساعات وحشتناک نبرد» را چنین بخاطر می‌آورد:
 گریختم، ناپاکانه، سپر انداخته*
 لرزان به ندر و نیاز پرداخته...

1- Aenied

2- Aeneas

* ضرب‌المثل یونانی را به خاطر آورید: «باسپریاروی سپر»: م.

روم باستان ۱۰۷



تصویر شماره‌ی ۳۴

فروم در دوری امپراطوری

طرف چپ - ستون‌های معبدی دیده می‌شود که در روم، اوگوستوس مساحت سازه‌ی پشت ستون‌ها، بناهایی است که با طاق‌های درسی احاطه گردیده. در انتهای تصویر معبدی می‌بینیم که در فواره‌ها و طاق‌نصرت‌ها دیده می‌شود. طرف راست - ستون‌ها و مجسمه‌های امپراطور قرار دارد. در میدان، مجسمه‌های امپراطور و سرداران نظامی مشاهده می‌گردد. آخر سمت راست، دژ روستای کاپیتول دیده می‌شود. منظره‌ی این میدان توسط حصارهای باستان‌شناسی، دوباره سازی شده است.

هوراس با او گوست کنار آمد و به مدح امپراطور پرداخت.
 هوراس با نفرت از دراهزنان اسپارتا کوس و صحبت می‌کرد. او نوشت:
 تا زمانی که بر تمام جهان

۱۰۸ روم باستان

حاکم مطلق است شاه اوگوست،
 بن ترسم زهیج آشویی،
 صلح وهستی من ز قدرت اوست...

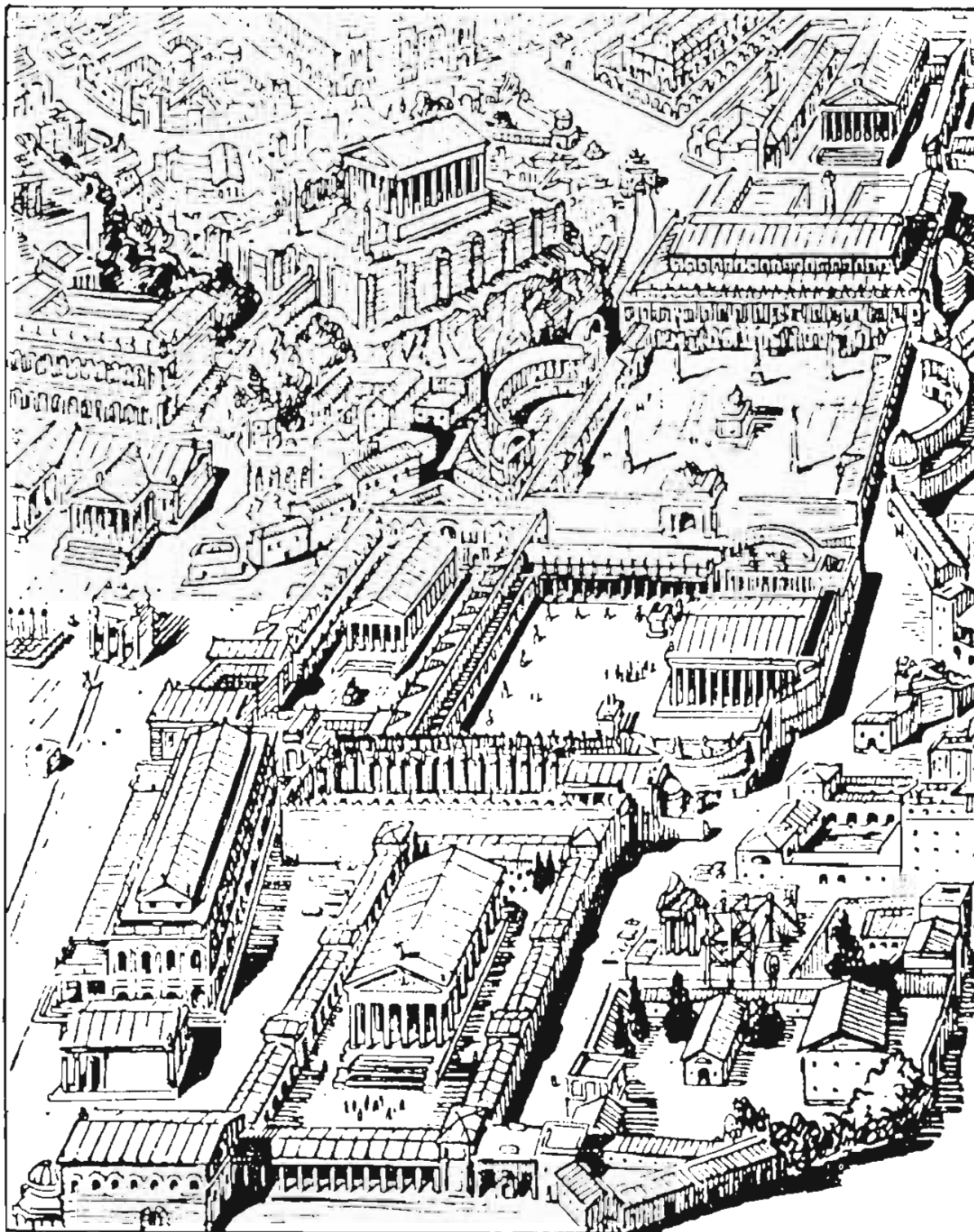
در این ابیات هوراس بیانگر کوشش برده‌داران رومی برای حفظ و تحکیم پایه‌های حکومت مطلقه‌ی امپراطور روم است.

۵- اهمیت فرهنگ روم

نه تنها در ایتالیا، بلکه در خارج از سرحدات آن نیز زبان لاتین روح وسیعی یافت. تا مدت‌های مدید، مردم تحصیل کرده‌ی اروپای غربی بدین زبان سخن گفته و می‌نوشتند. اکنون نیز در علوم معدن-شناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی اسامی به زبان لاتین بکار می‌رود. این اسامی و اصطلاحات برای دانشمندان کلیه‌ی کشورها مفهوم می‌باشند. بسیاری از واژه‌های زبان لاتینی به زبان ملت‌های کنونی راه یافته است. مثلاً واژه‌ی «اسکول - مدرسه»، «کلاس» «کریدور - کریدور»، «دیوکتور - مدیر، سرپرست». از آن جمله‌اند. در اتحاد شوروی، ملت‌های جماهیری که در حوضه‌ی بالتیک قرار دادند، از الفبای لاتین استفاده می‌کنند.

ما از سالنامه‌ی رومی استفاده می‌کنیم. در سالنامه‌ی رومی تغییر اندکی داده شده است. اسامی لاتینی ماه‌ها همچنان حفظ گردیده‌اند. واژه‌ی «ژوئیه» به افتخار ژولی سزار پدید آمد و ماه اوت - به افتخار «اوگوست» و سپتامبر یعنی «هفتمین» و اکتبر که «هشتمین» معنی می‌دهد (در روم ماه مارس نخستین ماه سال شمرده می‌شد). اشعار ویرگیل و هوراس، که بزبانی جالب و شیوه‌ای ظریف

نگاشته شده و نیز تألیفات بسیاری از شاعران و نویسندگان رومی، در



تصویر شماره‌ی ۳۶

منظره‌ی عمومی بخش مرکزی رم در زمان امپراطوری (تجدید بنا شده).

۱۱۰ روم باستان

حال حاضر هم چاپ و منتشر می گردد.
 رومیان در رشته‌ی معماری و هنر پرتسره سازی مهارت زیادی
 بدست آورده بودند. آنها کپیه‌ی بسیاری از شاهکارهای مجسمه‌سازان
 یونانی را که اصل آن از بین رفته بود، تهیه نمودند.
 ساختمان‌های عظیم رم، لوله‌کشی آب، معابد، آمفی تئاترها،
 طاق‌های قوسی - از ثمره‌ی کار بردگان بیشمار و در قبال غارت
 بی‌رحمانه‌ی ملت‌های شکست‌خورده، پدید آمدند.

از یادداشت‌های «اعمال خدایگان اوگوست»

بر اساس نوشته‌ی ذیل، در مورد زندگی ساکنان رم در قرن اول
 میلادی چه تصویری حاصل می‌کنید؟ در مورد دارائی اوگوست و وضع
 او در حکومت رم چه چیزی می‌توانید بیان نمایید؟

«من، بر طبق وصایای ژوای سزار، به هر نفر سیصد سسترس
 (سکه‌ی نقره‌ای روم) صدقه دادم. مسوقتی که برای
 پنجمین بار کنسول شدم، از غنائیم جنگی به هر فرد
 چهارصد سسترس بخشیدم و در یازدهمین بار کنسولی
 خویش، من دوازده بار نانی را که از پول من خریداری
 شده بود بین فقرا تقسیم نمودم و وقتی که من برای
 دوازدهمین بار تریبون شدم، سه بار به هر نفر چهارصد
 سسترس صدقه دادم، این صدقات من هیچ‌گاه نصیب
 عده‌ای کمتر از دویست و پنجاه هزار نفر نمیشد. وقتی
 که من برای هیجدهمین بار تریبون شدم و دوازدهمین
 بار کنسول، به هر یک از سیصد و بیست هزار نفر فقیران
 شهر، دویست و چهل سسترس به صدقه نثار کردم و به
 هر یک از سربازان خود از غنائیم جنگی هزار سسترس

بخشیدم و این هدیه را قریب صد و بیست هزار تن، دریافت داشتند. در سیزدهمین بار کنسولی خویش بود که به هر نفر از يك جماعت دویست هزار نفری، دویست و چهل سترس اهداء کردم. پول زمین‌هائی را که من بین سربازان تقسیم کردم، از خزانه‌ی خود پرداختم. این پول به هشتصد و شصت میلیون سترس بالغ شد. من برای اینکه سربازانم را پاداشی داده باشم، از دارائی خود صد و هفتاد میلیون سترس خرج کردم.»

پرسش و تمرین:

- ۱- بناهای رومی و یونانی را مقایسه کنید. رومیان چه تغییری در سبک معماری یونان دادند؟ چه چیز تازه‌ای در معماری بوجود آوردند؟
- ۲- چه چیز تازه‌ای به هنر مجسمه‌سازی افزودند؟
- ۳- هنر چگونه برای تحکیم حکومت مورد استفاده قرار می‌گرفت؟
- ۴- شاعران محفل «میسهناس» از منافع چه کسانی دفاع می‌کردند؟ از روی آثار آنها، مثال بزنید.

فصل پنجم

انحطاط وانهدام امپراطوری روم

بند سیزدهم

آغاز انحطاط امپراطوری برده‌دار روم در قرن سوم میلادی

بخاطر آورید: رم از کار بردگان درچه رشته‌های اقتصادی بهره می‌گرفت؟ چرا از کار بردگان آنهمه استفاده می‌شد؟ (بند ۶، ماده ۲).
در قرن دوم میلادی، امپراطوری روم، بزرگترین و نیرومندترین دولت جهان بود. معذک رشد تعداد بردگان در رم، نیروی آن را پیوسته تحلیل می‌برد و اقتصادش را به انحطاط می‌کشاند.

۱- کار بردگان

اگرچه کار بردگان برای برده‌داران ارزان تمام می‌شد، ولی در عوض، بدکار می‌کردند. برای بردگانی که زمین را عمل می‌آوردند،

روم باستان ۱۱۳

تفاوت نداشت که محصول خوب باشد یا بد، بیش باشد یا کم. هرچقدر هم که بردگان با دلموزی بیشتری کار میکردند، باز چیزی جز لقمه‌ای نان بخور و نمیر، نصیبشان نمی‌شد و جز پلاسی تنشان را نمی‌پوشاند. بدین جهت بردگان میکوشیدند که تا حد امکان آهسته و بدتر کار کنند، آنها که چشم دیدن اربابان خود را نداشتند، ابزار کار را می‌شکستند و احشام را معیوب میکردند.

يك برده‌دار قرن اول میلادی کار بردگان را چنین وصف کرده است: «بردگان آفتی بزرگ برای مزارع هستند. گاوان نر و بقیه‌ی احشام را بد میچرانند، زمین را بطور احمقانه‌ای شخم میزنند، مراقبت نمیکنند که بذری که روی زمین پاشیده شد، خوب عمل آید و خود، غله را میدزدند و غله‌ی دزدیده شده را نیز از دزدان ناشی دیگر میربایند».

۲- بردگی - سدی در راه پیشرفت اقتصاد

در شرایط رژیم برده‌داری امکان نداشت که زمین را بهتر از این عمل آورد و اختراعات جدید را بکار گرفت و نژاد حیوانات را بهبود بخشید. این اطمینان نیز وجود نداشت که ابزار کار گرانها را که شکستنشان امکان‌پذیر بود و نیز گله‌های با ارزش را، بدست بردگان سپرد.

در رم گاو آهن پیچیده‌ای اختراع شده بود که با استفاده از آن خاک بمراتب بهتر بعمل می‌آمد. لیکن این گاو آهن را بطور کلی در آن ایالاتی بکار میبردند که دهقانان آزاد زندگی می‌کردند. بردگان با

همان گاو آهن کهنه‌ی سنگین کار می‌کردند. يك چرخ آبی نیز اختراع شده بود و روی رودخانه‌های امپراطوری روم آسیاهای آبی پدیدار شده بودند، لیکن برندگان اکثراً با همان آسیاهای دستی گندم را آرد می‌کردند. در کار گاه‌ها، در معادن و در تمامی نقاط رم کار با ساده‌ترین و خشن‌ترین ابزارها صورت می‌گرفت. بردگی از پیشرفت تکنیک جلو گیری می‌کرد، زمین را از حاصل-بخشی بسیار باز میداشت و محصول را سال به سال بدتر میکرد. معاصرین نوشتند که «زمین اگر دهقان رویش کار کند، حاصل بخش می‌شود و اگر برده آن را بعمل آورد، بسی محصول». تعداد برندگان در ایتالیا بیش از همه جای دیگر بود و بدین سبب انحطاط اقتصاد هم شدیدتر. بتدریج دیگر کار بردگان برای برده‌داران سودی نداشت. علاوه بر این، داشتن برده‌ی زیاد نیز خطرناک شده بود. برده‌داران می‌گفتند: «هرچه بردگان زیادتر باشند، دشمنان فزون‌ترند».

۳- کولون‌ها و «کلبه‌داران»

هنوز در همان قرن اول پیش از میلاد بود که پس از قیام بزرگ بردگان، بعضی از برده‌داران ترسیده و شروع کردند به اجاره دادن قطعات کوچک اراضی خویش به فقیران آزاد (غیر برده). مستاجر پس از اینکه سهم مالک را از محصول زمین می‌پرداخت بقیه را خود بر میداشت. بدین جهت يك مستاجر بهتر از يك برده زمین را بعمل می‌-

آورد. مستأجران خرده را در روم، کولون^۱ مینامیدند. در قرن اول میلادی تعداد کسولونها هنوز زیاد نبود. در قرن دوم میلادی بمراتب افزون تر شدند. و دیگر بسیاری از برده داران، اراضی خود را به قطعات کوچک تقسیم کرده، اجاره میدادند. کولونها ابزار کار، احشام و بذر را از صاحب زمین به عاریه میگرفتند، ولی نمی توانستند دین خود را بپردازند، زیرا که محصول زمین به زحمت میتواند کفاف استهلاك دیون آنها را بدهد. کولون مدیون حق خروج از ملك را نداشت. او كاملا به مالك زمین وابسته میشد.



تصویر شماره ی ۳۶

کولونها سهمیه ی ازیاب را به وی می دهند.

نقش برجسته ی رومی

کولونها به عنوان سهم ازیاب، اغلب اوفان، مرغ و جروس و جوجه بر عهده کوچک می آوردند یکی از کولونها در ماهی بزرگ حمل می کند و دیگری سدی پر از نهم مرغ برای ازیاب آورده است.

بعضی از برده داران به بردگان نیز قطعات کوچکتري از اراضی و ابزار کار و بذر اجاره و عاریه می دادند و به بردگان اجازه میدادند که

1. Colon

مزرعه و خانواده داشته باشند. آنها روی این امر حساب می کردند که بردگانی از این قبیل بهتر کار می کنند و فرار نخواهند نمود و در پی انتقام گرفتن از اربابان خویش برنخواهند آمد. اینگونه بردگان را «برده‌های کلبه‌دار» مینامیدند.

۴- قیام‌ها در امپراطوری

اگرچه بردگان موبوق شده بودند بعضی از جنبه‌های زندگی خویش را بهبود بخشیدند، ولی وضع آنها کما فی السابق دردناک بود. برده بسان گذشته تحت تسلط ارباب قرار داشت. وضع کولون‌ها نیز از وضع بردگان بهتر نبود.

مبارزه‌ی برده‌ها با ثروت‌مندان همچنان ادامه داشت. کولون‌ها نیز در این مبارزه شرکت می‌جستند. در نواحی مختلف امپراطوری شعله‌های قیام زیبانه میکشید.

مهم‌ترین قیامی که روی داد در اواسط قرن سوم میلادی شروع شد. آتش قیام تمامی سرزمین گول را در بر گرفت. قیامیان خود را «باگائوده‌ها» که به معنای «جنگ‌جویان» است، مینامیدند.

چوپان‌ها نیروی سوار و دهقانان نیروی پیاده‌ی آنها را تشکیل میدادند. آنها املاک برده‌داران را به آتش میکشیدند و اموالشان را بین خویش تقسیم میکردند.

قیام بزرگی نیز در آفریقای شمالی روی داد. در خود رم هم پیشه‌وران و بردگان به قیام برمیخاستند. آنها در تپه‌های رم پنهان شده و در معابر و میدانهای شهر به نیروهای بی‌امانی دست میزدند.

روم باستان ۱۱۷

ولی امپراطوری روم هنوز ارتش عظیمی در اختیار داشت و از حمایت برده‌داران برخوردار بود. ارتش با بی‌رحمی تمام سکنه‌ی نقاطی را که به‌اشغال شورشیان درمی‌آمد، تیرباران مینمود. حکومت روم با سنگدلی و حشتناکی قیام ستم‌دیدگان را سرکوب میکرد.

پرسش و تمرین:

- ۱- چرا در قرون دوم و سوم میلادی، بردگی از پیشرفت تکنیک جلوگیری می‌کرد و اقتصاد روم را به‌سوی انحطاط می‌کشاند؟
- ۲- چه چیزی برده‌داران را مجبور کرد که اراضی را به‌اجاره دهند و از بردگان برای حفظ اقتصاد خود استفاده کنند؟
- ۳- وضع کولون‌ها چه تفاوتی با وضع دهقانان داشت؟
- ۴- به‌تصویر رنگی شماره‌ی یک نگاه کنید، بگویید که اگر کولون‌ها در این ملک کار می‌کردند، چه تغییراتی حاصل می‌شد؟

بند چهاردهم

پیدایش مسیحیت*

بخاطر آورید: چه داستان‌هایی در مورد مرگ و از مرگ برخاستن خدایان میدانید؟ این داستانها چگونه بوجود آمدند؟ (بند ۱۰، ماده ۳، بند ۵، ماده ۲).

۱- علت پیدایش مسیحیت

طغیان بردگان و کولون‌ها در امپراطوری روم با شکست روبرو می‌شد. امپراطوری روم شکست‌ناپذیر جلوه می‌کرد. فقط مرگ قادر بود برده‌ها و کولون‌ها را از کار طاقت‌فرسا و از توهین و تحقیر برهاند. آنها امید خود را نسبت به این امر از دست داده بودند که مبارزه با ستم‌گران می‌تواند در راه بهبود وضعیتشان مؤثر باشد. اعتقاد به خدایان

• قبل از مطالعه‌ی این بند، به جلد اول، صفحه ۴۹، بند ۲ مراجعه فرمایید. م

قدیمی، که نتوانسته بودند زندگیشان را بهتر سازند نیز از بین رفته بود.

در میان ستم‌دیدگان اعتقاد به خداوندی مهربان و توانا که قادر است آنها را از بند ستم نجات دهد و به رنج و محنت ایشان یادرزمین و یا پس از مرگ در بهشت پایان بخشد، قوت می‌گرفت. ستم‌دیدگان، با صبوری منتظر ظهور این خدای مهربان بودند.

۲- مسیح

در قرن اول میلادی این خبر منتشر شد که خداوند پسر خویش را بشکل انسانی به فلسطین فرستاده و او بخاطر آن بزمین آمده تا بردگان و فقیران را مدد رساند. او را عیسی مسیح میخواندند و میگفتند که حاکم رومی وی را به صلیب کشیده و عیسی، بدلخواه، این رنج و مصیبت را تحمل کرده است و نیز گفته می‌شد که پس از مرگ به آسمان پرواز نموده و وعده داده است که بزودی باز خواهد گشت و داوری خویش را در مورد روح آدمیان آغاز خواهد نمود و هر کسی که رنج و درد را تحمل کند و عیسی را به پسری خداوند بپذیرد، بهشت جاودان را نصیبش خواهد کرد و بقیه را به عذابی الیم و ابدی محکوم خواهد ساخت.

در قرون دوم الی سوم میلادی این اخبار به نوشته آمد و مجموعه‌ی این نوشته‌ها انجیل نام گرفت که بزبان یونانی به معنای «خبر خوش، بشارت» است. و این بشارت نیز همانی بود که ستم‌دیدگان، صبورانه منتظر دریافتش بودند.

۱۲۰ روم باستان

در انجیل‌های مختلف، زندگی عیسی به اشکال گوناگون تجلی میکند. ولی مأخذ تمامی آنها را مرگ و ازمرگ برخاستن اوسیریس^۱ و دینونیوسوس^۲ و غیره تشکیل میدهد.

۳- اشاعه‌ی مسیحیت

پس ستم‌دیدگان بامیل و رغبت‌خورد را به حکایات تسلی‌بخش انجیل سپردند. زیرا که در این حکایات وعده داده می‌شد که آنها، بخاطر رنج و عذابی که می‌کشند، به بهشت خواهند رفت و ظالمان و ستم‌گران کیفر خواهند دید. مردمانی که به انجیل باور داشتند، مسیحی نامیده میشدند. بدینسان بود که اعتقاد به مسیح - یعنی - مسیحیت - در میان فقیران و بردگان آسیای صغیر و مصر و سپس یونان و ایتالیا قوت گرفت. در میان مسیحیان هم یهودیان و یونانیان دیده می‌شدند و هم رومیان و مصریان و گول‌ها و هم افراد متعلق به ملیت‌های دیگر.

چون مسیحیان به‌خدای یگانه اعتقاد داشتند، از خم‌شدن در مقابل امپراتوران سر باز میزدند و به‌همین جهت، مورد تعقیب آنها قرار داشتند. پس مسیحیان مخفیانه گرد می‌آمدند و بیشتر در زیرزمین‌ها و در غارها انجمن میکردند و در این بیغوله‌ها دست‌زاری و التماس بلند مینمودند و به‌قرائت انجیل گوش میدادند.

۴- مسیحی شدن ثروتمندان

در قرن سوم میلادی امپراطوری روم باخطر آشوب روبه‌رو

1- Osiris 2- Dionysius

گردید. در جریان طغیانها ثروتمندان نه تنها ملك و دارائی، بلکه جان خویش را هم از کف میدادند. قبایل متحد شده به امپراطوری حمله می نمودند و کشور را بی رحمانه به ویرانی می کشیدند. تمام این وقایع اطمینان ثروتمندان را به فردایشان سلب کرده بود. آنها نمیدانستند فردا زنده خواهند بود و دارائیشان از چپاول در امان خواهد ماند یا خیر. همه در ورطه‌ی يك اضطراب دایمی غوطه میخوردند.

پس ثروتمندان نیز بسان فقیران دل بهزندگی پس از مرگ خوش کرده و بدینسان، خود را تسلی میدادند.

علاوه بر این، ثروتمندان به عینه مشاهده می کردند که مسیحیت، بردگان و ستم دیدگان را به تسلیم و بردباری و در نهایت امر به عدم مبارزه با برده داران دعوت میکند. بدین جهت برده داران نیز به بردگان پیوستند و مسیحی شدند.

برای تجاری که به شهرهای مختلف آمد و شد داشتند، مفیدتر این بود که مسیحی شوند، چون اهالی مسیحی شهرها با میهمان نوازی خاصی از ایشان در خانه‌هایشان پذیرائی میکردند و به آنها در کار تجارتشان مدد می‌رساندند.

۵- کلیسای مذهبی

افراد ثروتمند بین مسیحیان نفوذ فراوانی بدست آورده بودند. معمولاً کشیش‌ها که نماز جماعت را اداره می‌کردند و اسقف‌ها، از میان ثروتمندان برگزیده می‌شدند. کشیش یعنی مرد روحانی و اسقف بزبان یونانی یعنی «نکهبان». مسیحیان ملزم بودند که بدون قید و شرط

از اسقف‌ها اطاعت کنند.

در اواخر قرن سوم میلادی در امپراطوری روم مسیحیت انتشار چشم‌گیری حاصل کرد. مسیحیان شهرهای مختلف، بین یکدیگر ارتباط برقرار نموده و سازمانی مخفی بوجود آورده بودند. در این سازمان ده‌ها اسقف و کشیش و صدها هزار مؤمن به مسیحیت عضویت داشتند. نام این سازمان کلیسا بود. و کلیسا به معنای محل عبادت است. بعدها کلیسای مسیحی دارای چنان قدرت عظیمی شد که حتی امپراطوران نیز فاقد آن بودند.



معدن سنگ رم

به خاطر آن که سالیان دراز، از سنگ این معادن استفاده می‌شد، کربدورهای زیرزمینی عظیمی درست شده بود که مجموع طول آن‌ها به ۵۰۰ کیلومتر می‌رسید.



پرسش و تمرین:

- ۱- چرا ستم‌دیدگان مسیحی شدند؟
- ۲- چرا حکایات انجیل با شرح اوسیریس و دیتونیوس شباهت دارد؟
- ۳- مسیحیان در ابتدا چه ترکیبی داشتند؟ بعد چه تغییراتی در ترکیب آن‌ها حاصل شد؟
- ۴- مفهوم کلیسا را بیان کنید.

روم باستان ۱۲۳

بند پانزدهم

بدتر شدن وضع امپراطوری روم در قرن چهارم میلادی

بخاطر آورید: مذهب چه نقشی در کشورهای جهان باستان ایفا
میکرد؟ (بند ۱۱، ماده ی ۲۰ و بند ۱۶ جلد اول).

۱- حکومت امپراطوری در قرن چهارم میلادی

امپراطوران روم تلاش می کردند پایه های حکومت خود را محکم
سازند و از این اعتقادات برای مطیع نگامداشتن توده های خلق استفاده
برند.

در اواخر قرن سوم میلادی بود که ارتش امپراطوری وسعت
خاصی گرفت دیگر اتباع خود امپراطوری برای پر کردن ارتش کفاف
نمیدادند. پس امپراطوران ارتش های کاملی مرکب از افراد قبایلی که

۱۲۴ روم باستان

در سرحدات کشور زیست میکردند، اجیر می نمودند، برای پرداخت مزد اجیر شدگان، به پول کلانی احتیاج بود. تمامی سکنه‌ی شهر و روستا مجبور بودند مالیات زیادی بپردازند و بدین جهت دامنه‌ی نارضائی مردم وسعت می گرفت. تعداد زیادی مأمور مخفی بوجود آمدند که «کجکاوان»^۱ نامیده میشدند. وظیفه‌ی آنها پیدا کردن افراد ناراضی بود.

امپراطور خود را فرزند ژوپتر اعلام کرده بود و مردم مجبور بودند در مقابل او، بسان خدایان، سربخاک ساینند. امپراطور بعنوان ابراز عنایت خاصه‌ی خویش، به اشراف زادگان اجازه میداد پا یا گوشه‌ی لباسش را بیوسند.

۲- تشدید نسیم بر توده‌های ملت

در آغاز قرن چهارم میلادی بود که سردار پرتحرر کی بنام کنستانتین^۲ حکومت امپراطوری را تصرف کرد.

کنستانتین مردی بود بغایت بی رحم و عهدشکن: بخاطر کسب قدرت از هیچ جنایتی ابا نداشت: رقبای خود را میکشت، عهدش را می شکست و حتی روزی دستور داد فرزندش را که خیال میکرد در پی خلع قدرت اوست، بکشند.

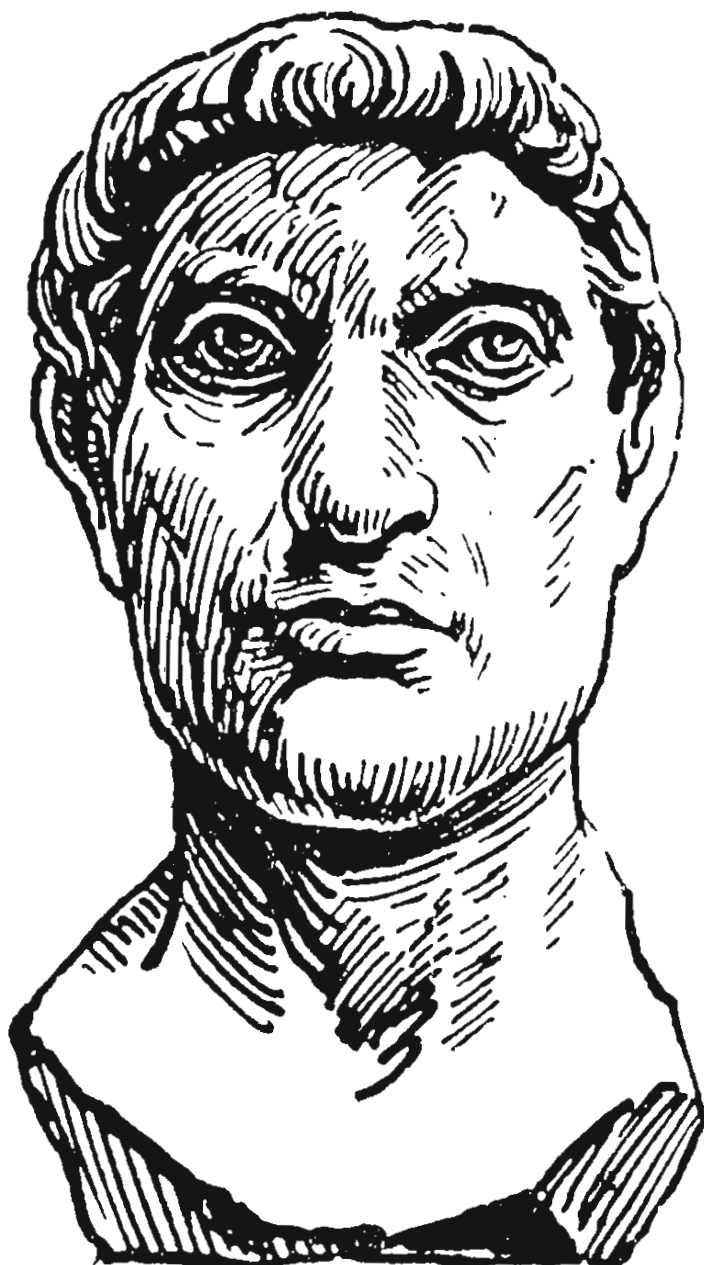
کنستانتین نسبت به زحمتکشان رفتار بی رحمانه تری داشت. برای اینکه منافع صاحبان املاک و ثروتمندان حفظ شود، قانونی وضع کرد که بموجب آن هیچ یک از کولون‌ها حق نداشت مزرعه و یا ملک

1- Inquisitor

2- Constantine

را ترك كند. آن كولو.نی که از محل کار خود فرار میکرد، باز گردانده شده و به زنجیر کشیده می شد.

کارگران نیز بسان بردگان، در کارگاههای امپراطوری داغ



تصویر شماره ی ۳۸

امپراطور - کنستانتین

تندیس از روم باستان

میخوردند و نشان‌دار می‌شدند. مالیات‌ها بشدت افزایش می‌یافت و مردمی که قادر به پرداخت مالیات نبودند، حق نداشتند از محل سکونت خود به شهر دیگری عزیمت کنند و یا مشاغل خود را تغییر دهند. کودکان ایشان نیز مجبور بودند به همان کاری اشتغال ورزند که والدینشان بدان مشغول بودند.

۳- مسیحیت - مذهب اکثریت

کنستانتین برای تحکیم پایه‌های حکومت خود کلیسای مسیحی را مورد استفاده قرار داد. او درك کرده بود که مسیحیت بهتر از مذاهب دیگر می‌تواند بردگان و فقیران را به اطاعت از او وادار سازد. در سال ۳۱۳ میلادی بود که کنستانتین اجازه داد مسیحیان به آشکار، معابد خود را بسازند و دور هم جمع شوند. امپراطور و ثروتمندان پول و زمین در اختیار کلیسا قرار میدادند، کشیش‌ها و اسقف‌ها نیز در قبال این هدایا، سنگ تمام گذشته، به بردگان و فقیران می‌گفتند که بدون چون و چرا از امپراطور روم و اربابان خود، اطاعت کنند. با وجود ظلم و ستمی که کنستانتین بر مردم روا میداشت، مسیحیان او را «مقدس» مینامیدند.

کلیسای مسیحی در کار مبارزه با ستم‌دیدگان، به برده‌داران یاری میکرد. خود کلیسا نیز ثروت کلانی گرد آورده و به يك زمین‌دار و رباخوار بزرگ، تبدیل شده بود.

امپراطورانی که پس از کنستانتین براریکه‌ی قدرت نشستند، نیز از مسیحیان حمایت میکردند.

روم باستان ۱۲۷

مسیحیان با استفاده از حمایت امپراطوران، معاابد باستانی را ویران میکردند، مجسمه‌ی خدایان را خرد مینمودند، و بدینسان بسیاری از آثار برجسته‌ی هنری را به نابودی کشاندند.

مسیحیان در ضمن، با علم نیز درافتادند. آنها کتابخانه‌ی مشهور اسکندریه را سوزاندند و تألیفات علمی را در شهرهای دیگر نابود کردند و در خیابان اسکندریه، زن دانشمندی بنام اپاتیا^۱ را که اعتقادی به خدا نداشت و به همین جهت مورد خشم و نفرت جماعت مسیحی بود، قطعه قطعه کردند. اپاتیا نخستین دانشمندی بود که بدست مسیحیان کشته شد.

۴- ورشکستگی سکنه

اگرچه کلیسای مسیحی ستمدیدگان را از مبارزه باستم گران باز میداشت، لیکن نتوانسته بود نیروی مقاومت آنها را درهم شکند. مالیات‌های کلان نه تنها کولون‌ها و پیشه‌وران بلکه برده‌داران کوچک و متوسط را نیز ورشکست کرده بود.

بردگان، کولون‌ها و شهرنشینان مفلس به جنگال میزدند. آنها در واحدهای کوچکی گرد می‌آمدند به دولتیان و پولداران و به املاک برده‌داران و حتی به شهرها حمله می‌کردند.

یکی از اسقف‌ها با نفرت چنین نوشته است: «جسارت نوکران علیه اربابان خود فزونی میگیرد و بردگان علم رغم تعلیمات مسیح، نه تنها از خانه‌ی ارباب میگریزند، بلکه ارباب را غارت کرده، به‌وی

1- Ipathia

بی رحمانه حمله هم میکنند».

افلاس سکنه و مبارزه‌ی طبقاتی منجر به این شده بود که شهرها و حتی ایالات، متروک و خالی از سکنه شوند. خود رم نیز بتدریج به بیابانی برهوت مبدل میشد.

۵- انتقال پایتخت

از اواخر قرن چهارم میلادی بود که امپراتوران دیگر در رم زندگی نمیکردند، بلکه در ایالات ثروتمند شرقی میزیستند. کنستانتین در ساحل تنگه‌ی بوسفر^۱ شهری بنا کرد. قبلاً بجای این شهر یک کولونی یونانی واقع شده بود که بیزانت^۲ نام داشت.

بعدها شهری که بوسیله‌ی کنستانتین ساخته شد، بنام کنستانتینوپول^۳ یا قسطنطنیه مشهور گردید که معنای آن «شهر کنستانتین» است. با وجود ته کشیدن خزانه‌ی دولت، باز هم در قسطنطنیه کاخ‌ها و معابد مجللی ساخته شد. در سال ۳۳۰ میلادی پایتخت امپراتوری روم به قسطنطنیه منتقل گردید.

امپراتوران با وجود سرکوبی خشن ستم‌دیدگان و انکاء به کمک کلیسای مسیحی، موفق نشدند پایه‌های سست شده‌ی امپراتوری برده‌دار خود را تحکیم بخشند. اقتصاد امپراتوری به انحطاط چشم‌گیری دچار شد و مبارزات بی‌امان طبقاتی بین ستم‌کش و ستمگر، پایه‌های حکومت روم را باز هم سست کرد. در این اوقات که برای امپراتوری

1- Bosphorus

2- Bysantium

3- Constantinopole

زمان دشواری بود، حمله ژرمن‌ها به سرحدات امپراطوری قسور بالای قوز شد.

قوانین امپراطوری روم درباره‌ی کولون‌ها

يك كولون چه تفاوتی از لحاظ زندگی بایک برده داشت؟ قوانین امپراطوری روم از منافع چه کسانی حمایت میکرد؟ این موضوع از کجا درك میشود؟

کولون‌ها، بمثابه رشته‌ای از زنجیر بردگی ملزم به اجرای کلیه وظایفی میباشند که با پرداخت مالیات سالانه و با وضع ایشان، ارتباط دارد. امکان ندارد اجازه داده شود که کولون‌ها از طریق دادگاه، اسباب زحمت کسانی را فراهم آورند که حق دارند ایشان را به همراه ملک و مزرعه بفروشند. مالتف کردن اوقات شریف مالکان را در دادگاه‌ها ممنوع می‌سازیم. بگذار کولون‌ها بدانند که به چه کسی تعلق دارند و چه کسی صاحب آنان است.

این غیر انسانی است که زمین از نیروی کولونهای خود محروم شود و کولون‌ها به اراضی دیگری نقل مکان کنند و به مالکان خسارات کلانی وارد آورند، بدین سبب، ما، مقرر میداریم که کولون باید وابسته به زمین باشد. کودکان آنها نیز به همان زمین وابسته می‌باشند که زمانی والدینشان روی آن کار میکردند.

کولون‌هایی که به فکر فرار می‌افتند نیز باید بدان
بردگان، زنجیر شوند.

پرسش و تمرین:

- ۱- برده‌داران در اواخر قرن سوم و آغاز قرن چهارم میلادی به وسیله‌ی چه مذهبی تلاش می‌کردند وضع امپراطوری را تحکیم بخشند؟
- ۲- در قرن چهارم میلادی چگونه وضع کولون‌ها دگرگون شد؟
- ۳- کلیسای مسیحی در قرن چهارم میلادی چه تغییراتی کرد؟
- ۴- چند سال از برقراری رژیم جمهوری رم تا انتقال پایتخت به قسطنطنیه سپری شده بود؟

بندشانزدهم

ژرمن‌ها در نخستین قرن‌های میلادی

۱- مکان زندگی ژرمن‌ها

دو هزار سال پیش جای آلمان کنونی، جنگل‌های انبوه و باتلاق-های فراوانی قرار داشت. گاوهای وحشی، خرس‌ها و گرازها بر این جنگل‌ها حکومت می‌کردند.

بین رودخانه‌ی راین^۱ و الب^۲ بود که ژرمن‌ها زندگی می‌کردند. اراضی مشرق رود الب سکونتگاه اسلاوها بود.

ژرمن‌ها به قبایل بیشمار و قبایل هم به تیره‌های مختلف تقسیم می‌شدند. هر تیره‌ای، روستای جداگانه‌ی مخصوص بخود داشت. در میان جنگل‌ها و باتلاق‌ها، کلبه‌هایی که سقفشان با کاه پرشیده شده بود، فرار داشت.

1- Rhine 2- Elbi

۲- اقتصاد ژرمن‌ها

اراضی اطراف روستاها به تمام عشیره، متعلق بود. اعضای عشیره احشام خود را در آن به چرای می بردند، آنها با کار اشتراکی جنگل را عقب میراندند و در مزارعی که از اراضی جنگلی بدست می آمد، هر یک از خانواده‌ها، قطعه زمینی برای کشت دریافت میکرد.

ژرمن‌ها پس از دو الی سه سال استفاده از این اراضی، مزارع جدیدی برای خود فراهم میکردند.

آنها هیچگونه اطلاعی از تاک و تاکداری نداشتند. و در مورد باغداری چیزی نمیدانستند. در همان هنگام هم بین ایشان تساوی برقرار نبود، در میان آنها خانواده‌های اشراف وجود داشت. خانواده‌های اشرافی بزرگترین و بهترین قطعات زمین را تصاحب می کردند و گله ورمه‌ی آنها نیز بزرگتر از گله‌ی سایر خانواده‌های عشیره بود.

روی اراضی متعلق به اشراف مردمانی کار میکردند که در جنگها به اسارت گرفته شده بودند. تعدادشان زیاد، ولی زندگی‌شان بهتر از زندگی بردگان روم بود. به اسیر قطعه زمینی واگذار می شد که او، با کشت و زرع هم خود را سیر میکرد و هم بخشی از محصول را به ارباب میداد.

۳- چه کسی و چگونه بر قبایل و عشیره‌ی ژرمن حکومت میکرد؟

اشراف قدیمی‌تر ژرمن، قبیله و یا عشیره را اداره مینمودند.

روم باستان ۱۳۳

شورای تمام قبیله نیز از اینگونه افراد تشکیل می‌شد.
شورای شیوخ، مجلس ملی را دعوت به تشکیل می‌کرد. مردان قبایل، از روستاهای مختلف، در محوطه‌ی باز جنگل، گرد می‌آمدند، آنها امور مربوط به اعلام جنگ و یا عقد صلح را حل و فصل کرده، رهبران خویش را برمیگزیدند و بزه‌کاران عشیره را محاکمه نموده و طبق یک سنت ژرمنی، خائنین را بدرخت دار میزدند و ترسوها را توی باتلاق می‌افکندند.

در اجلاس، فقط اشراف‌زادگان حق سخن داشتند و بقیه، نظر خود را که یا موافق بود و یا مخالف، نسبت به پیشنهاد شیوخ ابراز می‌داشتند. اگر آنها موافق بودند، سلاح‌های خود را که هیچ‌زمان از آن دور نمیشدند، به صدا در می‌آوردند و مخالفت خود را با فریادهای کرکننده، ابراز می‌داشتند.

رهبران ژرمن نیز از میان اشراف انتخاب می‌شدند. رهبر برگزیده شده را روی سپر بلند میکردند.

۲- امور جنگی ژرمن‌ها

در موقع جنگ کلیه‌ی مردان ژرمن که قادر به حمل سلاح بودند، وارد ارتش میشدند. آنها در واحدهائی گرد می‌آمدند که از افراد قبایل و یا عشیره‌ی خودشان تشکیل می‌شد. ژرمن‌ها نیم‌برهنه می‌جنگیدند، سلاح عمده‌ی آنها را نیز تشکیل میداد.
هنگامیکه ژرمن‌ها به جنگ می‌رفتند، به افتخار خدای خود که



تصویر شماره‌ی ۳۹

اجلاس مجلس ملی

مردان ارمن در حاشیه‌ی باز جنگل کنار درخت بلوطی که مقدس شمرده می‌شد، اجلاس می‌کردند. در این تصویر دو نفر را می‌بینیم که با هم اختلاف دارند، برای حل اختلاف خود به پیرترین فرد حاضر در کنار درخت بلوط رجوع کرده‌اند، هر کدام از آن‌ها می‌گویند ثابت کند که حق خودشان است.

دونار نام داشت، سرود میخواندند. طبق باور آنها دونار با ریشه‌های قرمز رنگ بوسپله‌ی ارابه‌ی پرسروصدائی در آسمان رفت و آمد می‌کرد و به‌مراه رعد، چکش‌هایی از سنگ را پرتاب مینمود.

1- Donar

روم باستان ۱۳۵

ژرمن‌ها پس از نبرد هریک به روستاهای خود می‌رفتند و پراکنده می‌شدند. ولی بتدریج، رهبران ژرمن، گروه‌های نظامی دائمی ایجاد کردند. رهبران و گروه‌های نظامی آنها بطرز خوبی مسلح می‌شدند. آنها دارای اسب و شمشیرهای فلزی بودند. بخش اعظم غنایم جنگی نیز نصیب ایشان می‌شد.

گروه‌های مسلح رهبران و خود رهبران کار نمی‌کردند و بطور کلی به حساب غنایم حاصله، روزگار می‌گذرانند. جنگ بخاطر غارت دارائی دیگران، هدف اصلی آنها را تشکیل میداد.

رهبران و گروه‌های مسلح نه تنها به قبایل همجوار، بلکه به املاک



تصویر شماره‌ی ۴۱

بیاده نظام ژرمن
تصویر رومی

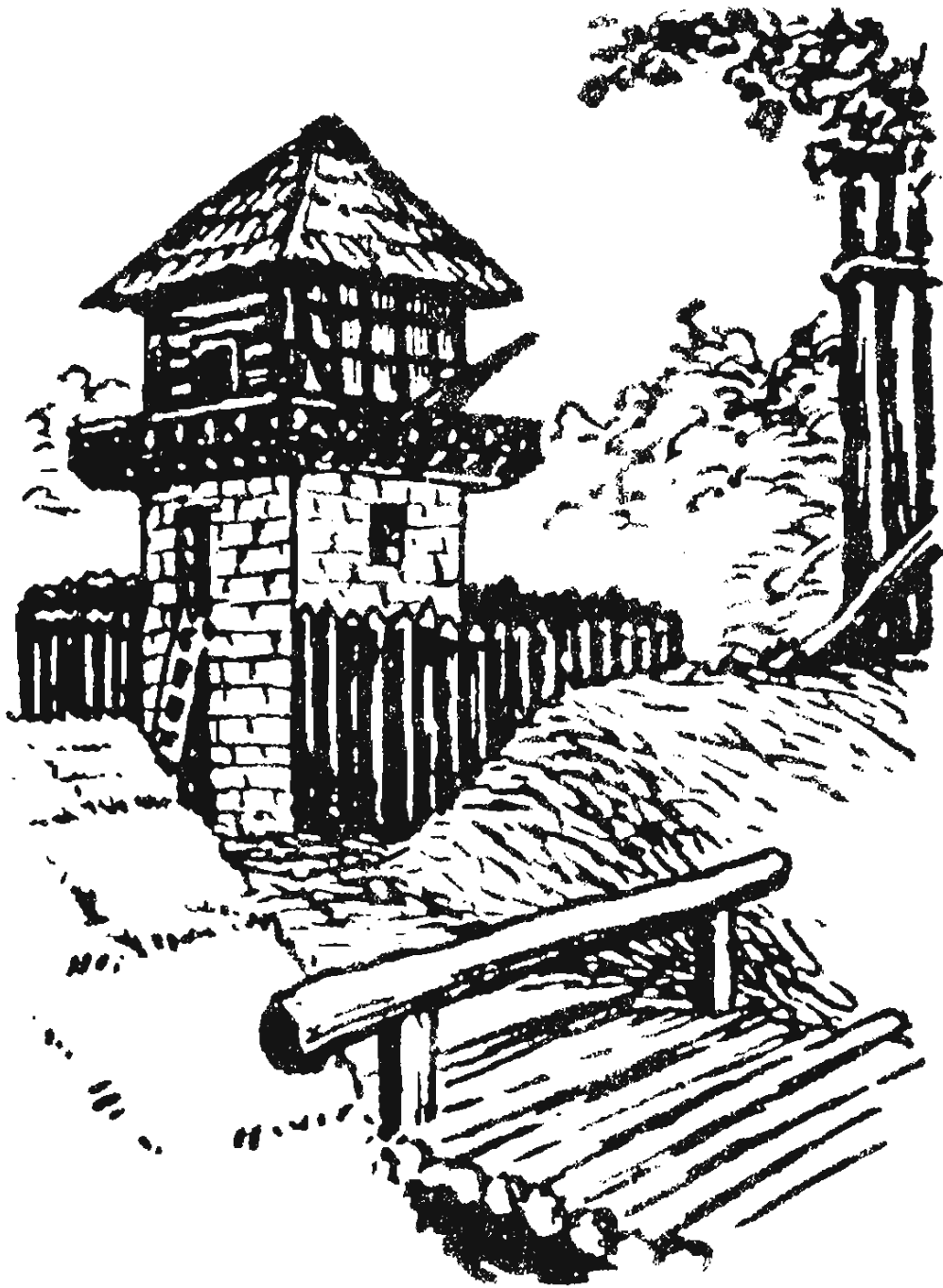


تصویر شماره‌ی ۴۰

بیاده نظام ژرمن
تصویر رومی

۱۳۶ روم باستان

متعلق بدروم نیز حمام میگرد...



تصویر شماره ۴۷

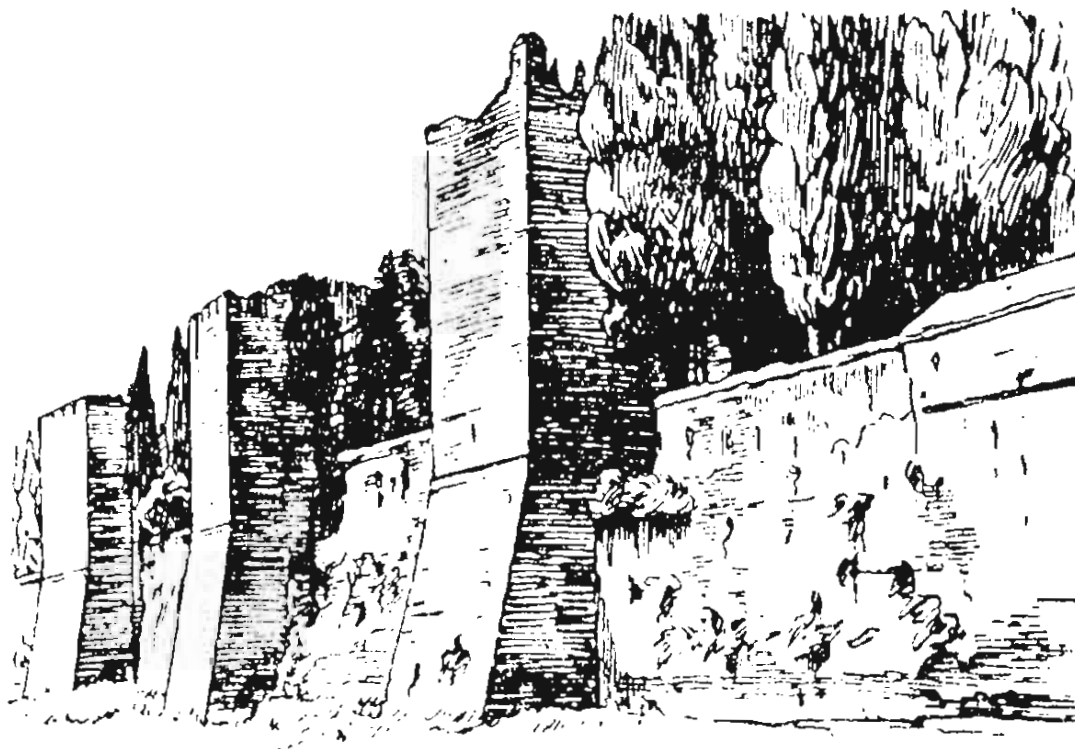
در این تصویر یک حمام و یک دروم دیده می شود.

دروم باستان ۱۳۷

۵- جنگ در سرحدات امپراطوری

خطر اصلی‌ای که روم را تهدید میکرد، تاخت‌وتاز گروه‌های مسلح نبود، بلکه یورش قبایل کامل ژرمن و سایر ملت‌هائی بشمار می‌آمد که در اروپا، در جوار مرزهای امپراطوری، زندگی میکردند. رومیان کلیه‌ی این ملت‌ها را بربر خطاب میکردند.

قبایل «بربر» در جست‌وجوی زمینی که به‌درد کشت و زرع بخورد، دائم در تغییر مکان بودند. پشت سر مردان جنگی آنها، گله و تخت روان زنها و بچه‌ها در حرکت بود. جلگه‌های امپراطوری تسوجه



تصویر شماره‌ی ۴۳

تصویر رومی دیوار دژ و برج روم

در قرن سوم میلادی رم با دیوارهای جدید سنگی و برج‌های نازه‌ای محصور شد. از روی نقشه‌ی شهر رم، دیوارهای آن را پیدا کنید. برای این کار به تصویر شماره‌ی ۲۷ مراجعه شود.

1- Barbar

۱۳۸ روم باستان

خاص «بربر»ها را جلب کرده بود. رومیان برای دفاع از سرحدات خود، دژهای محکمی برپا می کردند که در فواصل آن خندق‌هایی کنده شده و نرده‌های نیک‌تیزی در اطرافش کشیده می شد.

روی خاکریزها برج‌هایی ساخته می شد که نگهبانان از فراز آن ناحیه را زیر نظر می گرفتند.

در قرن‌های دوم - سوم میلادی، در امتداد مرزهای امپراطوری خطی متشکل از اینگونه استحکامات کشیده شده بود.

تقریباً همیشه در سرحدات امپراطوری روم جنگ بین رومیان و ژرمن‌ها و «بربر»های دیگر که می کوشیدند از خط استحکامات رومی بگذرند، جریان داشت.

لیکن در قرن‌های دوم و سوم هنوز امپراطوری روم از قدرت و نیروی کافی برای خنثی کردن حمله‌ی دشمنان خویش، برخوردار بود. بسیاری از «بربر»ها به اسارت افتادند و به بردگی رومیان کشیده شدند.

پرسش و تمرین:

۱- از کجا می توان معلوم داشت که درنخستین قرون میلادی، دیگر نظام جماعتی نخستین در میان ژرمن ها از هم پاشیده شده بود؟
برای پاسخ بدین سؤال به جدول ذیل توجه کنید:
آنچه را که از نظام جماعتی نخستین در میان ژرمن ها حفظ شده بود، توضیح دهید.

چگونه آن ها کوچ می کردند؟
زمین به چه کسی تعلق داشت؟
مسایل مهم تر قبیله را چه کسی حل می کرد؟
چه چیزی بیانگر گذار ژرمن ها از نظام جماعتی نخستین به نظام طبقاتی بود؟
آیا دارایی تمام عشیره یکسان و برابر بود؟
چه کسی غیر از اهل عشیره در مزارع کار می کرد؟
آیا تمام ژرمن ها در امور اداره ی قبیله، برابر بودند؟
نتیجه بگیریید که آیا بین ژرمن ها برابری وجود داشت؟

۲- در نخستین قرن های میلادی، زندگی ژرمن ها چه شباهتی با زندگی یونانی های عصر هومر داشت؟

۳- کدام یک از خدایان یونانی شبیه به دونار بودند!

۱۴۰ روم باستان

بند هفدهم

سقوط امپراطوری غربی روم

۱- افزایش حمله‌ی بربرها به امپراطوری

در قرن چهارم میلادی مخصوصاً حملات «بربر»ها به امپراطوری روم افزایش یافت. قبایل «بربر» تحت ریاست رهبران انتخابی خود، متحد شده و گروه‌های بزرگی از سپاهیان تشکیل داده بودند. ده‌ها و صدها هزار «بربر» استحکامات سرحدی روم را مورد حمله قرار میدادند: بارها از مرز میگذشتند، همه‌چیز را در سر راه خویش بنا بودی میکشاندند.

در ضمن، همچنانکه حملات «بربرها» دامن می‌گرفت، برعکس امپراطوری روم بدضعف و فتور میرفت. برای امپراطوری روم سال به سال مقابله با حملات و دفع یورش «بربرها» دشوارتر می‌شد. امپراطوران روم مجبور شده بودند تعدادی از قبایل «بربر» را برای دفاع از خویش

روم باستان ۱۴۱

در مقابل حمله‌ی قبایل «بربر» دیگر به امپراطوری، به ضرب پول اجیر کنند.

۲- تاخت و تاز گوت، ۲۵۱

قبیله‌ی ژرمنی گوت از امپراطوری اجازه یافت که در شبه جزیره‌ی بالکان سکوت کند. ده‌ها هزار گوت با اعضای خانواده‌ی خویش از سرحدات امپراطوری عبور کردند. مأموران امپراطوری به آنها وعده داده بودند که خواربار مورد نیازشان را تأمین کنند، ولی بوعده‌ی خود وفا نکردند. گوت‌ها که از گرسنگی بحال مرگ افتاده بودند، مجبور می‌شدند کودکان و دختران و یا خانواده‌ی خود را در قبال لقمه‌ای نان به بردگی بدهند.

پس آنها قیام کرده، بسوی قسطنطنیه به حرکت درآمدند. ارتش امپراطوری روم علیه آنها وارد میدان شد. در نبردی که در سال ۳۷۸ میلادی در حومه‌ی آدریانوپول در گرفت، ارتش امپراطوری بوسیله‌ی شورشیان گوت درهم کوبیده شد و خود امپراطور هم به قتل رسید.

۳- تقسیم امپراطوری

در سال ۳۹۵ میلادی بود که سرزمین روم به دو امپراطوری، یکی امپراطوری شرقی روم و دیگری امپراطوری غربی روم، تقسیم گردید. شبه جزیره‌ی بالکان، مصر و متصرفات آسیائی روم جزو امپراطوری شرقی روم شد. پایتخت امپراطوری شرقی همان قسطنطنیه باقی ماند. و ایتالیا و ایالات غربی روم در مصر و آفریقا در چهارچوب

1- Goth

۱۴۲ روم باستان

امپراطوری غربی گنجانیده شد. اوضاع امپراطوری غربی روم مخصوصاً وخیم بود. اقتصاد آن در گرداب انحطاط کامل فرو رفته و قیام‌هایی که روی میداد، آن را در خون غرق میکرد و یورش گوت‌ها ضربه‌ای خردکننده بر آن وارد آورد.

۲- تسخیر روم توسط گوت‌ها

گوت‌ها، آلاریک^۱ را بفرماندهی خود بر گزیده، به ایتالیا یورش آوردند. هیچ نیروئی وجود نداشت که از امپراطوری دفاع کند. امپراطور روم دریک دژ محکم: پنهان گردیده بود. برده‌داران بشدت خود را باخته بودند، ارتش مزدوری که بطور کلی از خود «بربر»ها تشکیل می‌شد، ارتشی غیر قابل اعتماد بود.

بردگان و کولون‌ها که چشم دیدن امپراطوری را نداشتند، به گوت‌ها می‌پیوستند. اکنون آن نیروهای بر علیه امپراطوری متحد میشدند که قبلاً جداگانه علیه آن مبارزه میکردند: «بربر»های بیگانه و ستم‌دیدگان خود امپراطوری.

در تمام ایتالیا رعدشورش به غرش در آمده بود، املاک برده‌داران به غارت میرفت و ثروتمندان و دولتیان قتل عام می‌شدند.

در سال ۴۱۰ بود که گوت‌ها رم را محاصره کردند. آلاریک جرأت نداشت به دیوارهای غیر قابل نفوذی که شهر را در احاطه گرفته و برج‌های محکمی داشت، حمله کند. ولی بردگان ستم‌دیده‌ای که در شهر رندگی میکردند، شبانه دروازه‌ی شهر را به روی آلاریک گشودند

1- Alaric

و گوت‌ها بدرون شهر سرازیر شد. آنها به اتفاق مرده‌ها سه روز تمام شهر رم را غارت می‌کردند و پس از چپاول و غارت، شهر و بستان و متروک را ترک نمودند.

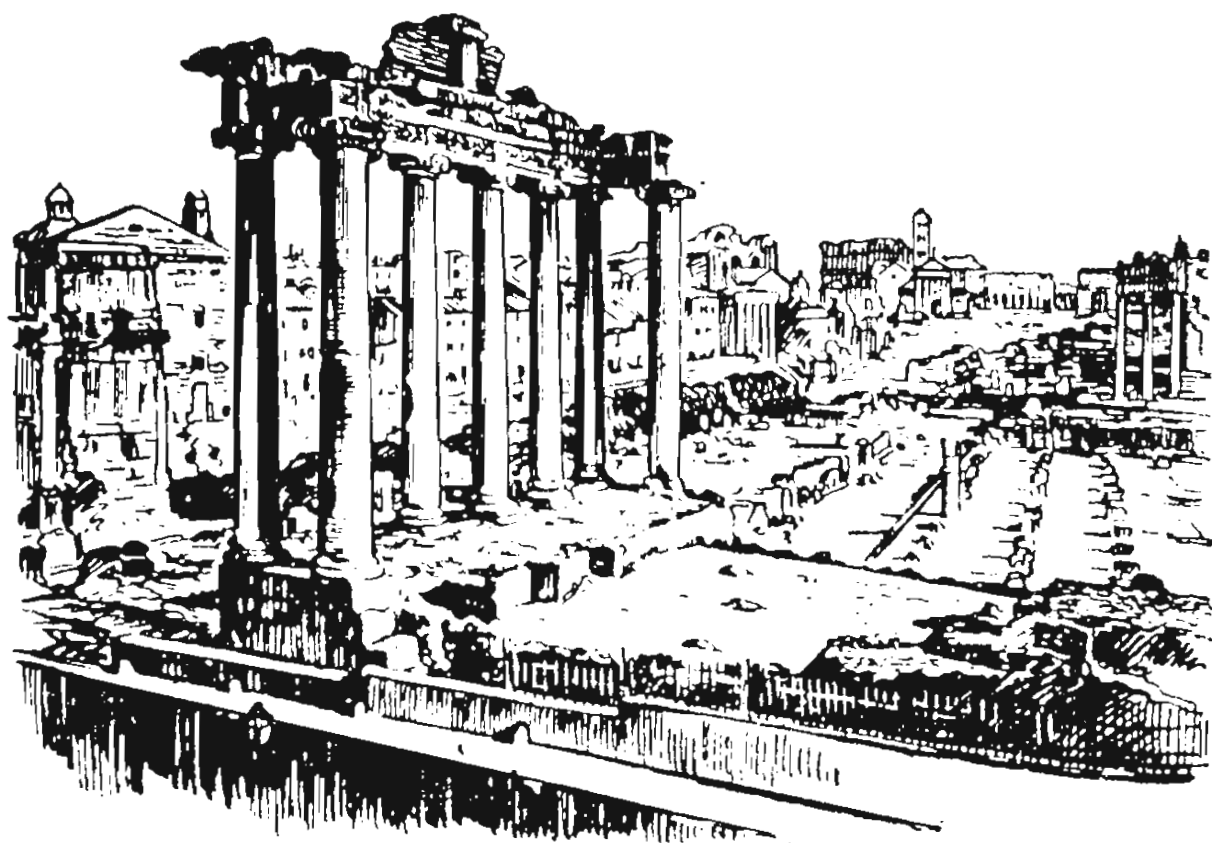
۵- یورش ژرمن‌ها به امپراتوری روم

بدنبال قبیله‌ی گوت، سایر قبایل ژرمن نیز هجوم خود را به امپراتوری غربی روم آغاز کردند. ژرمن‌ها بدون آنکه با مقاومتی جدی روبرو شوند، گول و اسپانیا را تسخیر کردند و از طریق اسپانیا به آفریقای شمالی نفوذ نمودند.



تصویر شهاده‌ی ۴۴

بهمن سرازیر شده‌ی یورش ژرمن‌ها سرتاسر امپراطوری رادر خودغرق کرد. ژرمن‌ها ضمن سکونت در اراضی حاصل‌خیز، تاکستانها را از بن‌ویران می‌کردند و از زمین آن برای کشت و پرورش جو و چاودار استفاده مینمودند و بیشه‌های درخت زیتون را تبدیل به مرتع میکردند. ژرمن‌ها به شهر احتیاجی نداشتند. هنگامیکه به سنگ نیاز پیدا میکردند تا دژی بسازند، از سنگ دیوارهای کاخ‌ها و معابد استفاده نمودند. بدین ترتیب بسیاری از شهرهای روم ویران شد و جای آن زمینی سرشار از علف‌های هرزه دامن گسترده در میان اینگونه ویرانی‌ها بود که کلبه‌ی ژرمن‌ها برپا می‌شد.



تصویر شماره‌ی ۴۵

روم ویران شده

روم باستان ۱۴۵

در اواسط قرن پنجم میلادی قبایل واندال^۱ ژرمن که در آفریقا شکل پذیرفته بودند، به ایتالیا سرآزیر شده و رم را گرفتند. سرکوبی و غارت شهر دو هفته طول کشید. واندال‌ها نه تنها شهر را غارت می‌کردند، بلکه به کاری که هیچ ضرورت نداشت، یعنی به ویران کردن شهر نیز دست زدند. آنها تندیس‌ها را خرد می‌کردند، کتابها را نابود می‌ساختند و خانه‌ها را به آتش میکشیدند. پس از تاخت و تاز واندال‌ها فقط هفت هزار نفر از اهالی رم زنده مانده بودند.^۲

در سال ۴۷۶ میلادی بود که آخرین امپراتور روم بوسیله یکی از رهبران ژرمن سرنگون شد، امپراتوری غربی روم، از عرصه‌ی خاک، پاک شد.

۶- اهمیت قیام‌ها و تاخت و تاز «بربرها»

سقوط امپراتوری غربی روم، که بزرگترین دولت برده‌دار جهان باستان بود، پایان تاریخ دنیای قدیم شمرده می‌شود. با سقوط امپراتوری روم نظام برده‌داری نیز در اروپای غربی از میان رفت. قیام‌هایی که در امپراتوری روم رخ میداد و تاخت و تاز «بربرها» به آن، نظام برده‌داری را که مانع پیشرفت و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی بود، در اروپای غربی نابود کرد و تاحدودی، شرایط زندگی بردگان و کولون‌ها را که در زیر زنجیر اسارت و ستم برده‌داران رومی از توان‌شده بودند، آسان‌تر ساخت.

1- Vandal

۲- واژه‌ی واندالیسم که در نتیجه‌ی ویرانی رم بدست واندال‌ها بوجود آمد به مفهوم نابود کردن بی‌رحمانه‌ی آثار هنری و سایر مظاهر فرهنگی است.

پرسش و تمرین:

- ۱- از روی نقشه نقاطی را پیدا کنید که در آن مردم امپراطور روم طی قرون چهاردهم و پنجم میلادی قیام می‌کردند.
- ۲- روی نقشه جهات اصلی یورش «بربرها» را به خاک امپراطور روم تعیین نمایید.
- ۳- چرا آلازیک توانست رم را بگیرد و سردار برجسته‌ای چون هانیبال بدین کار موفق نشد؟
- ۴- علل سقوط امپراطوری غربی روم را بیان کنید؟
- ۵- با در نظر گرفتن آغاز حکومت مطلقه‌ی او کتاویان، محاسبه کنید که چند سال حکومت وی دوام یافت.

نتیجه‌ی بخش «روم باستان»

نظام برده‌داری روم چه تفاوتی با نظام‌های برده‌داری شرق و یونان داشت؟

نظام برده‌داری، در قرن چهارم پیش از میلاد در شرق باستان بوجود آمد. در شرق باستان سنگینی کارهای دشوار - احداث سدها، کانال‌ها و سایر تأسیسات بزرگ - بردوش بردگان بود. کار عمده‌ی کشت و زرع را دهقانان و امور مربوط به حرفه و فن را پیشه‌وران آزاد انجام میدادند.

یونانیان کارهای دشوارتر را به عهده‌ی بردگان گذاشتند. بردگان یونانی در معادن کار میکردند و از نیروی آنها بطور وسیعی نیز در صنایع دستی استفاده می‌شد. در روم بود که نظام برده‌داری وسعت بیشتری حاصل کرد.

روم باستان ۱۴۹

پیروزی‌های روم باعث شد که سیل بردگان به ایتالیا سرآزیر شود. کار بردگان موجب گردید که افراد آزاد از کار در حیطه‌ی کشاورزی، صنایع دستی و ساختمانی خارج شوند. تعداد بردگان بقدری زیاد بود که برده‌داران رومی از وجود آنها برای تفریحات خونین خویش استفاده میکردند.

چه چیزی سبب شد نظام برده‌داری در اروپای غربی از میان برود؟

خود جریان رشد نظام برده‌داری بود که آن را بورطه‌ی نابودی و سقوط اجتناب‌ناپذیر کشاند.

در شرایط کار بردگان، بهبود تکنیک تقریباً غیرممکن گردیده بود. طرز استفاده از اراضی برای کشت و زرع بوسیله‌ی بردگان، خاک را از حیز انتفاع انداخته بود. بدین سبب اقتصاد امپراطوری روم، با انحطاط عمیقی روبرو گردید.

تجمع عظیم بردگان، که چشم دیدن اربابان خود را نداشتند، خطر بزرگی برای امپراطوری روم بوجود آورد. تازمانی که امپراطوری روم نیرومند بود، قیام‌های بردگان را اگرچه با دشواری، ولی سرانجام سرکوب میکرد. اما افلاس دهقانان در شرایط نظام برده‌داری، قدرت امپراطور روم را تحلیل برد.

با به وجود آمدن اتحاد بین قبایل «بربر»، تاخت و تاز آنها در سرحدات امپراطوری روم شدت گرفت.

قیام ستم‌دیدگان، بایورش «بربر»ها درهم آمیخت، امپراطوری

غربی روم را از هم پاشاند، نظام برده‌داری را ساقط کرد.
توده‌های مردم با ساقط کردن نظام برده‌داری روم، راه‌خود را
در اروپای غربی، بسوی بسط و ترقی هرچه بیشتر اقتصاد و فرهنگ
گشودند.

پرسش و تمرین:

۱- با استفاده از جدول وقایع مهم تاریخ روم باستان تعیین کنید که در این
کتاب، تاریخ روم، به چه دوره‌هایی تقسیم شده؟ از روی فصول کتاب توضیح
دهید که فصل‌ها مربوط به چه دوره‌ای هستند؟
(آ) روی نقشه خاک روم را از آغاز تا پایان دوره‌ی مربوطه، علامت‌گذاری
کنید.

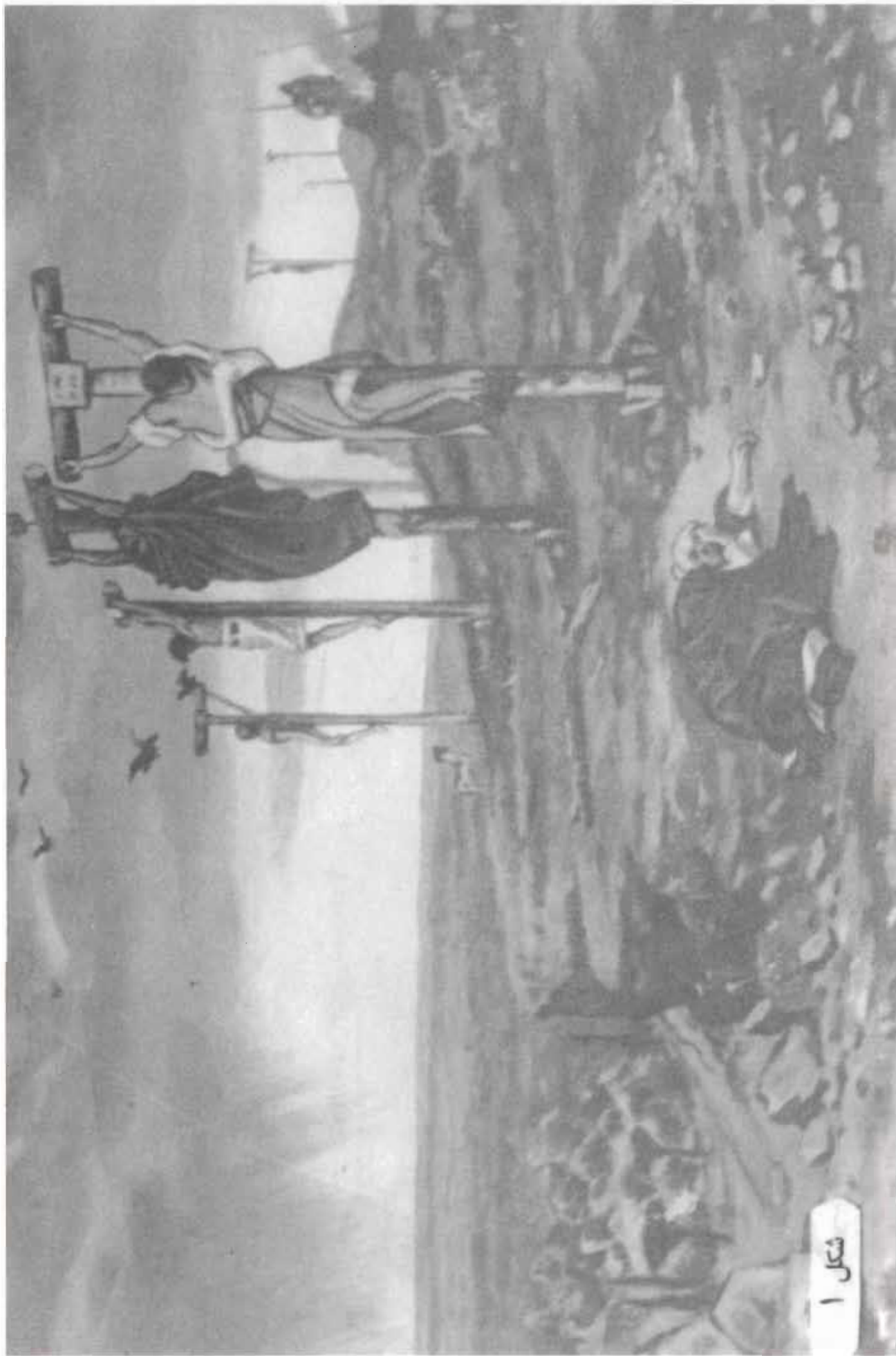
(ب) با در نظر گرفتن این امر معین کنید چه تغییراتی در وضع زندگی
زحمتکشان نسبت به دوره‌ی قبل حاصل شده است؟

(ج) بین کدام یک از طبقات و گروه‌های سکنه مبارزه درگیر بود؟ این مبارزه
چه هدفی داشت؟ در چه چیزی متجلی می‌شد؟

(د) سیستم حکومتی روم را شرح دهید. در دوره‌ی مورد نظر چه تغییراتی در
سیستم حکومتی روی داد؟ ارتش روم دوره‌ی مربوطه چه تغییراتی حاصل کرده
بود؟

(ه) در دوره‌ی مورد نظر، روم چه جنگ‌هایی برپا کرده بود؟ هدف این جنگ‌ها
چه بود؟

۳- روم باستان چه سهمی در فرهنگ جهانی داشت؟

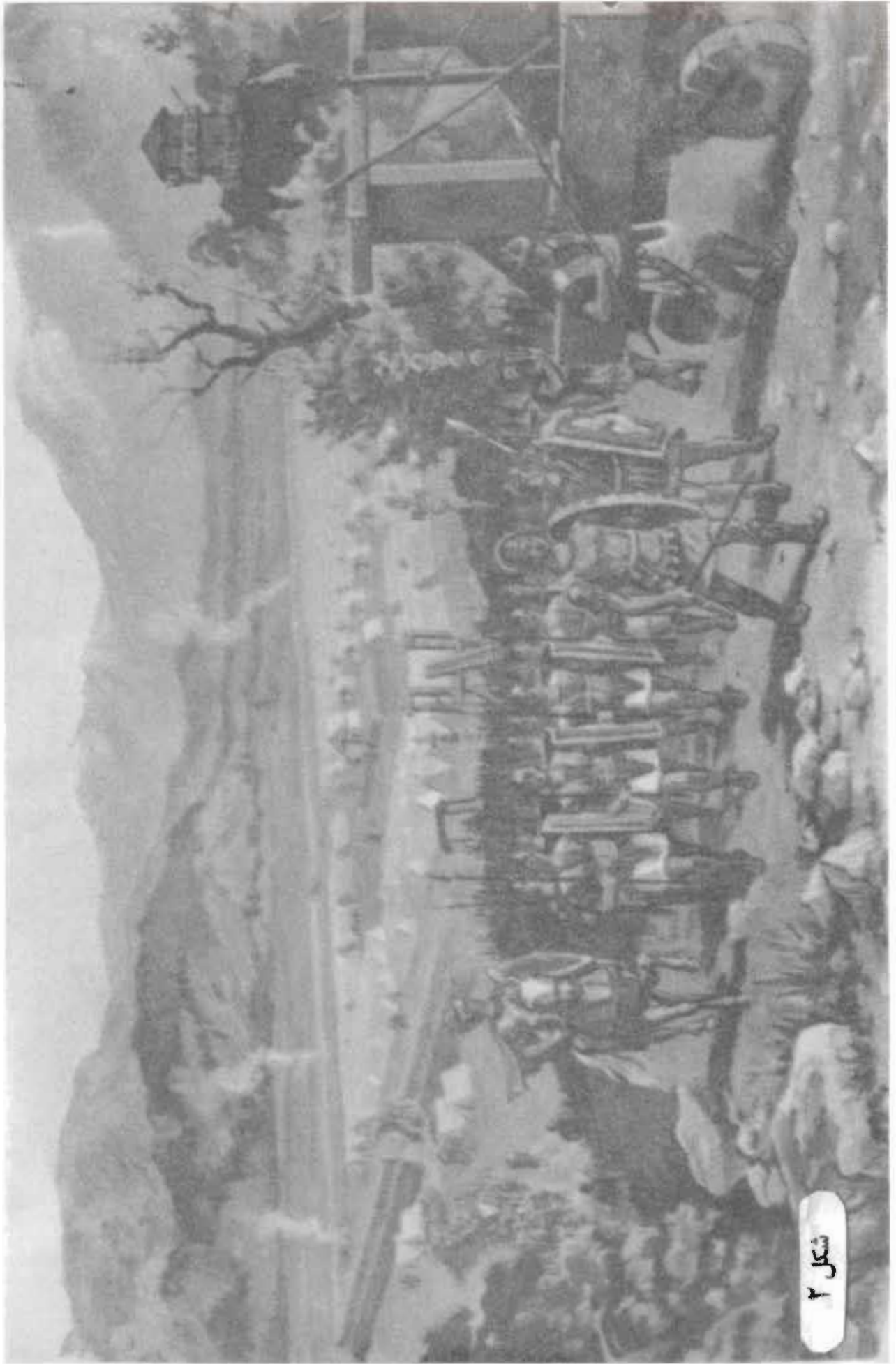


شکل ۱

تصویر شماره ۱

اعداد بردگان

بردگانی که به مرگ محکوم میشدند. معمولاً به صلیب کوبیده میشدند. دست و پای آنها را با میخ به صلیب میگویندند، برده‌ی صلیب شده، با مرگی دردناک و تدریجی، در زیر اشعه‌ی سوزان آفتاب، جان میداد.



بسوی نبرد

تصویر شماره ۲

سپاهیان رومی در قرن اول پیش از میلاد، لژیون از اردوگاه بسوی جبهه میروند فرماندهی لژیون سوار بر اسب، در حرکت است. فرمانده یکی از واحدهای لژیون نیز پیشاپیش سپاهیان خود، میروند. جلوتر افراد لژیون منجیق‌ها کشیده می‌شوند. پشت منجیق‌ها، یک تنی که پوست خرس پوشیده، بزرگ لژیون را حمل میکند که عبارت است از سر تفره‌ای عقابی بر دسته چوبی. در قسمت عقب تصویر استحکامات اردوگاه مشاهده میشود.



تصویر شماره ۳

تروی مفا امیر اطور

در قسمت جلو، اشراف زادگان اسیر در زنجیر حرکت میکنند. در میان اشراف زادگان، زنی که کودک مرده‌ای را در بغل دارد، دیده میشود. پشت سر اسرا، تریبون‌های خلی در حرکتند. امیر اطور از زیر طاق نصرت تری مومف میگذرد. بردگان سایه‌بانی از طلا روی سر او گرفته‌اند. پشت طاق نصرت، آمفی تئاتر کولیز موم دیده میشود. شرح تری مومف را در بند ۵، ماده‌ی ۴ مطالعه کنید.



شکل ۲

۲۰
۱-۲

حمله بردگان شورشی به سپاهیان رومی

بردگان که تقریباً لخت بودند و سلاح بدرد بخوری در اختیار نداشتند، به واحدهای مجهز ارتش روم حمله میگردیدند. تنها عامل غافلگیری و شجاعتهای آنها بود که موفقیت‌هایی برایشان به ارمغان می‌آورد. مقاومت رومیان در برابر شورشیان بطور کلی درهم می‌شکست در صورتی که چهار سپاهی که پشت سپرهایشان پنهان شده‌اند، از خود دفاع میکنند، ولی با سنگ به آنها حمله مینمایند. شورشیان میگوشتند که هرچه سریع‌تر با شمشیر و نیزه‌های رومیان مقتول مسلح شوند.

تصویر شماره ۴